

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: عباسعلی بهاری

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: حمیده محمدی

چاپ: مهرنگ

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکربرکر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|---------------------------|--|
| ۱. دکتر محمد باقر آخوندی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر محسن آیتی | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| ۳. دکتر بی بی اقدس اصغری | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد |
| ۴. دکتر محمد اسکندری ثانی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر هادی پورشافعی | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر علی عسگری | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر کلثوم قربانی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۸. دکتر جواد میکائیکی | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| ۹. دکتر حامد نوروزی | استادیار دانشگاه بیرجند |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند	
محمدباقر آخوندی، مریم محلاتیان بابکی	۷
برنامه ریزی راهبردی توسعه ی گردشگری شهرستان قاینات بر اساس تحلیل SWOT	
مریم سادات تقی زاده، نظر دهمرده	۳۹
بررسی تفاوت نگرش مردان و زنان عضو شوراهای اجتماعی محلات مشهد در شاخص های منتخب سرمایه اجتماعی	
سید هادی زرقانی، محسن حجازی جوشقانی	۶۵
بررسی ادراک شهروندان از فساد اداری و متغیرهای جمعیت شناختی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: بیرجند)	
علی سیف زاده	۹۳
مطالعه جامعه شناختی شاخص های احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد	
محمدحسن شربتیان، پویا طوافی	۱۱۵
شرح و نقد قصیده ی عربی دیوان ابن حُسام خوسفی	
محمد رضا عزیزی	۱۳۹

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۸

محمدباقر آخوندی^۱

مریم محلاتیان بابکی^۲

چکیده

مشارکت دینی مهم ترین رکن تشکیل دهنده سرمایه ی اجتماعی و یکی از مفاهیم کلیدی جامعه شناسی دین است. مشارکت دینی در کشور ایران که اکثریت مسلمان و شیعه هستند امری بسیار مطلوب و ارزشمند می باشد و آیه های قرآن بر آن تأکید فراوان دارد. ولی با وجود سفارش های زیاد دین مبین اسلام در دهه های اخیر تحقیق های انجام شده در کشور و احساس های عمومی افراد جامعه نشانگر آن است که مشارکت دینی مردم ایران در مقایسه با اوایل انقلاب کاسته شده است و این کاهش در قشر جوان بیشتر از اقشار دیگر جامعه مشاهده می شود. این سؤال در ذهن محقق به وجود می آید که چرا با وجود این که جوانان ما از زمان کودکی با مشارکت دینی، آشنا می شوند و در مراکز آموزش و پرورش، رسانه های ارتباط جمعی و خانواده این امر مورد توجه قرار می گیرد؛ باز هم جوانان ما آن چنان که باید به بعضی از اشکال مشارکت دینی اهمیت نمی دهند و پایبندی جوانان در عمل به مشارکت دینی در حد مورد انتظار نیست. لذا هدف از انجام این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی جوانان بخصوص دانشجویان دانشگاه بیرجند می باشد. روش این پژوهش، کمی و ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ است، که تعداد آنها ۹۵۶۴ نفر می باشد؛ از بین این جامعه آماری موجود برطبق فرمول کوکران، نمونه ای به حجم ۳۱۲ نفر با شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه بندی متناسب انتخاب شده است. همچنین با به کارگیری

Akhondi@birjand.ac.ir

۱. استادیار جامعه شناسی دانشگاه بیرجند

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

Mahalatianm@gmail.com

ضریب همبستگی اسپیرمن، کی دو، رگرسیون چند گانه به روش Enter و روش تحلیل مسیر، روابط بین متغیرها ارزیابی شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که متغیر ملاک یعنی مشارکت دینی با متغیرهای ارزش های دینی، استفاده از رسانه های جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اعتماد اجتماعی رابطه معنی داری دارد. همچنین تحلیل چندمتغیری نشان می دهد که متغیرهای ارزش های دینی، اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و استفاده از رسانه های جمعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر ملاک دارند. نتایج این پژوهش هم سو با نظریه های پاتنام، اینگلهارت و نوریس است.

واژگان کلیدی: مشارکت دینی، دانشجویان دانشگاه، ارزش های دینی

مقدمه

در جامعه ای نظیر ایران که در آن نهاد دین به عنوان یک مؤلفه ی مهم زندگی جمعی ایفای نقش می کند، می توان اهمیت نقش دین و مذهب را در شکل گیری، تداوم و تکوین سرمایه ی اجتماعی کاملاً منحصر به فرد و متمایز دانست؛ زیرا نهاد دین در محتوای جامعه ایران علاوه بر استحکام و تثبیت در ذهنیت و گرایش های عمومی جامعه، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه های فردی و اجتماعی است. شواهد متعدد در سطح دنیا و در بین ادیان مختلف، بیانگر آن است که مذهب موتور مولد سرمایه ی اجتماعی است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۲). تأثیر دین در حفظ و بقاء نظام اجتماعی و نقش آن در تقویت همبستگی بین اعضای جامعه باعث شده است تا بسیاری از عالمان اجتماعی و بویژه جامعه شناسان آن را به عنوان هسته محوری مطالعه های خود قرار دهند. یکی از ابعاد دین که تبلور دین در افراد به شمار می آید، مشارکت دینی است (موسوی، موسوی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۵۰). دورکیم^۱ برای مشارکت دینی اهمیت زیادی قائل است. از نظر او دین فقط نظامی از باور داشت ها و مفاهیم نیست، زیرا که دین نظام کنش و دربرگیرنده مناسک عملی است. از طریق

مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکار، احساس‌های مذهبی تقویت و تجدید و حس وابستگی به قدرتی روحانی تشدید می‌گردد. ماهیت جمعی چنین گردهمایی‌هایی، شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین‌های مذهبی آگاه می‌سازد و به این ترتیب مشارکت دینی همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۶-۱۷۷). اغلب مشارکت دینی به انسان بینشی عمیق و گسترده می‌دهد و او را در درک خاستگاه و هویت خویش یاری می‌کند. مشارکت دینی در این پژوهش نیز، معطوف به کنش‌های دینی داوطلبانه است که همواره به دلیل مسلمان بودن مردم ایران بر سایر انواع مشارکت‌ها برتری داشته است؛ مانند شرکت در نماز جماعت و جمعه، شرکت در انواع مراسم مذهبی، شرکت در مراسم محرم و صفر، شرکت در مراسم شب‌های احیاء در ماه رمضان و غیره. این نوع مشارکت می‌تواند باعث اجتماع عظیم ملی و یادآور ارزش‌ها و تقویت پیوندهای ملی شود. به طور کلی مشارکت دینی، به عنوان یکی از انواع مهم مشارکت و یکی از ابعاد اجتماعی دینداری به حساب می‌آید که عبارت است از حضور و مشارکت افراد در مراسم و مناسک دینی جمعی و سهیم شدن در برخی از هزینه‌های این مراسم و مناسک دینی می‌باشد که به صورت داوطلبانه و آگاهانه در مکان‌هایی هم چون هیأت‌های مذهبی، مساجد و منازل انجام می‌گیرد (غفاری و نیک‌بین صداقتی، ۱۳۹۱: ۹۱).

بیان مسأله

ایرانی قرن‌هاست که با دین، بر اساس دین، با راهنمای دین، به خاطر دین و با مرجعیت آن زندگی کرده است. اهمیت و جایگاه دین در جامعه ایران، تنها معطوف به دین اسلام نیست؛ چرا که در عهد پیش از اسلام نیز ایرانیان نگاه ویژه و ژرفی به دین داشته و دین جایگاه درخوری در حیات آنان دارد. «تأثیر دین و مظاهر آن در حفظ و بقاء نظام اجتماعی و نقش آن در تقویت همبستگی بین اعضاء جامعه باعث شده است تا بسیاری از جامعه‌شناسان آن را به عنوان موضوع مطالعه‌های خود قرار دهند. یکی از مظاهر و ابعاد که به نوعی می‌توان تبلور دین در افراد به شمار آورد، انجام رفتارهای

مذهبی و مشارکت در فعالیت های دینی در بین پیروان یک دین و مذهب است» (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱: ۲۹؛ به نقل از موسوی، موسوی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۵۱). آنچه مراسم و مشارکت دینی را در حیات اجتماعی جامعه ایران از دیگر جوامع متمایز کرده است؛ ویژگی هایی از جمله گستردگی، تنوع، قدمت، تأثیرگذاری، هنجارآفرینی و نقش آفرینی این نوع مراسم در کنش های فردی و اجتماعی مردم مسلمان ایران می باشد.

مشارکت دینی به عنوان یکی از ابعاد دین، نقش مهمی در بازتولید باورها و اعتقادات دینی در ایران داشته و دارد. به عبارت دیگر باورهای مذهبی عامل اجرا و به جا آوردن مشارکت اند و آن را معنا و شکل می دهند و از سوی دیگر، مشارکت دینی باورهای مذهبی را تقویت و تصدیق می کند. به طور کلی تأثیرهای مشارکت دینی را می توان به این صورت بیان کرد: ۱- دوری از انحراف های اجتماعی؛ ۲- کسب آرامش روانی؛ ۳- افزایش مسؤولیت پذیری؛ ۴- درونی شدن هنجارها و ارزش های دینی؛ ۵- همبستگی اجتماعی؛ ۶- وفاق اجتماعی؛ ۷- بازیابی هویت دینی؛ ۸- ایجاد پیوندهای فرانسلی و غیره.

در عصر جهانی شدن به دلیل پیچیدگی های زیادی که جامعه با آن روبه رو است، برخی از اشکال مشارکت دینی در معرض تقویت و برخی دیگر در معرض تهدید قرار گرفته اند. جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نیست. نتایج به دست آمده توسط پژوهشگران در حوزه جامعه شناسی دین نشان می دهد که تفاوت هایی در ابعاد دینداری قابل مشاهده است. به این ترتیب که هرچند باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و بادوام است، اما از سویی دیگر، پذیرش تمام ابعاد دینداری نیز از جانب جوانان مورد تردید می باشد (اعظم آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳؛ بهار و رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۲).

بر اساس نتایج مطالعه توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) باورهای دینی جوانان دانشجوی در حد بالا و پایبندی آنها به انجام دادن اعمال فردی دینی، در حد متوسط به بالاست، اما پایبندی آنها به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی می شود. هم چنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی، رواج

زیادی در بین دانشجویان دارد. یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت‌های دینی جوانان در بعد جمعی رسمی و غیررسمی، مانند شرکت در نماز جماعت، نماز جمعه و ... روند نزولی دارد (موسوی، موسوی و حیدری، ۱۳۹۰؛ فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، در این زمینه بین دانشجویان و غیردانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد و دانشجویان خیلی کمتر در این گونه مراسم مشارکت می‌کنند (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

نتایج تحقیق سراج‌زاده (۱۳۸۳: ۱۸۷) نشان می‌دهد که «باورها و عواطف دینی در بین جوانان از مقبولیت و عمومیت برخوردار بوده و انجام عبادات به صورت فردی را کم و بیش به جا می‌آورند؛ در حالی که قریب ۹۰٪ آن‌ها در مراسم جمعی عبادی (نماز جمعه و جماعت و ...) هرگز شرکت نمی‌کنند یا به ندرت شرکت می‌کنند. این میزان بالای از "مؤمنین مسجد نرو" پدیده جدیدی در ایران است که نشان‌دهنده‌ی گسترش نگرش‌های شخصی‌تر نسبت به دین در جامعه است که براساس آن، افراد ترجیح می‌دهند دین را به عنوان جنبه‌ای از زندگی خصوصی خود به حساب آورند. عدم شرکت در مراسم عمومی دینی می‌تواند نشانه‌ای از کاهش نفوذ نهادهای سنتی دین بر نسل جدید هم باشد و این هر دو را ممکن است بتوان به قدرت یافتن نیروهای سکولارکننده در سطح جامعه تعبیر کرد». مشارکت دینی در کشور ایران که اکثریت مسلمان و شیعه هستند امری بسیار مطلوب و ارزشمند می‌باشد و روایت‌های زیادی بر آن تأکید فراوان دارند. ولی باوجود سفارش‌های زیاد دین مبین اسلام در دهه‌های اخیر تحقیق‌های انجام شده در کشور و احساس‌های عمومی افراد جامعه، نشانگر آن است که «از مشارکت دینی مردم ایران در مقایسه با اوایل انقلاب، کاسته شده است» (موسوی، موسوی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۵۲). و این کاهش در قشر جوان، بیشتر از قشرهای دیگر جامعه مشاهده می‌شود.

در اینجا این سؤال در ذهن محقق به وجود می‌آید که چرا با وجود این که جوانان ما از زمان کودکی با مشارکت دینی آشنا می‌شوند و در مراکز آموزش و پرورش، رسانه‌های ارتباط جمعی و خانواده مشارکت دینی مورد توجه قرار می‌گیرد، باز هم برخی از جوانان

آن چنان که باید به بعضی از انواع مشارکت دینی اهمیت نمی دهند و پابندی آنان در عمل به مشارکت دینی در حد مورد انتظار نیست. اشکال کجاست؟ عوامل تأثیرگذار کدامند؟ می توان گفت عوامل فردی و اجتماعی متعددی در تعامل با یکدیگر در گرایش افراد به مشارکت دینی تأثیر دارند.

با توجه به نظریات مطرح شده در زمینه مشارکت، می توان این نکته را مطرح کرد که اعتماد اجتماعی و استفاده از رسانه های جمعی، متغیرهایی هستند که با مشارکت دینی رابطه دارند (Putnam, 2002: 134). پاتنام^۱ اعتماد را از عناصر ضروری برای تقویت همکاری می داند که حاصل پیش بینی پذیری رفتار دیگران است. اعتماد در یک جامعه کوچک، از طریق آشنایی با دیگران به دست می آید، اما در جامعه بزرگ و پیچیده، اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می یابد. پاتنام با توجه به شعاع اعتماد، به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته، اشاره دارد و نوع دوم را برای جامعه، سودمندتر می داند. به نظر او این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می شناسیم، فراتر می برد و همکاری گسترده تر در سطح جامعه را موجب می شود. پاتنام افزایش مشارکت و گسترش شبکه های اجتماعی را از سازوکارهای اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته، معرفی می کند (احمدی و کارگر، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

پاتنام در تبیین کاهش سرمایه اجتماعی، و انواع مشارکت در بین آمریکایی ها، مهمترین نقش را برای تلویزیون و انواع رسانه های الکترونیکی قائل است. پاتنام معتقد است که این فناوری های ارتباطی با خصوصی کردن اوقات فراغت، به کاهش سرمایه اجتماعی و مشارکت افراد منجر می شوند (Putnam, 1998، نقل در فیلد، ۱۳۸۵: ۱۴۲-۱۴۵). از دیگر نظریه پردازانی که معتقدند غیردینی شدن در میان نسل های جوان تر، بیشترین پیشروی را داشته است، اینگلهارت و نوریس^۲ می باشد (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۹: ۳۱۳ و ۵۶). براساس نظریه آنان ارزش ها و اعتقادات دینی به شدت بر مشارکت دینی (شرکت در مراسم عبادی و برگزاری نماز) تأثیر می گذارد. هم چنین نوسازی

1. R.Putnam

2. R.Inglehart & P. Norris

یعنی فرایند صنعتی شدن، شهرنشینی، میزان تحصیلات، ثروت، وضعیت تأهل، شغل و نوع طبقات بر روی میزان مشارکت دینی تأثیر می گذارند (همان: ۱۱۰ و ۳۲۰).
با توجه به مطالب بالا که ذکر شد باید دید که مشارکت دینی در بین جوانان و به خصوص دانشجویان دانشگاه بیرجند، به چه صورت هایی می باشد و هم چنین عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی آنان کدامند؟ لذا خلأ و کمبود تحقیق داخلی در این زمینه و خصوصاً رابطه علل و عوامل مختلف اجتماعی با مشارکت دینی دانشجویان، محقق را بر این داشت که به دو سؤال اساسی زیر پاسخ دهد.
سؤال اول: میزان مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال ۹۴-۹۵ چگونه است؟

سؤال دوم: عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال ۹۴-۹۵ کدامند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند
اهداف جزئی عبارتند از:

۱. بررسی میزان مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند؛
۲. جستجو و بررسی برخی از عوامل اجتماعی که بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند تأثیر می گذارند؛
۳. بررسی رابطه ی بین عوامل اجتماعی و گوناگونی های موجود در مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند؛
۴. توجیه و تبیین نتایج به دست آمده از این بررسی ها.

فرضیه های تحقیق

- ۱- به نظر می رسد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و مشارکت دینی دانشجویان، رابطه وجود دارد. با این پیش فرض که طبقه های پایین تر نسبت به طبقه های بالاتر، مشارکت دینی بیشتری دارند و بالعکس.
- ۲- به نظر می رسد که بین استفاده از رسانه های جمعی و مشارکت دینی دانشجویان، رابطه وجود دارد. با این پیش فرض که هر چه استفاده از رسانه های جمعی افزایش می یابد، مشارکت دینی هم کاهش می یابد و بالعکس.
- ۳- به نظر می رسد که بین اعتماد اجتماعی دانشجویان و مشارکت دینی آنان، رابطه وجود دارد. با این پیش فرض که هر چه اعتماد اجتماعی در دانشجویان بیشتر باشد، مشارکت دینی دانشجویان نیز افزایش می یابد و بالعکس.
- ۴- به نظر می رسد که بین ارزش های دینی دانشجویان و مشارکت دینی آنان، رابطه وجود دارد. با این پیش فرض که هر چه ارزش های دینی در دانشجویان با اهمیت تر باشد، مشارکت دینی دانشجویان نیز افزایش می یابد و بالعکس.

پیشینه تحقیق

موسوی، موسوی و حیدری (۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۷۳) در تحقیق خود به «بررسی میزان پای بندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه دانش آموزان شهر زنجان» پرداخته اند. یافته های تحقیق نشان داد که میزان پایبندی دانش آموزان مقطع متوسطه به مناسک و رفتارهای دینی در سطح نسبتاً بالایی است و اکثریت آنان مناسک و واجبات دینی را به جا می آورند. بررسی پایبندی آنان به مناسک جمعی رسمی و جمعی غیررسمی نشان می دهد که اگرچه این بعد از رفتارهای دینی در سطح متوسطی قرار دارد ولی نسبت به انجام مناسک فردی ضعیف تر است و میزان شرکت در نماز جماعت مسجد، شرکت در روضه خوانی ها و مداحی ها، شرکت در نماز جمعه و شرکت در جشن هایی مانند نیمه شعبان و مراسم ایام محرم در حد متوسط بوده و میانگین آن ها از پایبندی به انجام مناسک فردی پایین تر است.

شایگان (۱۳۸۹: ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۷۵) در تحقیقی تحت عنوان "تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد" به بررسی عوامل مؤثر بر میزان حضور و مشارکت مردم در مساجد می‌پردازد. از بین عوامل مؤثر نیز عواملی مانند کیفیت عملکردهای اصلی و جانبی مسجد، میزان مقبولیت امام جماعت، ویژگی سطح فنی مسجد، میزان مذهبی بودن افراد، طبقه اجتماعی آنان و میزان ارضای انتظاراتشان از مسجد و نحوه تأمین هزینه مسجد به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین میزان مذهبی بودن و میزان حضور و مشارکت در مسجد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. هم‌چنین براساس نتایج، رابطه‌ی بین میزان حضور و مشارکت در مسجد و طبقه اجتماعی پاسخگویان ضعیف و منفی است.

مولر و جانسون (Mueller & Johnson, 1975: 785-800) در مطالعه خود تحت عنوان «پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت دینی» به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان مشارکت دینی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه ضعیفی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت دینی برای همه گروه‌های دینی و نژادی وجود دارد. ضریب رگرسیون استانداردشده نیز رابطه‌ی ضعیفی را بین مشارکت دینی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی (تحصیلات، درآمد و شغل) نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی (تحصیلات، درآمد و شغل) حدوداً یک درصد از تغییرهای مشارکت دینی را تبیین می‌کند. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین مشارکت دینی زنان نسبت به مردان بیشتر است. هم‌چنین مشارکت دینی در بین گروه‌های مختلف دینی براساس رده‌های شغلی متفاوت است؛ این رابطه در بین پروتستان‌ها مثبت، در بین یهودیان و سفیدان بدون تعلق مذهبی (کاتولیک یا پروتستان) منفی و در بین کاتولیک‌ها صفر است.

فرکینگ (Frerking, 1965: 53-57) با توجه به کار فوکویاما^۱، در مطالعه‌اش تحت عنوان "مشارکت دینی دانشجویان لوتریان" چهار بعد اصلی مشارکت دینی را شناختی، آیینی، عقیدتی و عبادتی در نظر می‌گیرد و رابطه عواملی مانند جنسیت، تحصیلات

و پایگاه اقتصادی- اجتماعی را با مشارکت دینی بررسی می کند. بر اساس نتایج، بین جنسیت و مشارکت دینی (با چهار بعد شناختی، آیینی، عقیدتی و عبادی) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان مشارکت دینی دانشجویان بر اساس نوع دانشکده آنان متفاوت است. در این تحقیق، بین طبقه اجتماعی و میزان مشارکت دینی در همه ابعاد رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است. در مورد رابطه‌ی بین محل سکونت و مشارکت دینی نیز نتایج نشان می دهد که در بین دانشجویان فقط از نظر بعد آیینی تفاوت معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری تحقیق به نظریه‌هایی که به توصیف و تبیین مشارکت دینی می پردازند، گفته می شود این قسمت شامل نظریه‌های دورکیم، گلاک و استارک^۱ و اینگلهارت و نوریس است. پس از ذکر این نظریه‌ها، نظریه‌هایی که مربوط به عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی است، بیان می گردد که شامل نظریه‌های پاتنام، اینگلهارت و نوریس می باشد. در کل محقق در این تحقیق، از چارچوب نظری تلفیقی استفاده کرده است.

نظریه دورکیم: طبق نظریه دورکیم مشارکت دینی عبارت است از شرکت افراد در مراسم مذهبی و مناسک دینی. از نظر وی مشارکت دینی به نوعی به عنوان یک نوع واقعیت اجتماعی مدنظر می باشد. به طور کلی می توان نکات زیر را پیرامون نظریه دورکیم راجع به مشارکت دینی مطرح کرد:

۱. دورکیم به عنوان یکی از مشهورترین دین شناسان، دین را به عنوان منشأ اصلی اصول اخلاقی و همبستگی اجتماعی شناسایی کرد. او معتقد است که گردهمایی مردم در مراسم مذهبی، هم باعث تقویت باورهای دینی و هم موجب به وجود آمدن احساسات پرشور و شدید و تقویت پیوند بین مردم می شود.
۲. دین به طور مداوم جمع را می سازد و بازسازی می کند و این کار را با محکم کردن پیوندهایی که فرد را به جامعه متصل می کند، انجام می دهد. دین شرایط

ضروری حیات اجتماعی و به سبب آن، حیات فردی را ابقاء می کند. به عبارت دیگر بنا به گفته ی دورکیم، از آنجا که سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه ها و عزاداری های جمعی و با شورآفرینی های خاص همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می کنند. این امر سبب نوعی کامیابی و نشاط برای کنشگران می شود (بیانی، ۱۳۹۴: ۱). محقق در این تحقیق از نظریه دورکیم این استنباط را می کند که مشارکت دینی به عنوان یک نوع واقعیت اجتماعی است که تجلی بیرونی آن را باید مدنظر قرار داد. به نوعی دورکیم مشارکت دینی را شرکت افراد جامعه در مناسک دینی و مراسم مذهبی مدنظر قرار داده است. بنابراین محقق در این تحقیق به این جنبه از مشارکت دینی توجه کرده و بر اساس جامعه ی خود آن را بومی سازی کرده است.

نظریه گلاک و استارک: سراج زاده و پویافر (۱۳۸۶) مدل دینداری گلاک و استارک را با توجه به جامعه ایران بومی سازی کرده است. محقق در این تحقیق به بعد مناسکی این نظریه برای ساختن گویه های مشارکت دینی استفاده کرده است. چون به نوعی گلاک و استارک در این بعد از دینداری، مشارکت دینی را مدنظر قرار داده است. در این تحقیق، چون مشارکت دینی به عنوان یکی از انواع مشارکت در نظر گرفته شده است محقق می تواند از این بعد از دینداری (بعد مناسکی) برای رسیدن به گویه های مورد نظر استفاده کند. این گویه ها شامل شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری ها (که در مساجد و تکیه ها تشکیل می شود) می باشد.

اینکلههارت و نوریس: اینکلههارت و نوریس مشارکت دینی را شرکت در مراسم مذهبی و انجام عبادت ها و مکاشفه های روزانه مدنظر قرار داده اند. با توجه به این که مشارکت دینی در این تحقیق به عنوان یکی از انواع مشارکت و یکی از ابعاد اجتماعی دینداری مدنظر می باشد، ما از این نظریه فقط به بعد شرکت افراد در مناسک دینی جمعی توجه کردیم.

به طور کلی مشارکت دینی که به عنوان یک بعد اجتماعی دینداری و هم به عنوان

یکی از انواع مشارکت است که جوانان در اجتماع به آن می پردازند، مدنظر ما می باشد. به دلیل این که نظریه ای واحد، مشارکت دینی را آن گونه که مدنظر محقق می باشد توضیح نداده، لذا مجبور شدیم که برای توصیف و تبیین مشارکت دینی از ترکیب نظریه هایی مانند دورکیم، گلاک و استارک و اینگلهارت و نوریس استفاده کنیم.

نظریه پاتنام: براساس نظریه پاتنام، بین مشارکت و اعتماد اجتماعی رابطه ی متقابلی وجود دارد. «وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد، مستلزم مهارت ها و اعتماد بین اشخاص است و این اعتماد و مهارت ها نیز، به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می شود» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

پاتنام در بخشی از کتاب *بولینگ تنها*^۱، به بررسی رابطه مشارکت دینی و سرمایه اجتماعی می پردازد. به نظر او، چون کلیساها به طور سنتی نقش مهمی در زندگی مدنی آمریکایی ها داشته اند، فرایند غیردینی شدن تأثیر معناداری بر تضعیف فعالیت اجتماعی داشته است. پاتنام سازمان های دینی، بویژه کلیساهای پروتستان را منحصراً برای جامعه مدنی آمریکایی مهم شمرده است: «شاید اجتماع های مذهبی که مردم در آن ها با هم به عبادت می پردازند، مهم ترین ذخیره گاه سرمایه اجتماعی در آمریکا باشد» (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۹: ۲۶۱). با وجود سازمان های دینی که مستقیماً با حمایت اجتماعی از اعضایشان و ارائه خدمات در مناطق محلی و به صورت غیرمستقیم با پرورش مهارت های سازمانی، درونی سازی ارزش های اخلاقی و ترویج از خودگذشتگی، در خدمت زندگی مدنی هستند، فعالیت مذهبی است که برای آمریکایی ها، مهم پنداشته می شود. پاتنام عقیده دارد که کاهش فعالیت مذهبی در قرن بیستم در میان نسل های جوان تر بیش از همه مشهود است. «آمریکایی ها غالباً کمتر از ما در سه یا چهار دهه قبل به کلیسا می روند و کلیساهایی که ما می رویم با عبادت گزاران کمتری مواجه هستند» (همان: ۲۶۲). پاتنام بیان می کند که افت کلیساروی در آمریکا مثل بقیه جوامع دیگر مشهود است: کاهش جهانی فعالیت در این سازمان ها، واقعیت چشمگیری است که در ارتباط با پویایی سرمایه اجتماعی در دموکراسی پیشرفته است. به عقیده

پاتنام افت کلیساروی موجب کاهش عضویت در سازمان های اجتماعی و فعالیت در امور مدنی می شود (همانجا).

پاتنام در کتاب *بولینگ تنها* و دیگر مقاله های خود (Putnam, 2000: 1995) در تبیین کاهش سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی و دیگر اشکال مشارکت در بین آمریکایی ها، مهم ترین نقش را برای تلویزیون قائل است.

پاتنام معتقد است سه دلیل برای تأثیر نامطلوب تلویزیون بر سرمایه اجتماعی و اشکال مشارکت وجود دارد: اول این که تلویزیون زمانی را که باید صرف ارتباط با مردم شود را به خود اختصاص می دهد و مردم را در خانه هایشان نگاه می دارد. دوم این که تلویزیون انفعال و بی حالی را تقویت می کند. سوم این که محتوای بسیاری از برنامه های آن ضدمدنی است. کسانی که برنامه های اخبار را تماشا می کنند، از دیگران فعالیت مدنی بیشتری دارند. اما همبستگی منفی واضحی میان شهروندی فعالانه و تماشای مداوم مسابقه های تلویزیونی و برنامه های گفتگو وجود دارد» (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۴۵). به طور کلی در زمینه انواع رسانه های الکترونیکی، پاتنام عقیده دارد که این فناوری های ارتباطی با خصوصی کردن یا انفرادی کردن اوقات فراغت، به کاهش سرمایه اجتماعی و مشارکت افراد در سازمان ها و انجمن های مختلف مدنی و اجتماعی منجر می شوند» (Putnam, 1998؛ به نقل از فیلد، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۲).

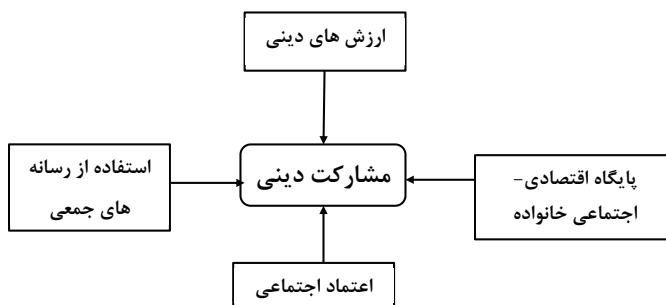
نظریه اینگلهارت و نوریس: اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۹: ۳۱۲ و ۳۱۴ و ۳۱۶) در کتاب *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان تحلیلی نظری از دینداری و مشارکت دینی* ارائه داده است. آنان براساس دو اصل امنیت و سنت های فرهنگی، عقیده دارند که مشارکت دینی در جوامع فقیرتر پیش صنعتی، قوی تر از دیگر جوامع می باشد. در مقابل مردم مرفه ترین، امن ترین و برابرطلب ترین جوامع، غیرمذهبی ترین جوامع می باشند. هم چنین در همه جوامعی که توسعه اقتصادی قابل توجهی رخ داده است، غیردینی شدن در میان نسل های جوان تر که از والدین و پدربزرگ ها و مادربزرگ هایشان کمتر دیندارند، بیشترین پیشروی را داشته است.

براساس نظریه آنان ارزش ها و اعتقادهای دینی به شدت بر مشارکت دینی (شرکت

در مراسم عبادی و برگزاری نماز) تأثیر می‌گذارد. نوسازی یعنی فرایند صنعتی شدن، شهرنشینی، میزان تحصیلات و ثروت بر روی میزان مشارکت دینی تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین میزان مشارکت دینی در بین گروه‌های جنسیتی، تاهلی، شغلی و طبقاتی متفاوت است (همان: ۳۱۵).

بررسی نظریه‌های فوق نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی زیادی بر مشارکت دینی تأثیر دارند. برای چارچوب نظری تحقیق از نظریه‌های پاتنام، اینگلهارت و نوریس استفاده شده است که شامل: ۱. پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده: براساس نظریه اینگلهارت و نوریس؛ ۲. استفاده از رسانه‌های جمعی: براساس نظریه پاتنام؛ ۳. اعتماد اجتماعی: براساس نظریه پاتنام؛ ۴. ارزش‌های دینی: براساس نظریه اینگلهارت و نوریس.

مدل نظری تحقیق



شکل ۱) مدل نظری تحقیق

روش تحقیق

رویکرد این تحقیق "کمی" و روش مورد استفاده "پیمایشی" است و در گردآوری داده‌ها نیز از فن "پرسشنامه" استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده در نرم افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفتند و چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و آزمون قرار گرفته است. پرسشنامه‌ی مورد

استفاده در این تحقیق، مشتمل بر دو نوع سؤال باز و بسته بوده است. متغیر ملاک تحقیق به صورت ترتیبی با گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، تاحدودی، کم، خیلی کم، اصلاً، سنجیده شده است و متغیرهای پیشین از جمله: اعتماد اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جمعی، ارزش‌های دینی بصورت ترتیبی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بصورت فاصله‌ای سنجیده شده است.

اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

شیوه‌های مختلفی برای سنجش درجه اعتبار یک پرسش‌نامه وجود دارد. از جمله اعتبار صوری و اعتبار تجربی است که در این تحقیق، از اعتبار صوری استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش است که از طریق مراجعه به داوران و متخصصین اهل فن صورت می‌گیرد. فایده این روش آن است که فرایند تحقیق به شاخص‌های درستی دست می‌یابد که تا حد امکان فارغ از ارزش‌های خاص محقق است و واقعیت را آن‌طور که هست، سنجش و ارزیابی می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۹). ضوابطی که در مطالعه حاضر برای حصول اطمینان از اعتبار صوری وسیله اندازه‌گیری به کار گرفته شده‌اند، عبارتند از: ۱- استفاده از پرسش‌نامه‌های آزمون شده قبلی و پژوهش‌های مشابه که با توجه به موضوع تحقیق، مقداری تغییرات در آن صورت گرفت ۲- نظرخواهی از اساتید راهنما و سایر استادان متخصص.

برای سنجش پایایی مقیاس‌های تحقیق، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه را در میان دانشجویان دانشگاه بیرجند توزیع و براساس نتایج آن‌ها، آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق محاسبه شد. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای موردنظر، پس از سنجش، بیش از ۷۰/۰٪ بود که نشان می‌دهد گویه‌های مربوط به متغیرها از میزان پایایی و همسازی درونی بالایی برخوردارند.

جامعه آماری و حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق کلیه ی دانشجویان دانشگاه بیرجند که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۵-۹۴، در دانشکده های کشاورزی، هنر، ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روانشناسی، مهندسی، علوم، علوم ریاضی و آمار، تربیت بدنی و علوم ورزشی مشغول به تحصیل بودند، می باشد. در مجموع، تعداد کل دانشجویان دختر و پسر مورد بررسی ۹۵۶۴ نفر است. از کل جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۱۲ نفر برآورد شده است. لازم به ذکر است که با توجه به حجم دانشجویان هر دانشکده، تعداد لازم برای نمونه گیری از هر کدام، به نسبت دانشجویان آن ها مشخص شد و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده متناسب انتخاب شدند. در این تحقیق با مراجعه به دانشکده های مربوطه، ۳۱۲ دانشجو به ترتیب ۴۲ نفر از دانشکده کشاورزی، ۲۳ نفر از دانشکده هنر، ۶۶ نفر از دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۲۹ نفر از دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۸۶ نفر از دانشکده مهندسی، ۳۹ نفر از دانشکده علوم، ۱۷ نفر از دانشکده علوم ریاضی و آمار و ۱۰ نفر از دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، به صورت تصادفی (هر یک از افراد مورد مطالعه شانس برابر و مستقلی برای قرار گرفتن در نمونه داشتند) پرسش نامه در اختیار پاسخگویان قرار گرفت.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

تعریف متغیر ملاک: در این تحقیق مشارکت دینی متغیر ملاک است.

تعریف مشارکت دینی: مشارکت دینی به عنوان یکی از انواع مهم مشارکت و یکی از ابعاد اجتماعی دینداری به حساب می آید که عبارت است از حضور و مشارکت افراد در مراسم و مناسک دینی جمعی و سهیم شدن در برخی از هزینه های این مراسم و مناسک می باشد که به صورت داوطلبانه و آگاهانه در مکان هایی همچون هیأت های مذهبی، مساجد و منازل انجام می گیرد (غفاری و نیک بین صداقتی، ۱۳۹۱: ۹۱).

برخی از مهم ترین مصادیق مشارکت دینی با توجه به جامعه ی آماری این تحقیق که دانشجویان هستند عبارت است از: شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه،

شرکت در مراسم دعا‌های مختلف از جمله دعاى نديه، دعاى توسل، دعاى عرفه، دعاى کمیل، شرکت در مراسم عزادارى محرم و صفر، شرکت در مراسم اعياد مذهبی چون عید فطر، قربان، مبعث، ولادت پیامبر و ائمه معصومین، شرکت در مراسم اعتکاف، شرکت در مراسم شب‌های احیاء در ماه رمضان، هزینه کردن در مراسم عاشورا، عزادارى و اعياد دینی و برگزاری مراسم دینی در منزل.

تعریف متغیر پیش‌بین: در این تحقیق متغیرهای پیش‌بین شامل: پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، اعتماد اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ارزش‌های دینی می‌باشد که به ترتیب تعریف هر یک در ذیل آمده است:

پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده: پایگاه اجتماعی که یکی از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود عبارت است از: موقعیت اجتماعی فرد در یک گروه، یا مرتبه اجتماعی او در یک گروه در مقایسه با دیگر گروه‌ها (ربانی و طاهری، ۱۳۸۷: ۳). پایگاه اقتصادی، وضعی را که یک فرد در رژیم اقتصادی داراست و یا دقیق‌تر، وضع او در بخش تولید را می‌رساند (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۱۰). بنابراین اصطلاح پایگاه، موقعیتی را مشخص می‌کند که فرد در یک گروه یا یک گروه در جامعه احراز کرده است (بودون، ۱۳۸۵: ۱۲۶). شاخص‌های زیادی هم‌چون ثروت، قدرت، درآمد، تحصیلات و شغل برای سنجش پایگاه اجتماعی افراد وجود دارد. در این تحقیق برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده از شاخص‌های درآمد، تحصیلات و شغل استفاده شده است و براین اساس، افراد در سه پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا، متوسط و پایین قرار گرفتند.

ارزش‌های دینی: «ارزش‌های دینی آن دسته از باورهایی هستند که در واقعیات نفس‌الامری ریشه دارند که از طریق عقل و یا به کمک وحی کشف شده‌اند. ارزش‌هایی که در وحی ریشه دارند از طریق انبیاء به جوامع انسانی هدیه می‌شود. ارزش‌های دینی منشأ و حیانی دارد و با ارزش‌های اجتماعی متفاوت است، ولی این گونه نیست که به لحاظ مقبولیت نتواند صفت اجتماعی شدن را به دست آورد. به دیگر سخن، دینی بودن ارزش‌ها به معنای ناتوانایی آن در اجتماعی شدن نیست، چه بسا ارزش‌های دینی که پذیرش همگانی دارند و اجتماعی نیز هستند» (پوریانی، ۱۳۸۷: ۶۸). ویژگی‌های

ارزش‌های دینی عبارت است از: ۱- ثبات و دوام ۲- طراوت و بالندگی ۳- قداست ارزش‌های دینی ۴- انسجام بخشی ارزش‌های دینی ۵- مطلق بودن ارزش‌های دینی (همان: ۶۸).

تعریف عملیاتی از ارزش‌های دینی از نظر محقق عبارت است:

۱- ارزش‌های دینی به الگوی اجتماعی تبدیل شده‌اند ۲- ارزش‌های دینی احساسات ریشه‌دار عمیق‌اند که اعضای جامعه در آن شریک‌اند ۳- ارزش‌های دینی یک نوع درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها، یک شخص، موضوع و یک گروه است ۴- ارزش‌های دینی در ذهن است و در ذهن افراد از درجه و اولویت برخوردار می‌باشند. محقق با توجه به این موارد درجه‌بندی ارزش‌ها را انجام داده است.

در این تحقیق گویه‌های ارزش‌های دینی اولاً با توجه به کار اینگلهارت (۱۹۹۰) در نظر گرفته شده است. اینگلهارت برای سنجش ارزش‌های دینی افراد به سه مقوله توجه کرده است: ۱- یکتاپرستی ۲- حرمت خانواده ۳- نظم داخلی (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰۷). دوماً محقق به کار گلاک و استارک، شجاعی زند، خدایاری فرد (سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۶: ۶۵-۷۱) توجه کرده است. ثالثاً با توجه به آن‌چه در دین ما آمده است گویه‌های زیر گردآوری شد، لذا از دانشجویان خواسته شده است تا میزان اهمیت جملات زیر را مشخص کنند. ۱- خدا ۲- قیامت ۳- نبوت ۴- امامت ۵- بهشت ۶- جهنم ۷- انجام واجبات دین ۸- ترک محرمات ۹- اقامه نماز ۱۰- روزه گرفتن ۱۱- زکات دادن ۱۲- امر به معروف کردن ۱۳- نهی از منکر کردن ۱۴- حجاب ۱۵- اخلاق خوب داشتن ۱۶- شیطان ۱۷- کمک به دیگران ۱۸- احترام به والدین ۱۹- پیامبر اسلام ۲۰- اماکن مذهبی ۲۱- مسلمانان. محقق در این تحقیق از جمع این گویه‌ها، متغیر ارزش‌های دینی را ساخته است.

استفاده از رسانه‌های جمعی: در ابتدا لازم به ذکر است که گاهی به جای عبارت رسانه‌های جمعی، از عبارتی چون وسایل ارتباط جمعی نیز استفاده می‌شود که یکی هستند. به طور کلی یک وسیله ارتباطی عبارت است از هر ابزاری که برای برقراری ارتباط، از آن استفاده می‌شود؛ اما منظور از وسایل ارتباط جمعی آن دسته از وسایل

ارتباطی است که مورد توجه جماعت کثیری قرار می گیرد. این وسایل در تمدن های جدید به وجود آمده و ویژگی اصلی آنان قدرت و توانایی زیاد و شعاع عمل بسیار وسیع است (کازنو، ۱۳۵۶: ۱۵).

در این پژوهش، منظور از مفهوم استفاده از رسانه های جمعی، استفاده دانشجویان از رسانه های چون اینترنت، شبکه های اجتماعی (اینستگرام، وایبر، فیس بوک، واتس آپ و تلگرام)، تلویزیون، ماهواره، رادیو و روزنامه می باشد.

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارها و تعهد های اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به سازمان ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند تعریف شده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۳۰).

محقق در این تحقیق در رابطه با اعتماد اجتماعی تلفیقی از نظریه های چلبی، گیدنز^۱ و استون^۲ را استفاده کرده است. اعتماد اجتماعی از ترکیب سه بعد اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی به دست آمده است.

یافته های تحقیق

از مجموع ۳۱۲ نفر جمعیت نمونه، بیشترین فراوانی مربوط به رده ی سنی کمتر از ۲۰ سال و کمترین فراوانی مربوط به رده ی سنی بیشتر از ۳۰ سال بوده است. هم چنین از لحاظ جنسیت، بیشترین تعداد از جامعه آماری را زنان با مقدار ۵۷/۷٪ تشکیل می دهند و بقیه نیز با ۴۲/۳٪ پسر می باشند. از نظر تحصیلات پدر، بیشترین آمار مربوط به مقطع دیپلم است و کمترین آمار مربوط به مقطع دکتری است. از لحاظ تحصیلات مادر، بیشترین آمار مربوط به مقطع ابتدایی با ۳۲/۴٪ و کمترین آمار مربوط به مقطع کارشناسی ارشد با فراوانی ۲/۶٪ است. بر اساس نتایج به دست آمده، از مجموع نمونه های بررسی شده، اکثر پاسخگویان با ۲۲/۸٪ درآمد ماهیانه خود را تا یک میلیون اعلام کرده و کمترین درآمد ماهیانه با ۶/۷٪ مربوط به بالای سه میلیون تومان است. هم چنین از کل نمونه ی آماری، ۴۶/۲٪ از پاسخگویان، یعنی بیشترین

1. Gedanz

2. Stone

افراد شغل پدرشان آزاد و ۱/۳٪ پاسخگویان، یعنی کمترین افراد شغل پدرشان بیکار است. از کل نمونه‌ی آماری ۸۲/۱٪ از پاسخگویان، یعنی بیشترین افراد شغل مادرشان را خانه‌دار اعلام کرده‌اند. ۰/۶٪ پاسخگویان، یعنی کمترین آن‌ها شغل مادرشان را آزاد اعلام کرده‌اند. در مورد پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۱/۲٪ دانشجویان در طبقه متوسط قرار دارند. ۳۳/۳٪ نیز در طبقه پایین و ۲/۶٪ در طبقه بالا قرار دارند.

در جمع‌بندی و با فرض فشرده کردن اطلاعات درباره فراوانی رسانه‌های جمعی، می‌توان گفت که ۱۳/۱٪ از دانشجویان همیشه و ۶۷٪ بیشتر اوقات از اینترنت استفاده می‌کنند. در مورد استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی، داده‌ها نشان می‌دهد که ۱۱/۹٪ دانشجویان همیشه و ۶۰/۵٪ بیشتر اوقات از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. در رابطه با استفاده دانشجویان از تلویزیون، می‌توان گفت که ۳۲/۷٪ پاسخگویان بیشتر اوقات و ۴۸/۷٪ کم بیننده برنامه‌های تلویزیون می‌باشند. هم‌چنین در مورد استفاده دانشجویان از ماهواره، می‌توان این مطلب را بیان کرد که ۱/۶٪ پاسخگویان همیشه از ماهواره استفاده می‌کنند، در حالی که ۶۷/۶٪ اصلاً از ماهواره استفاده نمی‌کنند. درباره استفاده دانشجویان از رادیو می‌توان گفت که ۱٪ پاسخگویان همیشه و ۵۸٪ اصلاً از رادیو استفاده نمی‌کنند. در نهایت در مورد استفاده دانشجویان از روزنامه، نتایج نشان می‌دهد که ۱٪ دانشجویان همیشه و ۴۳/۳٪ کم از روزنامه استفاده می‌کنند در حالی که ۴۲/۶٪ اظهار داشتند که اصلاً از روزنامه استفاده نمی‌کنند.

نتایج به دست آمده در مورد استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی بیانگر آن است که دانشجویان بیشتر اوقات شان صرف استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌گردد. آمارهای مربوط به این دو مورد نشان می‌دهند که از گذشته تاکنون، تغییر اساسی در استفاده دانشجویان از تلویزیون به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که به طور کلی بیشترین افراد در جامعه مورد مطالعه، یعنی ۶۵/۱٪ دانشجویان دارای اعتماد اجتماعی متوسطی می‌باشند. توزیع فراوانی به دست آمده در مورد ارزش‌های دینی نشان می‌دهد

که اغلب دانشجویان خدا، قیامت، نبوت، امامت، بهشت، جهنم، انجام واجبات دین، ترک محرّمات، اقامه نماز، روزه گرفتن، زکات دادن، امر به معروف کردن، نهی از منکر کردن، حجاب، اخلاق خوب داشتن، شیطان، کمک به دیگران، احترام به والدین، پیامبر اسلام، اماکن مذهبی و مسلمانان برایشان در زندگی مهم می باشد. بر اساس داده های به دست آمده می توان گفت که اکثر دانشجویان، ارزش های دینی شان بالا می باشد. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان مشارکت دینی نشان می دهد که ۳۸/۸٪ دانشجویان مشارکت دینی پایینی دارند. ۳۲/۱٪ دانشجویان مشارکت دینی متوسط و ۲۹/۲٪ دانشجویان مشارکت دینی بالایی دارند. به طور کلی داده های به دست آمده نشان دهنده ی این است که در جامعه مورد مطالعه، مشارکت دینی دانشجویان در حد پایینی است.

در جمع بندی اطلاعات به دست آمده از توزیع فراوانی اشکال مشارکت دینی می توان گفت که تنها ۱۵/۷٪ دانشجویان در حد زیاد و ۳۶/۹٪ در حد متوسط در "مراسم نماز جماعت" شرکت می کنند. هم چنین در رابطه با مشارکت دانشجویان در "نماز جمعه" می توان گفت که ۳۶/۸٪ دانشجویان کم و ۳۷/۵٪ اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند. در مورد شرکت دانشجویان در "مراسم عزاداری محرم و صفر" می توان گفت که تنها ۵۹٪ دانشجویان در حد زیاد و ۱۵/۴٪ در حد متوسط در این مراسم شرکت می کنند. در رابطه با شرکت دانشجویان در "اعیاد مذهبی چون عید فطر، قربان، مبعث، ولادت پیامبر و ائمه معصومین" می توان این مطلب را بیان کرد که ۴۴/۶٪ دانشجویان در حد زیاد و ۲۴/۷٪ به طور متوسط، در اعیاد مذهبی شرکت می کنند. در مجموع، نتایج حاکی از آن است که از نظر مشارکت دینی، دانشجویان در زمینه ی مراسم عزاداری محرم و صفر، اعیاد مذهبی چون عید فطر، قربان، مبعث، ولادت پیامبر و ائمه معصومین زیاد شرکت می کنند. بعد از آن دانشجویان به طور متوسط در نماز جماعت و برگزاری مراسم دینی در منزل شرکت داشته اند. کمترین میزان مشارکت دانشجویان، در زمینه ی شرکت در مراسم احیاء ماه رمضان، مراسم ادعیه مانند دعای ندبه، دعای توسل، دعای کمیل و نماز جمعه بوده است. هم چنین با توجه به نتایج، اکثر دانشجویان

در مراسم اعتکاف شرکت نمی کنند.

آزمون فرضیه های تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می رسد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱ نتایج بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی آنان را نشان می دهد. به منظور بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. داده های جدول نشان می دهد که در سطح ۹۵٪ اطمینان، فقط هزینه کردن در مراسم دینی با پایگاه اقتصادی- اجتماعی رابطه معنادار ندارد. با توجه به این که مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن در بقیه گویه ها، رابطه معنادار و منفی است می توان گفت که هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان شرکت پاسخگویان در مراسم فوق نیز کاهش می یابد و بالعکس. از طرف دیگر، مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن دلالت بر همبستگی ضعیفی بین دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی دارند. جدول ۱) آزمون همبستگی اسپیرمن بین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی

متغیر ملاک	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری
نماز جماعت	-۰/۲۸	۰/۰۰
نماز جمعه	-۰/۲۹	۰/۰۰
مراسم ادعیه مانند دعای ندبه و ...	-۰/۳۲	۰/۰۰
مراسم عزاداری محرم و صفر	-۰/۱۷	۰/۰۰
مراسم شب های احیاء ماه رمضان	-۰/۲۱	۰/۰۰
اعیاد مذهبی مانند عید فطر و ...	-۰/۰۲۲	۰/۰۰
مراسم اعتکاف	-۰/۰۲۷	۰/۰۰
هزینه کردن در مراسم عاشورا و ..	-۰/۳۰	۰/۴۹
برگزاری مراسم دینی در منزل	-۰/۲۱	۰/۰۰

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد که بین استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی و مشارکت دینی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲ نتایج بررسی رابطه بین استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی و مشارکت دینی آنان را نشان می‌دهد. به منظور بررسی رابطه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت دینی از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. داده‌های جدول نشان می‌دهد که فقط شرکت در مراسم ادعیه مانند دعای ندبه و هزینه کردن در مراسم عاشورا، رابطه معناداری با استفاده از رسانه‌های جمعی دارند. به این صورت که در سطح ۹۵٪ اطمینان، $\text{Sig} = 0.00$ ، رابطه معنادار است. هم‌چنین با توجه به مثبت بودن مقادیر ضریب همبستگی، می‌توان گفت با افزایش استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی، مشارکت دینی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. از طرف دیگر، مقادیر این رابطه که برابر با ۰/۱۶ و ۰/۲۳٪ است، دلالت بر همبستگی نسبتاً ضعیفی بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت دینی دارد.

جدول ۲) آزمون همبستگی اسپیرمن بین متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت دینی

متغیر ملاک	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری
نماز جماعت	۰/۰۴	۰/۴۷
نماز جمعه	۰/۰۸	۰/۱۳
مراسم ادعیه مانند دعای ندبه و ...	۰/۱۶	۰/۰۰
مراسم عزاداری محرم و صفر	۰/۰۹	۰/۱۰
مراسم شب‌های احیاء ماه رمضان	۰/۰۱	۰/۷۹
ایجاد مذهبی مانند عید فطر و ...	-۰/۰۶	۰/۲۲
مراسم اعتکاف	۰/۰۳	۰/۵۳
هزینه کردن در مراسم عاشورا و ..	۰/۲۳	۰/۰۰
برگزاری مراسم دینی در منزل	۰/۰۸	۰/۱۱

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۳ نتایج بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی آنان را نشان می‌دهد. به منظور بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به این که، همه مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح حداقل ۹۵٪ اطمینان، $\text{Sig} = 0.00$ معنی دار است، لذا فرض وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی آن‌ها تأیید می‌شود. هم‌چنین با توجه به مثبت بودن مقادیر ضریب همبستگی، می‌توان گفت با افزایش اعتماد اجتماعی دانشجویان، مشارکت دینی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. از طرف دیگر، مقادیر ضریب همبستگی دلالت بر همبستگی نسبتاً ضعیفی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی دارد.

جدول ۳) آزمون همبستگی اسپیرمن بین متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی

متغیر ملاک	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری
نماز جماعت	۰/۳۹	۰/۰۰
نماز جمعه	۰/۴۲	۰/۰۰
مراسم ادعیه مانند دعای ندبه و ...	۰/۳۳	۰/۰۰
مراسم عزاداری محرم و صفر	۰/۱۶	۰/۰۰
مراسم شب‌های احیاء ماه رمضان	۰/۲۴	۰/۰۰
اعیاد مذهبی مانند عید فطر و ...	۰/۳۰	۰/۰۰
مراسم اعتکاف	۰/۲۹	۰/۰۰
هزینه کردن در مراسم عاشورا و ..	۰/۲۳	۰/۰۰
برگزاری مراسم دینی در منزل	۰/۳۱	۰/۰۰

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد که بین ارزش‌های دینی و مشارکت دینی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۴ نتایج بررسی رابطه بین ارزش‌های دینی و مشارکت دینی آنان را نشان می‌دهد. به منظور بررسی رابطه بین ارزش‌های دینی و مشارکت دینی از روش آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به این که همه مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح حداقل ۹۵٪ اطمینان، $\text{Sig} = /00$ معنی‌دار است، لذا فرض وجود رابطه بین ارزش‌های دینی و مشارکت دینی آن‌ها تأیید می‌شود. هم‌چنین با توجه به مثبت بودن مقادیر ضریب همبستگی، می‌توان گفت با افزایش ارزش‌های دینی، مشارکت دینی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. از طرف دیگر، همه مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن، دلالت بر همبستگی متوسطی بین دو متغیر ارزش‌های دینی و مشارکت دینی دارد.

جدول ۴) آزمون همبستگی اسپیرمن بین متغیر ارزش‌های دینی و مشارکت دینی

متغیر ملاک	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری
نماز جماعت	۰/۵۱	۰/۰۰
نماز جمعه	۰/۴۹	۰/۰۰
مراسم ادعیه مانند دعای ندبه و ...	۰/۳۹	۰/۰۰
مراسم عزاداری محرم و صفر	۰/۳۹	۰/۰۰
مراسم شب‌های احیاء ماه رمضان	۰/۴۴	۰/۰۰
اعیاد مذهبی مانند عید فطر و...	۰/۴۷	۰/۰۰
مراسم اعتکاف	۰/۳۸	۰/۰۰
هزینه کردن در مراسم عاشورا و...	۰/۲۸	۰/۰۰
برگزاری مراسم دینی در منزل	۰/۳۷	۰/۰۰

تحلیل چند متغیری

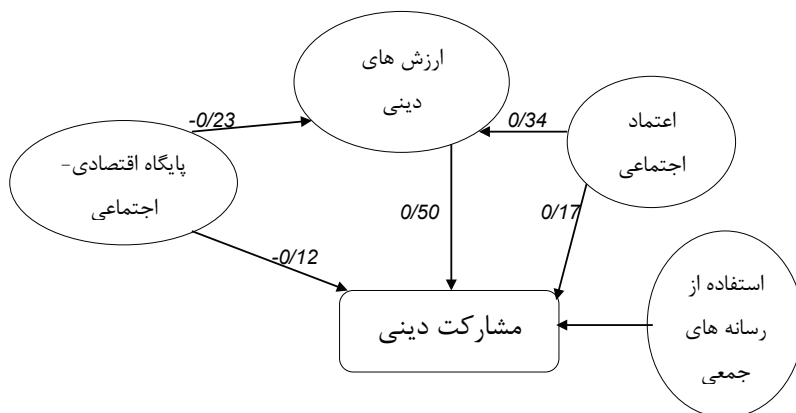
در این پژوهش، برای تبیین و پیش‌بینی متغیر ملاک از طریق متغیرهای پیش‌بین از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. «در تحقیق‌های رگرسیون چندمتغیره،

هدف پیدا کردن متغیرهای پیش بینی است که تغییرهای متغیر ملاک را چه به تنهایی و چه مشترکاً پیش بینی کند» (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵: ۹۳). در این جا، تغییرهای متغیر ملاک از طریق چند متغیر پیش بین برآورد می شود.

جدول ۵) بررسی رابطه بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک براساس آزمون رگرسیون چندمتغیره

متغیرهای پیشبین	سطح معنی داری	B	Beta	مقدار a	R	R ²	F	Sig
ارزش های دینی	۰/۰۰۱	۰/۶۹	۰/۵۰	-۱/۴۷۱	۰/۶۳	۰/۴۰	۴۹/۸	۰/۰۰
استفاده از رسانه های جمعی	۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۱۰					
اعتماد اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۱۷					
پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده	۰/۰۰۶	-۰/۰۳	-۰/۱۲					

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که با توجه به مقدار سنجش آزمون F و معنی داری آن در سطح ۹۵٪ اطمینان، معادله رگرسیون معتبر و نتایج آن قابل تحلیل است. در این جدول، متغیرهایی که به ترتیب اهمیت توانستند وارد مدل شوند عبارتند از: ارزش های دینی (با ضریب تأثیر ۰/۵۰)، اعتماد اجتماعی (۰/۱۷)، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده (۰/۱۲-) و استفاده از رسانه های جمعی (۰/۱۰). بر اساس نتایج حاصله، همبستگی نسبتاً بالایی ($R=۰/۶۳$) بین ارزش های دینی، اعتماد اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و استفاده از رسانه های جمعی وجود دارد. مقدار $R^2=۰/۴۰$ نشان می دهد که متغیرهای پیش بین، قدرت تبیین متوسطی راجع به تغییرهای مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر مشارکت دینی، داشته اند. هم چنین میزان ضرایب استاندارد شده نشان می دهد که متغیر ارزش های دینی، بیشترین تأثیر را بر متغیر مشارکت دینی داشته و بالاترین مقدار Beta (۰/۵۰) را به خود اختصاص داده است. در این تحقیق بر اساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده، نمودار عوامل مؤثر بر مشارکت دینی به صورت زیر ترسیم می شود:



شکل ۲) تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت دینی

با توجه به تحلیل مسیر فوق می توان گفت که تأثیر متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی کاهشی است و طبقه های اجتماعی پایین تر، مشارکت دینی بیشتری نسبت به طبقه های اجتماعی بالاتر دارند. هم چنین تأثیر متغیرهای ارزش های دینی، اعتماد اجتماعی و استفاده از رسانه های جمعی افزایشی است. با افزایش ارزش های دینی دانشجویان، مشارکت دینی آنان نیز افزایش می یابد. هم چنین با افزایش استفاده دانشجویان از رسانه های جمعی (۰/۱۰ واحد به متغیر مشارکت دینی افزوده می شود)، مشارکت دینی آنان نیز افزایش می یابد. از نظر اعتماد اجتماعی، دانشجویانی که اعتماد اجتماعی بالاتری دارند، مشارکت دینی بیشتری دارند.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق تلاش شد که به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان پرداخته شود. همان طور که در فرایند تحقیق مطرح شد، محقق در این تحقیق به دنبال پاسخ دهی به این سؤال است که چه عوامل اجتماعی بر مشارکت دینی دانشجویان تأثیر می گذارد؟ نتایج این تحقیق نشان داد که از بین عوامل اجتماعی، متغیرهای ارزش های دینی، اعتماد اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و استفاده از رسانه های جمعی، به ترتیب مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت دینی

می باشند. در این تحقیق فرض وجود ارتباط بین ارزش های دینی دانشجویان و مشارکت دینی آنان تأیید شده است. این نتیجه همسو با نظریه های اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۹) است؛ مبنی بر این که هرچه ارزش های دینی در افراد با اهمیت تر باشد مشارکت دینی آنان افزایش می یابد و بالعکس. در زمینه ی تأیید فرض وجود رابطه بین استفاده از رسانه های جمعی و مشارکت دینی دانشجویان، می توان گفت که این نتیجه غیرمنطبق با نظریه پاتنام است. پاتنام معتقد است که استفاده از رسانه های جمعی باعث کاهش مشارکت افراد می گردد. می توان نظریاتنام را به این صورت توجیه کرد که رسانه های جمعی (روزنامه، رادیو و تلویزیون) در ایران دولتی و با محدودیت های ویژه و فراوانی برخوردارند، همین ویژگی باعث می شود که استفاده از رسانه های جمعی باعث افزایش مشارکت افراد گردد. در صورتی که رسانه های خارجی نسبت به رسانه های داخلی در ایران آزادتر هستند و همین ویژگی باعث کاهش مشارکت در افراد می گردد. دلیل غیرمنطبق بودن نظریه پاتنام باینجا این تحقیق را می توان همین مطلب دانست. راجع به تأیید فرض رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت دینی دانشجویان، می توان گفت که این نتیجه منطبق با نظریه پاتنام است. به این ترتیب که رابطه متقابلی بین مشارکت و اعتماد اجتماعی وجود دارد. بی اعتمادی، افراد جامعه را از انواع مناسبات اجتماعی از جمله مشارکت دینی، باز می دارد. از طرف دیگر، اعتماد اجتماعی یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری و مشارکت است. در زمینه ی تأیید فرض رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و مشارکت دینی، می توان گفت که این نتیجه منطبق با نظریه اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۹) است. بر طبق نظریه اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۹) نیز افراد طبقه های پایین تر اجتماعی در مقایسه با افراد طبقه های بالاتر جامعه عموماً از تحصیلات کمتر، امنیت و منزلت شغلی کمتر و درآمد پایین تری برخوردارند. به همین جهت، آن ها از یک سو برای کنترل جریان رویدادهای فردی و اجتماعی از منابع کمتری برخوردارند. از سوی دیگر، فرصت های کمتر و آسیب پذیری بیشتری در مقابل ناپایداری های زندگی دارند. در نتیجه، افراد با پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین تر در مقایسه با اقشار مرفه بیشتر به مشارکت دینی رو می آورند. به این دلیل که مشارکت

دینی با نظام معنایی خاص خود پاسخ‌هایی تسکین‌بخش به مشکلات آن‌ها می‌دهد و فشار و رنج‌شان را بر اساس ارزش‌های متعالی تخفیف می‌دهد. اما طبقه‌های بالای جامعه به دلیل دارا بودن منابع گوناگون، توانایی بیشتری برای کنترل سرنوشت‌شان دارند و غالباً در موقعیت اجتماعی قرار دارند که از موفقیت‌های تحصیلی، مشاغل و درآمد بالاتر برخوردارند، به این ترتیب چندان نیازی به توجهات تعالی‌گرایانه دین احساس نمی‌کنند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ زارع، مریم (۱۳۸۷). "دانشگاه، مدرنیته و دینداری". *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی*، سال هشتم، ش ۲۸ (بهار و تابستان): ۱۶۰-۱۳۳.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غیاثوند، احمد (۱۳۸۱). "تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی". *پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی*، دوره سی و پنج، ش ۳۵ (پاییز): ۱۱۷-۱۴۸.
- احمدی، سیروس؛ کارگر، سعید (۱۳۹۲). "بررسی نگرش زنان به مشارکت ورزشی و عوامل اجتماعی- روانی مؤثر بر آن". *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره پنجاه و دو، ش ۴ (زمستان): ۱۸۹-۲۱۰.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). "بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان". *فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، دوره نهم، ش ۱۷ (بهار و تابستان): ۳-۳۱.
- افشانی، علیرضا، و دیگران (۱۳۹۰). "رابطه دینداری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف‌آباد". *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۴۴ (زمستان): ۲۸۴-۲۵۹.
- اعظم آزاده، منصور؛ توکلی، عاصفه (۱۳۸۶). "فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری". *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره سوم، ش ۹ (پاییز): ۱۰۱-۱۲۵.

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: نی.

- اینگلهارت، رونالد؛ نوریس، پیپا (۱۳۸۹). مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان. مترجم مریم وتر. تهران: کویر.

- بودون، ریمون (۱۳۸۵). فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی. ترجمه عبدالحسین نیک گوهر. تهران: امیرکبیر.

- بهار، مهری؛ رحمانی، سحر (۱۳۹۱). "بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید به بعد مناسکی)". فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، ش ۶ (تابستان): ۹-۳۶.

- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم/اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- بیانی، حسنا (۱۳۹۴). "تأثیر مناسک دینی جمعی بر رشد معنویت فرد". [پیوسته]
قابل دسترس در:

[http://razavi.aqr.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Search&CategoryID=be0d82b\[۱۳۹۴/۷/۲۹\]](http://razavi.aqr.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Search&CategoryID=be0d82b[۱۳۹۴/۷/۲۹])

- پاتنام، رابرت (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: جامعه‌شناسان.

- پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۷). "تحلیل جامعه‌شناختی نظام ارزشی دین اسلام". فصلنامه علمی- پژوهشی علوم/اسلامی، سال سوم، ش ۱۲ (پاییز): ۷۴-۵۵.

- توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). "بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان". مجله جامعه‌شناسی/ایران، دوره هفتم، ش ۶ (زمستان): ۹۶-۱۱۸.

- جواهری، فاطمه؛ بالاخانی، قادر (۱۳۸۵). "رسانه جمعی و اعتماد: بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)". مجله علوم اجتماعی/دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال سوم، ش ۷ (بهار و تابستان): ۱-۲۹.

- ربانی، رسول؛ طاهری، زهرا (۱۳۸۷). "تبیین جامعه‌شناختی میزان دینداری و تأثیر

- آن بر سرمایه اجتماعی در بین ساکنان جدید بهارستان اصفهان". *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال پنجم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۹۱-۱۲۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سراج زاده، حسین (۱۳۸۳). *چالش های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه شناختی در دینداری و سکولار شدن*. تهران: طرح نو.
- سراج زاده، حسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶). "مقایسه تجربی سنجه های دینداری: دلالت های روش شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت". *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۴ (زمستان): ۳۷-۷۰.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۲). *روش های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۹). *تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد*. تهران: جامعه شناسان.
- غفاری، غلامرضا؛ نیک بین صداقتی، فاطمه (۱۳۹۱). "مشارکت فرهنگی زنان و رفاه خانواده در بین زنان خانه دار منطقه ۹ شهر تهران". *فصلنامه علمی- ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه*، سال اول، ش ۲ (بهار): ۸۳-۹۴.
- فرجی، مهدی؛ کاظمی، عباس (۱۳۸۸). "بررسی وضعیت دینداری در ایران". *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۶ (تابستان): ۷۹-۹۵.
- فیلد، جان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه احمد رضا اصغریور. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- کازنو، ژان (۱۳۵۶). *جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی*. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: سروش.
- موسوی، طاهر (۱۳۹۱). *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*. تهران: جامعه شناسان.
- موسوی، زهرا؛ موسوی، رفیع؛ حیدری، حسین (۱۳۹۰). "بررسی میزان پای بندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه دانش آموزان شهر زنجان". *مجله تخصصی جامعه شناسی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۴۹-۱۷۳.

- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: تبیان.
- Frerking, K. (1965). "Religious Participation of Lutheran Students". *Journal Review of Religious Research*, Vol. 6, No. 3:153-162.
- Mueller, C.; Johnson, w. (1975). "Socioeconomic Status and Religious Participation". *Journal American Sociological Review*, Vol. 40, No. 6: 785-800.
- Putnam, R. D. (1995). "Bowling Alone: America's declining social capital". *Journal of Democracy*, No. 6: 65-78.
- ----- (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- ----- (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary society* (Edited). Oxford: Oxford university Press.

برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهرستان قاینات بر اساس

تحلیل SWOT^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۳۱

مریم سادات تقی زاده^۲

نظر دهمرده^۳

چکیده

شهرستان قاینات با داشتن پیشینه‌ی تاریخی کهن، موقعیت راهبردی، منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری بوذرجمهر، غارهای تاریخی و زیبا، موقعیت طبیعی و آب و هوای معتدل و داشتن محصولات کشاورزی راهبردی، فرصت‌های متعددی برای جذب گردشگر پیش‌رو دارد. تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف)، عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و تدوین راهبرد گردشگری شهرستان قاینات انجام گرفت. روش تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی-توسعه‌ای می‌باشد. بدین معنی که ابتدا به توصیف ویژگی‌ها و جاذبه‌های گردشگری شهرستان قاینات پرداخته شده است. سپس عوامل داخلی و خارجی توسعه، با کمک روش تحلیل SOWT مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نهایتاً با بهره‌گیری از ماتریس QSPM راهبرد مناسب تشخیص و راهبردهای توسعه‌ی گردشگری برای محدوده مطالعاتی ارائه شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش را می‌توان موقعیت خاص زمانی برداشت زعفران و زرشک با میانگین رتبه‌ای ۲/۳ و امتیاز وزنی ۲۲/۰ به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت، متغیر نامناسب و ناکافی بودن مراکز اقامتی و رفاهی در شهرستان با میانگین رتبه‌ای ۴ و امتیاز وزنی ۲۴/۰ به عنوان مهم‌ترین نقطه ضعف، فرصت طلایی رفع تحریم‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان تحت عنوان "تدوین برنامه استراتژیک بخش گردشگری و میراث فرهنگی شهرستان قاینات" می‌باشد.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان
maryamstaghizadeh@gmail.com

۳. عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان
Nazar@hamoon.usb.ac.ir

و حضور گردشگران خارجی با میانگین رتبه‌ای ۸۳/۲ و امتیاز وزنی ۲۳/۰ به عنوان مهم‌ترین فرصت، متغیر عدم آمادگی در دستگاه‌های اجرایی و مردم جهت استفاده فرصت فرهنگی- اقتصادی حضور گردشگران خارجی با میانگین رتبه‌ای ۲۷/۲ و امتیاز وزنی ۱۶/۰ به عنوان مهمترین تهدید، انتخاب کرد. در انتها نیز مناسب‌ترین راهبرد برای توسعه‌ی گردشگری شهرستان قاینات، راهبرد‌های تهاجمی تشخیص داده شد.

واژگان کلیدی: راهبرد گردشگری، قاین، تحلیل سوات

مقدمه

بی تردید بزرگترین بخش خدمات جهان، گردشگری و جهانگردی است که از آن با نام "صنعت بدون دود" یاد کرده‌اند، اما چه آن را صنعت و چه آن را خدمت و چه آن را به زعم برخی از صاحب‌نظران هنر بنامیم، مقوله‌ای است سرشار از ظرایف و دقایق و نکات ریز و درشت، که دانستن و رعایت آن در عرصه‌ی عمل بسیار ضروری است. کافی است در نظر بیاوریم که در سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از یک و نیم میلیارد نفر در سراسر جهان به گردشگری خواهند پرداخت و حتی در حال حاضر، تعداد گردشگران چیزی بیشتر از یک میلیارد و صد و هشتاد نفر است (UNWTO World Tourism Barometer, 2015) و نیز بدانیم خدمات و محصولات صنعت گردشگری تا چه اندازه متنوع است و چه اثرات شگرفی در اقتصاد و فرهنگ جامعه و نهایتاً توسعه‌ی پایدار می‌تواند داشته باشد. لذا احساس می‌شد که شاید زمان آن است که محقق هم به سهم خود تلاش کند تا با شناسایی قابلیت‌ها و محدودیت‌های گردشگری، راهبردها و راهکارهای مناسب صنعت گردشگری که منجر به توسعه‌ی آن می‌شود، ارائه نماید. بنابراین در این تحقیق نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای بیش روی صنعت گردشگری شهرستان قاینات از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و افراد ذی‌نفع در امر گردشگری با استفاده از روش SWOT مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و راهبردهای مناسب به منظور بهره‌گیری از نقاط قوت و فرصت‌ها و رفع نقاط ضعف و تهدیدها در جهت توسعه‌ی صنعت گردشگری شهرستان ارائه می‌شود تا گامی هر چند کوچک در رفع

محرومیت های این شهرستان برداشته و ارائه نتایج حاصله، برنامه ریزان و متولیان این صنعت را در شهرستان قاینات در جهت تدوین یک برنامه جامع، یاری رساند.

بیان مسأله

گردشگری معادل فارسی واژه ی توریسم^۱ در زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی است که به صورت مصطلح در زبان فارسی به صورت جهانگردی ترجمه شده است، که بیشتر به معنی جهان را گشتن و دیدن است و سفرهای داخلی را در بر نمی گیرد و در عوض از لغت عربی سیاح استفاده می شود که به افرادی اطلاق می گردد که با هدف و منظور مشخصی دست به سفر می زنند، مانند ناصر خسرو و سعدی و این واژه در زبان فارسی تا نیمه قرن بیستم در معنای فوق به کار می رفت، تا آن که واژه جهانگردی جای آن را گرفت. امروزه صنعت گردشگری در دنیا رونق فراوانی پیدا کرده است تا جایی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه و دارای منابع درآمدی کم، توانسته اند از این طریق بسیاری از شاخص های اجتماعی - اقتصادی خود را به میزان بالایی ارتقاء داده و برای مشکلاتی هم چون بیکاری، درآمد سرانه پایین، کمبود درآمدهای ارزی و مسائل فرهنگی چون ذهنیت منفی نسبت به این مناطق و ... راه حل هایی پیدا کنند و بر آنها فائق آیند (کریم پناه، ۱۳۸۴: ۸۱).

گردشگری میراثی است که معمولاً به عناصر زنده و بنا شده ی فرهنگ متکی است و از گذشته ی ملموس و ناملموس به عنوان منبعی برای گردشگری بهره می گیرد که شامل مواردی از قبیل فرهنگ های موجود و شیوه های عامیانه زندگی امروز و سایر عناصر غیرمادی است، مانند موسیقی، رقص، زبان، دین، سبک آشپزی، سنت های هنری و جشنواره ها، بقایای مادی محیط فرهنگی بنا شده از قبیل بناهای یادبود، خانه ها و بناهای عمومی تاریخی، مزرعه ها، قلعه ها، کلیساهای جامع، موزه ها، بقایا و یادگارهای باستان شناختی. اگر چه در گذشته، صنعت میراث به صورت همه جانبه به عرضه ی ماترک بلندپایگان توجه داشته است، ولی اکنون چشم اندازهای روزمره که نمایشی از

زندگی عادی مردم هستند به طور گسترده ای مقبولیت کسب کرده، از قبیل خانواده ها، کشاورزان، کارگران کارخانه، معدنچی ها، ماهیگیران، زنان و بچه ها (تیموئی و نیاوپان، ۱۳۹۲: ۱۲).

شهرستان قاینات با داشتن منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر، قلعه کوه، غار خونیک و ... دارای قابلیت های زیادی برای جذب گردشگر است که متأسفانه شواهد حاکی از عدم رونق صنعت گردشگری در این شهرستان است. خصوصاً برنامه های موجود توفیقی در جذب گردشگران علاقه مند به طبیعت و طبیعت گردی نداشته اند. با توجه به قابلیت های اقلیمی این شهرستان و این که تاکنون تحقیقی در خصوص تحلیل راهبرد بخش گردشگری و میراث فرهنگی شهرستان قاینات انجام نشده است، انجام این کار لازم به نظر می رسد.

لذا برای کاهش اثرات منفی گردشگری شهرستان و بهره گیری از منافع آن، باید اقدام به تدوین راهبرد نمود. بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت های توسعه ی گردشگری و میراث فرهنگی در شهرستان قاینات کدامند و چه راهبردهایی برای توسعه ی صنعت گردشگری در این شهرستان مناسب ترند؟

اهداف

اهداف این تحقیق عبارتند از: شناسایی وضعیت موجود بخش گردشگری شهرستان، شناسایی جایگاه بخش گردشگری و میراث فرهنگی در توسعه شهرستان قاینات، تبیین چشم انداز و اهداف بلندمدت بخش گردشگری، تبیین نقاط قوت و ضعف توسعه ی بخش گردشگری، تبیین فرصت ها، تبیین راهبردها و تبیین راهبردهای اولویت دار توسعه بخش گردشگری و میراث فرهنگی شهرستان قاینات.

پیشینه تحقیق

هادبانی، احدنژاد و کاظمی زاده (۱۳۹۰) در مقاله ی خود تحت عنوان "برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری بر اساس تحلیل SWOT (مطالعه موردی: شهر شیراز)"،

بیان کرده است که شهر شیراز یکی از مراکز جذب گردشگر در سطح ملی و بین المللی در کشور ایران است. این شهر به دلیل نزدیکی به تخت جمشید، هر ساله میزبان تعداد زیادی از گردشگران داخلی و خارجی است. علاوه بر این، شیراز دارای آب و هوای مناسب و قابلیت های طبیعی با ارزشی است، لیکن تاکنون این شهر نتوانسته به جایگاه واقعی خود در عرصه جذب گردشگران دست یابد.

اسماعیل زاده و اسماعیل زاده (۱۳۹۴)، در تحقیق خود با عنوان "انتخاب استراتژی بهینه توسعه گردشگری با استفاده از مدل راهبردی SWOT (مطالعه موردی: شهر مراغه)"، به این مورد اشاره دارد که شهر مراغه یکی از بسترهایی است که از توان و ظرفیت بالایی برای توسعه گردشگری برخوردار است، اما در اثر عدم برنامه ریزی های مطلوب یا سودجویی های اقتصادی، محدوده های سکونت گاهی و اکوسیستم پیرامون آن همواره با توسعه ساخت و ساز یا استفاده های نادرست تفریحی- فراغتی و تخریب پوشش گیاهی مورد تهدید قرار گرفته و تداوم روند کنونی، چه بسا خسارت های جبران ناپذیری را بر طبیعت و آثار تاریخی- فرهنگی منطقه وارد خواهد کرد و در این تحقیق، تلاش کرده با تحلیل ارکان چهارگانه راهبرد SWOT (نقاط ضعف و قوت، تهدیدها و فرصت ها)، مناسب ترین راهبرد در توسعه گردشگری شهر و پیرامون آن، شناسایی کند و توصیه هایی جهت توسعه آن ارائه دهد تا از این طریق، نه تنها توسعه گردشگری در بسترهای طبیعی و اجتماعات محلی رخ دهد، بلکه از تهدیدهای وارد بر منطقه نیز جلوگیری به عمل آید.

هالا (Halla, 2007) از تجزیه و تحلیل SWOT برای طرح مدیریت شهری برای شهر دارالسلام تانزانیا استفاده کرد. مشاهدات توأم با مشارکت و بررسی های مستند طبق داده های قابل دسترسی انجام شده و از مهم ترین موضوعاتی که در این طرح مد نظر قرار گرفته جمع آوری، انتقال و دفع پسماندهای شهری به صورت سازگار با محیط زیست بود که نتایج آن نشان داد طرح مدیریت شهری، قوی تر از یک برنامه معمولی و عادی عمل می کند و طرح جامع مدیریت شهری، عمومی تر و طرح مدیریت شهر دارالسلام، تخصصی تر است. عوامل مهم در اثبات و اجرای طرح، مشارکت شهروندان در

طرح، هماهنگی گروه‌هایی که با هم همکاری می‌کنند و فراهم کردن تجهیزات فنی و منابع مناسب برای گروه‌هاست.

روش تحقیق

روش تحقیق مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی- توسعه‌ای است. بدین معنی که ابتدا به توصیف ویژگی‌ها و جاذبه‌های گردشگری شهرستان پرداخته شده است، سپس عوامل داخلی و خارجی توسعه، با کمک روش تحلیل و با استفاده از مدل راهبردی گردشگری این شهرستان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نهایتاً با بهره‌گیری از روش توسعه‌ای، راهبردهای توسعه‌ی گردشگری برای محدوده مطالعاتی ارائه شده است. با توجه به در دست نبودن آمار ثبت شده‌ای از گردشگران، آمارگیری از ۱۵ اسفند تا ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵ در دو روز از هفته (دوشنبه و جمعه) که به ترتیب برابر با ۸۰۰ و ۱۳۰۰ نفر بوده و میانگین آن معادل ۲۱۰۰ نفر، برآورد گردید. سپس با استفاده از فرمول کوکران به نمونه‌گیری از تعداد گردشگران اقدام گردیده که معادل ۳۲۵ نفر محاسبه شد و به پرسش‌گری از آن‌ها پرداخته شد.

در این تحقیق با کمک فرمول کوکران، از ساکنین شهر قاین نیز نمونه‌گیری به عمل آمد تا نظر اجتماعات محلی نیز در توسعه‌ی گردشگری و افزایش حساسیت‌های زیست‌محیطی دخیل شود. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان قاینات ۱۱۱/۳۴۲ نفر بوده است که نمونه‌گیری حاصل از فرمول کوکران (با خطای ۵٪)، نشان داد از ۳۸۲ نفر از مردم باید پرسش‌گری به عمل آید. هم‌چنین از ۳۵ نفر از مسؤولین و کارکنان ادارات مرتبط با توسعه گردشگری شهرستان و از پنج نفر از متخصصین گردشگری نیز مصاحبه به عمل آمد. در ادامه با توجه به دیدگاه‌های کارشناسی و نظرات مصاحبه‌شوندگان، با تکنیک دلفی به وزن‌دهی تک تک عوامل پرداخته شد.

معرفی روش

در تجزیه و تحلیل سوات فرصت ها و تهدیدات محیطی و نقاط قوت و ضعف در دو بعد جداگانه قرار داده می شوند و از ترکیب آنها مطابق جدول ۱ راهبردهای مبتنی بر هر وضعیت شناسایی و ارائه می شوند. مثلاً، چندین نقطه قوت همراه با چند فرصت می تواند راهبرد را مشخص نماید تا از فرصت ها و نقاط قوت حداکثر استفاده نماید (علی احمدی، ۱۳۸۸: ۲۳۱) که در مرحله بعد می توان این راهبردها را اولویت بندی و مناسب ترین را انتخاب و اجرا کرد.

جدول ۱) ماتریس SWOT (علی احمدی، ۱۳۸۲: ۲۳۱)

OT SW	فرصت O	تهدید T
قوت S	راهبرد مبتنی بر OS	راهبرد مبتنی بر TS
ضعف W	راهبرد مبتنی بر OW	راهبرد مبتنی بر TW

نقاط قوت: نقطه قوت یک نظام، یک کاربرد موفق از یک شایستگی یا بهره برداری از یک عامل کلیدی در جهت توسعه رقابت پذیری می باشد.

نقاط ضعف: نقطه ضعف یک نظام، یک کاربرد ناموفق از یک شایستگی یا عدم بهره برداری از یک عامل کلیدی که رقابت پذیری را کاهش می دهد.

فرصت: یک فرصت و یک حالت خارجی است که می تواند به صورت مثبت بر پارامترهای عملکردی تأثیر گذاشته و مزیت رقابتی که ایجاد کننده اقدامات مثبت در زمان مناسب است را بهبود دهد.

تهدید: یک حالت خارجی است که می تواند به صورت منفی بر پارامترهای عملکردی تأثیر گذاشته و مزیت رقابتی که ایجاد کننده اقدامات مثبت در زمان مناسب است را کاهش دهد (صائمیان و ارغنده، ۱۳۸۶: ۲۴).

اطلاعات به دست آمده از تحلیل می تواند به شکل نظام مندی در درون یک ماتریس نمایش داده شود. ترکیبات مختلف چهار عامل ماتریس می تواند به تعیین چهار نوع

- راهبرد برای پیشرفت بلندمدت سازمان کمک کند (خورشید و رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۱) و می توان با استفاده از آن چهار نوع راهبرد، SO, ST, WO WT را ارائه نمود:
- الف) راهبردهای SO (راهبردهای تهاجمی): سازمان می تواند از طریق این نوع راهبردها با استفاده حداکثری از قوت های خود بر روی فرصت های محیطی جدید، سرمایه گذاری کند.
- ب) راهبردهای WO (راهبردهای محافظه کار): سازمان می تواند از طریق این نوع راهبردها با استفاده حداکثری از فرصت های محیطی جدید، بر ضعف های خود چیره گردد.
- ج) راهبردهای ST (راهبردهای رقابتی): سازمان از طریق این نوع راهبردها با استفاده حداکثری از قوت های خود کوشش می کند تهدیدهای محیطی را به حداقل برساند، یا حذف کند.
- د) راهبردهای WT (راهبردهای تدافعی): سازمان از طریق این راهبردها برای به حداقل رساندن ضعف های خود از یک سو و اجتناب از تهدیدهای محیطی از سوی دیگر، کوشش می کند (همانجا).

ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی^۱ (QSPM)

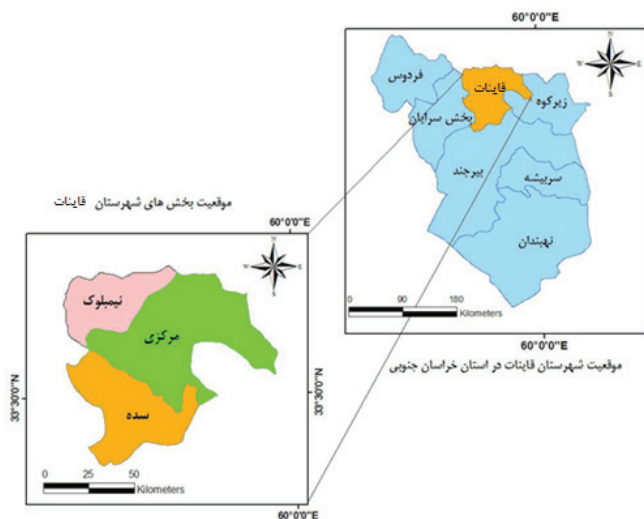
در مرحله تصمیم گیری برای تدوین راهبردها از ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) به عنوان یک چارچوب تحلیلی استفاده می شود. با استفاده از این روش می توان به صورت عینی راهبردهای گوناگونی را که در زمره بهترین راهبردها هستند مشخص نمود. ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی یکی از ابزارها یا روش هایی است که به استراتژیست ها این امکان را می دهد که با توجه به عوامل موفقیت آمیز داخلی و خارجی شرکت که پیش از این شناسایی شده اند، به صورتی عینی انواع راهبردهای امکان پذیر را مورد ارزیابی قرار دهند. همانند سایر روش های تحلیلی که برای تدوین راهبرد به کار می روند، به هنگام کاربرد ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی باید از

قضاوت های شهودی خوب استفاده کرد (دیوید، ۱۳۸۴: ۳۸۵-۳۸۶).

معرفی منطقه

شهرستان قائنات در شمال استان خراسان جنوبی قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان های خواف و گناباد از استان خراسان رضوی، از غرب به شهرستان سرایان و از جنوب به شهرستان بیرجند و از جانب شرق، به شهرستان زیرکوه محدود شده است (پرتال فرمانداری شهرستان قاینات، ۱۳۹۴).

مساحت این شهرستان بالغ بر ۷۵۰۲ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۱۱۳۴۲ نفر می باشد و براساس آخرین تقسیمات کشوری، مشتمل بر سه بخش مرکزی، نیمبلوک و سده می باشد.



نقشه ۱) موقعیت شهرستان قاینات

یافته های تحقیق

برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و داخلی، باید پنج مرحله به این شرح طی کرد:

- ۱- پس از بررسی عوامل خارجی یا داخلی، عوامل شناخته شده را فهرست نمائید.
 - ۲- به این عوامل وزن یا ضریب بدهید. این ضریب ها از صفر (بی اهمیت) تا ۱ (بسیار مهم) می باشند. ضریب نشان دهنده اهمیت نسبی یک عامل (از نظر موفق بودن سازمان در صنعت مربوطه) می باشد.
 - ۳- به هر یک از عواملی که موجب موفقیت می شود رتبه ۱ تا ۴ بدهید و این عدد بیانگر میزان اثربخشی راهبردهای کنونی شرکت در نشان دادن واکنش به عامل مزبور می باشد. عدد ۴ به این معنی است که واکنش بسیار عالی بوده است، عدد ۳ یعنی واکنش از حد متوسط بالاتر و عدد ۲ یعنی واکنش در حد متوسط و عدد ۱ بدین معنی است که واکنش ضعیف می باشد.
 - ۴- ضریب هر عامل را در رتبه مربوطه ضرب نمائید تا نمره نهایی به دست آید.
 - ۵- مجموع نمره های متعلق به هر یک از متغیرها را به دست آورید، تا بتوان مجموع نمره های سازمان را تعیین کرد.
- در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی یا داخلی، صرف نظر از تعداد عواملی که موجب فرصت و تهدید یا ضعف و قوت شرکت می شوند هیچ گاه مجموع نمره های نهایی برای سازمان به بیش از ۴ و هیچ گاه این جمع به کمتر از یک نمی رسد. میانگین این جمع ۲/۵ می شود. اگر این عدد به ۴ برسد بدین معنی است که سازمان در برابر عواملی که موجب تهدید و فرصت یا ضعف و قوت می شوند به صورتی بسیار عالی واکنش نشان می دهد (دیوید، ۱۳۸۴: ۲۶۵-۲۶۶).

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

جدول ۲) ماتریس ارزیابی عوامل خارجی گردشگری شهرستان قاینات

ردیف	عوامل خارجی	وزن نسبی	مردم بومی			مسئولان			گردشگران	
			رتبه	امتیاز وزنی	میانگین رتبه ای	رتبه	امتیاز وزنی	میانگین رتبه ای	رتبه	امتیاز وزنی
۱ تا ۱۱	۱. توجه بیشتر دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در صنعت گردشگری به عنوان صنعت پاک	۰/۰۷	۲/۸۰	۰/۲۰	۳/۰۰	۳/۳۰	۰/۲۳	۰۰/۲	۰۰/۱۴	۴/۰۰
	۲. قرار گرفتن در مسیر قطب گردشگری بین المللی، مشهد مقدس(خراسان رضوی)	۰/۰۶	۲/۶۰	۰/۱۶	۴/۰۰	۲/۵۰	۰/۱۵	۴/۰۰	۳/۱۰	۰/۱۹
	۳. برخورداری از جاذبه های تاریخی و آثار متعدد و متنوع مورد توجه گردشگران	۰/۰۴	۲/۷۰	۰/۱۱	۶/۰۰	۲/۶۰	۰/۱۰	۱۰/۰۰	۲/۶۰	۰/۱۰
	۴. علاقه مندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مناطق گردشگری.	۰/۰۷	۳/۰۰	۰/۲۱	۲/۰۰	۳/۱۰	۰/۲۲	۳/۰۰	۲/۲۰	۰/۱۵
	۵. تقویت ارائه ی تسهیلات در کنار مراکز گردشگری	۰/۰۵	۲/۶۰	۰/۱۳	۹/۰۰	۲/۵۳	۰/۱۳	۵/۰۰	۲/۳۰	۰/۱۲
	۶. تمایل به گردشگری و بازدید از مناطق بکر در بین اقشار مردم	۰/۰۶	۳/۲۰	۰/۱۹	۵/۰۰	۲/۹۰	۰/۱۷	۷/۰۰	۲/۷۰	۰/۱۶
	۷. تمایل و انگیزه ی میراث فرهنگی شهرستان به درآمدزایی و اشتغال جوانان از راه گردشگری و بالا بردن آمار بازدید کننده از این شهرستان	۰/۰۴	۳/۴۰	۰/۱۴	۸/۰۰	۳/۳۰	۰/۱۳	۸/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۴
	۸. حمایت همه جانبه ی مسئولان شهرستان از افزایش گردشگران داخلی و خارجی	۰/۰۵	۱/۰۰	۰/۰۵	۱۰/۰۰	۳/۳۰	۰/۱۷	۶/۰۰	۱/۲۰	۰/۰۶
	۹. وجود فرصت مناسب برای شکوفایی نظرات نیروهای متخصص و باتجربه	۰/۰۴	۲/۶۰	۰/۱۰	۷/۰۰	۳/۰۰	۰/۱۲	۹/۰۰	۱/۴۰	۰/۰۶
	۱۰. برخورداری از دفاتر و آژانس های مسافرتی	۰/۰۳	۱/۷۰	۰/۰۵	۱۱/۰۰	۱/۵۱	۰/۰۵	۱۱/۰۰	۱/۶۰	۰/۰۵
	۱۱. فرصت طلایی رفع تحریم ها و حضور گردشگران خارجی	۰/۰۸	۳/۰۰	۰/۲۴	۱/۰۰	۳/۳۰	۰/۲۶	۱/۰۰	۲/۲۰	۰/۱۸

۲/۰۰	۰/۱۵	۲/۱۰	۱/۰۰	۰/۱۸	۲/۵۰	۲/۰۰	۰/۱۵	۱/۲۰	۰/۰۷	۱- نبود تقاضای گردشگری خارجی جهت بازدید از شهرستان	ک م ی ا ر ن ی
۳/۰۰	۰/۱۴	۲/۸۰	۵/۰۰	۰/۱۶	۳/۲۰	۳/۰۰	۰/۱۳	۲/۶۰	۰/۰۵	۲- تصویر ذهنی نامناسب در ارتباط با شهرستان که اصلاح نمودن این دیدگاه نیاز به برنامه ریزی مدون، اراده، اجرا و باور دست اندرکاران دارد.	
۸/۰۰	۰/۰۹	۲/۹۰	۷/۰۰	۰/۱۰	۳/۲۰	۸/۰۰	۰/۰۹	۳/۱۰	۰/۰۳	۳- انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر مناطق تفریحی هم جوار (همانند استان های خراسان رضوی، یزد و ...)	
۱/۰۰	۰/۱۹	۳/۱۰	۳/۰۰	۰/۱۶	۲/۶۰	۶/۰۰	۰/۱۳	۲/۱۰	۰/۰۶	۴- افزایش امکانات و خدمات در مناطق تفریحی و گردشگری استان های مجاور	
۵/۰۰	۰/۰۹	۱/۵۰	۲/۰۰	۰/۰۹	۱/۵۰	۱/۰۰	۰/۲۲	۳/۷۰	۰/۰۶	۵- عدم شفافیت قوانین و در کنار آن کمبود قوانین اثرگذار مرتبط با صنعت گردشگری ایران	
۴/۰۰	۰/۱۵	۲/۹۰	۶/۰۰	۰/۰۸	۱/۶۰	۴/۰۰	۰/۱۵	۳/۰۱	۰/۰۵	۶- شتاب گسترده ی رقبا برای تصاحب بازار گردشگری طبیعی و فصلی در استان	
۷/۰۰	۰/۰۹	۲/۳۰	۸/۰۰	۰/۰۶	۱/۵۰	۷/۰۰	۰/۱۱	۲/۷۰	۰/۰۴	۷- ازدیاد تخلفات اجتماعی یا ورود گردشگران	
۶/۰۰	۰/۰۹	۱/۷۰	۴/۰۰	۰/۱۷	۳/۳۰	۵/۰۰	۰/۱۵	۳/۰۲	۰/۰۵	۸- ایجاد آلودگی زیست محیطی و تخریب و صدمه زدن به ابنیه ی تاریخی	
	۲/۲۱			۲/۷۱			۲/۷۱		۱/۰۰	جمع	

منبع: نگارندگان

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود مجموع امتیاز عوامل خارجی برابر ۵۴/۲ شده است. این عدد بیانگر آن است که گردشگری شهرستان قاینات به طور متوسط توانسته است در تدوین راهبردهای خود از عواملی که فرصت یا موقعیت ایجاد می کنند بهره برداری کرده و از عواملی که موجب تهدید می گردند، احتراز نماید.

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

همانند ماتریس ارزیابی عوامل خارجی، برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی نیز پس از جمع آوری نقاط قوت و ضعف، با استفاده از یک پرسش نامه ی دیگر، از اعضای پاسخ دهنده خواسته شد که برای هر یک از عوامل مزبور ضریب و نمره ای را طبق توضیحات ارائه شده، تعیین نمایند.

جدول ۳) ماتریس ارزیابی عوامل داخلی گردشگری شهرستان قاینات

گردشگران			مسؤولان			مردم بومی			وزن نسبی	عوامل داخلی	
رتبه	امتیاز وزنی	میانگین رتبه ای	رتبه	امتیاز وزنی	میانگین رتبه ای	رتبه	امتیاز وزنی	میانگین رتبه ای			
۰۰/۱	۱۹/۰	۲۰/۳	۰۰/۲	۲۲/۰	۷۰/۳	۰۰/۲	۲۲/۰	۷۰/۳	۰۶/۰	۱. جاذبه های تاریخی و منحصر به فرد مانند غار لکی، غار فارس و پل سنگی، قلعه کوه، آرامگاه بوذرجمهر، آرامگاه ابوالمفاخر، ...	عوامل داخلی
۰۰/۴	۱۵/۰	۹۰/۲	۰۰/۵	۱۸/۰	۶۰/۳	۰۰/۵	۱۸/۰	۵۰/۳	۰۵/۰	۲. جاذبه های طبیعی (درختان کهنسال، دشت ها، بلندترین ارتفاعات استان، وحوش منطقه و پوشش گیاهی خاص نیمه بیابانی)	
۰۰/۲	۱۹/۰	۱۰/۳	۰۰/۳	۲۱/۰	۵۰/۳	۰۰/۳	۲۰/۰	۳۰/۳	۰۶/۰	۳. جاذبه های مذهبی (زیارتی) مانند مسجد جامع قاین، مسجد جامع خضری، امام زاده زید بن موسی و ...	
۰۰/۵	۱۳/۰	۱۰/۲	۰۰/۴	۱۹/۰	۱۰/۳	۰۰/۴	۱۹/۰	۲۰/۳	۰۶/۰	۴. جاذبه های صنایع دستی شامل سفره آردی (دارای نشان ملی) و ...	
۰۰/۹	۰۵/۰	۹۰/۰	۰۰/۸	۱۵/۰	۰۰/۳	۰۰/۱۰	۰۷/۰	۳۰/۱	۰۵/۰	۵. عشایر و فرهنگ غنی آنان	
۰۰/۳	۲۰/۰	۸۰/۲	۰۰/۱	۲۳/۰	۳۰/۳	۰۰/۱	۲۵/۰	۵۰/۳	۰۷/۰	۶. موقعیت خاص زمانی مانند زمان برداشت زعفران و زرشک	
۰۰/۶	۱۴/۰	۸۰/۲	۰۰/۶	۱۷/۰	۳۰/۳	۰۰/۶	۰۶/۰	۱۰/۱	۰۵/۰	۷. نگرش مثبت مسؤولان به گردشگری	
۰۰/۱۰	۰۵/۰	۲۰/۱	۰۰/۱۰	۱۲/۰	۰۰/۳	۰۰/۸	۰۵/۰	۲۰/۱	۰۴/۰	۸. آداب و رسوم بومی محلی	
۰۰/۸	۰۶/۰	۴۰/۱	۰۰/۹	۱۳/۰	۳۰/۳	۰۰/۷	۰۹/۰	۳۰/۲	۰۴/۰	۹. فرهنگ و سنن رقص و موسیقی محلی	
۰۰/۷	۱۱/۰	۲۰/۲	۰۰/۷	۱۶/۰	۲۰/۳	۰۰/۹	۰۸/۰	۶۰/۱	۰۵/۰	۱۰. موقعیت برتر مواصلاتی شهرستان در مسیر شمال - جنوب جاده آسیایی	

۰۰/۱	۲۴/۰	۰۰/۴	۰۰/۳	۲۳/۰	۸۰/۳	۰۰/۲	۲۵/۰	۲۰/۴	۰۶/۰	۱. نامناسب و ناکافی بودن مراکز اقامتی و رفاهی در شهرستان
۰۰/۳	۲۱/۰	۰۰/۳	۰۰/۱	۲۵/۰	۶۰/۳	۰۰/۳	۲۳/۰	۳۰/۳	۰۷/۰	۲. فقدان زیرساخت های حیاتی برای ورود و نگه داشتن گردشگر در شهرستان
۰۰/۸	۰۸/۰	۰۲/۲	۰۰/۸	۱۱/۰	۸۰/۲	۰۰/۸	۰۸/۰	۹۰/۱	۰۴/۰	۳. کیفیت متوسط ناوگان حمل و نقل مسافربری شهرستان
۰۰/۶	۱۶/۰	۲۰/۳	۰۰/۶	۱۷/۰	۳۰/۳	۰۰/۶	۱۸/۰	۵۰/۳	۰۵/۰	۴. نامناسب بودن راه های دسترسی به جاذبه های گردشگری و بویژه جاذبه های طبیعی و بکر
۰۰/۵	۱۹/۰	۱۰/۳	۰۰/۴	۲۰/۰	۴۰/۳	۰۰/۴	۲۲/۰	۶۰/۳	۰۶/۰	۵. فقدان علایم و تابلوهای معرفی و راهنمایی مسافران به طرف جاذبه های گردشگری
۰۰/۷	۱۲/۰	۱۰/۳	۰۰/۷	۱۶/۰	۹۰/۳	۰۰/۷	۱۲/۰	۹۰/۲	۰۴/۰	۶. عدم آشنایی مردم و عدم آموزش و آمادگی آنها در خصوص نحوه برخورد با گردشگران
۰۰/۴	۲۰/۰	۳۰/۳	۰۰/۵	۱۸/۰	۰۰/۳	۰۰/۵	۲۰/۰	۳۰/۳	۰۶/۰	۷. ظرفیت پایین مدیریتی در بخش گردشگری شهرستان
۰۰/۲	۲۲/۰	۲۰/۳	۰۰/۲	۲۴/۰	۴۰/۳	۰۰/۱	۲۷/۰	۸۰/۳	۰۷/۰	۸. اطلاع رسانی بسیار ضعیف از قابلیت ها و جاذبه های تاریخی و طبیعی و گردشگری برای جذب گردشگر و تبلیغات ناچیز جهت جذب و پذیرش گردشگران
۰۰/۹	۰۷/۰	۵۰/۳	۰۰/۹	۰۳/۰	۳۰/۱	۰۰/۹	۰۴/۰	۸۰/۱	۰۲/۰	۹. کمبود و ضعف در اقامتگاه های بین راهی محورهای منتهی به شهرستان
	۷۴/۲			۳۲/۳			۹۴/۲		۰۰/۱	جمع

منبع: نگارندگان

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود جمع نمره نهایی عوامل داخلی برابر ۳ شده است. این عدد نشان دهنده این است که عملکرد گردشگری شهرستان قاینات از نظر استفاده از نقاط قوت و پوشش نقاط ضعف خود، در حد متوسط و رو به پیشرفت بوده است.

ماتریس نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدات

ماتریس SWOT یکی از ابزارهای مهمی است که مدیران بدان وسیله اطلاعات را مقایسه می کنند و می توانند با استفاده از آن، چهار نوع راهبرد ارائه نمایند. راهبردهای SO، راهبردهای WO، راهبردهای ST و راهبردهای WT. پس از تهیه ماتریس های ارزیابی عوامل خارجی و داخلی که در بخش قبلی صورت گرفت، ماتریس نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدات (SWOT) به منظور ارائه راهبردهای مناسب تدوین شده است.

جدول (۴) ماتریس نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدات (SWOT)

نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)	ماتریس SWOT
۱. جاذبه های تاریخی و منحصر به فرد مانند غار لکی، غار فارس و پل سنگی، قلعه کوه، آرامگاه بوذرجمهر، آرامگاه ابوالمفاخر، ...	۱. نامناسب و ناکافی بودن مراکز اقامتی و رفاهی در شهرستان	
۲. جاذبه های طبیعی (درختان کهنسال، دشت ها، بلندترین ارتفاعات استان، وحوش منطقه و پوشش گیاهی خاص نیمه بیابانی)	۲. فقدان زیرساخت های حیاتی برای ورود و نگاه داشتن گردشگر در شهرستان	
۳. جاذبه های مذهبی (زیارتی) مانند مسجد جامع قاین، مسجد جامع خضری، امامزاده زید بن موسی و ...	۳. ظرفیت پایین مدیریتی در شهرستان	
۴. جاذبه های صنایع دستی شامل سفره آردی (دارای نشان ملی) و ...	۴. اطلاع رسانی بسیار ضعیف از قابلیت ها و جاذبه های تاریخی و طبیعی و گردشگری برای جذب گردشگر و تبلیغات ناچیز جهت جذب و پذیرش گردشگران	
۵. برداشت زعفران و زرشک	۵. فقدان نیروهای متخصص و علائم و تابلوهای معرفی و راهنمایی مسافران به طرف جاذبه های گردشگری	

فرصت ها (O)	راهبردهای SO	راهبردهای WO
۱. علاقه مندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مناطق گردشگری ۲. توجه بیشتر دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در صنعت گردشگری به عنوان صنعت پاک ۳. فرصت طلایی رفع تحریم ها و حضور گردشگران خارجی ۴. برخورداری از جاذبه های تاریخی و آثار متعدد و متنوع مورد توجه گردشگران ۵. وجود فرصت مناسب برای شکوفایی نظرات نیروهای متخصص و باتجربه	۱. گسترش جذب سرمایه و کسب درآمد از جاذبه های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی شهر و پیرامون آن با افزایش سرمایه گذاری در گردشگری (SO_1) ۲. استفاده از مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در توسعه اشتغال و فعالیت های گردشگری (SO_2) ۳. تدوین برنامه ای جهت جذب گردشگر در فصل برداشت زرشک و زعفران (SO_3) ۴. ایجاد بازارچه های صنایع دستی در مناطق گردشگری (SO_4) ۵. شناسایی و استفاده از تجربیات و نظرات متخصصین و یادگیری از سایر الگوهای گردشگری پیاده شده ی موفق (SO_5)	۱. بسترسازی مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در جاذبه های گردشگری (WO_1) ۲. تلاش برای توسعه ی کیفی و کمی زیرساخت های مناطق گردشگری (WO_2) ۳. افزایش استفاده از نیروهای متخصص در جهت شناخت مناطق و جذب و اطلاع رسانی عمومی و آموزش برای جذب گردشگر خارجی (WO_3) ۴. گسترش تبلیغات و اطلاع رسانی از قابلیت های منطقه برای جذب گردشگر (WO_4) ۵. شناسایی نیازهای آموزشی بخش گردشگری جهت ارائه دوره های آموزشی کوتاه مدت و بلندمدت برای مدیران و کارکنان این بخش ها (WO_5)
تهدیدات (T)	راهبردهای ST	راهبردهای WT
۱. عدم شفافیت قوانین و در کنار آن کمبود قوانین اثرگذار مرتبط با صنعت گردشگری ایران ۲. تصویر ذهنی نامناسب در ارتباط با شهرستان ۳. عدم آمادگی در دستگاه های اجرایی و مردم جهت استفاده فرصت فرهنگی- اقتصادی حضور گردشگران خارجی ۴. انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر مناطق تفریحی هم جوار (همانند استان های خراسان رضوی، یزد و ...) ۵. ایجاد آلودگی زیست محیطی و تخریب و صدمه زدن به ابنیه ی تاریخی	۱. گسترش آموزش کافی نیروهای درگیر با کار گردشگری و همین طور بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در مناطق گردشگری (ST_1) ۲. حفظ سهم بازار موجود از گردشگری و تلاش در جهت برپایی جشنواره ها و نمایشگاه های صنایع دستی و محصولات کشاورزی (ST_2) ۳. ایجاد گروه های تخصصی برای آموزش حفاظت محیط زیست و دوستداران طبیعت (ST_3) ۴. افزایش رسیدگی به مناطق گردشگری و توسعه و تبلیغات برای آنها (ST_4) ۵. رفع قوانین دست و پاگیر در زمینه ی سرمایه گذاری در مناطق گردشگری (ST_5)	۱. توسعه تبلیغات و اطلاع رسانی از طریق ایجاد سایت گردشگری، برنامه های تبلیغاتی در داخل و خارج و... (WT_1) ۲. ایجاد گروه های تخصصی مشاوره و برگزاری دوره ها و ارتقاء دانش مدیران دست اندرکار امر گردشگری منطقه (WT_2)

ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM)

برای ارائه یک ماتریس ارزیابی راهبردی کمی باید شش مرحله به شرح زیر طی کرد:

مرحله اول: فرصت ها و تهدیدات عمده خارجی، نقاط قوت و ضعف داخلی را در

ستون طرف راست ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی بنویسید. این اطلاعات را باید

به صورت مستقیم از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی به دست آورد.

مرحله دوم: به هر یک از عوامل داخلی و خارجی که در موفقیت سازمان نقش دارند، وزن یا ضریب بدهید. این ضریب‌ها درست همانند ضریب‌های ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و ماتریس ارزیابی عوامل داخلی هستند.

مرحله سوم: ماتریس‌های مرحله دو را مقایسه نمائید و راهبردهایی را که سازمان باید به اجرا درآورد (یا آنها را مورد توجه قرار دهد) مشخص نمائید. این راهبردها را در ردیف بالای ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی بنویسید. این راهبردها باید در صورت امکان، ناسازگار یا جمع نشدنی باشند.

مرحله چهارم: نمره‌های جذابیت را مشخص نمائید، آنها مقدار عددی هستند که جذابیت هر راهبرد را در یک مجموعه از راهبردها نشان می‌دهند. برای تعیین نمره جذابیت باید عوامل داخلی و خارجی را که در موفقیت شرکت نقش عمده دارند، بررسی نمود و سپس در مورد هر یک از آنها این پرسش را مطرح نمود: "آیا این عامل در فرایند انتخاب یا گزینش راهبردها نقشی عمده دارد؟" اگر پاسخ به این پرسش "آری" باشد، آنگاه باید با توجه به این عامل کلیدی راهبردها را با هم مقایسه کرد. بویژه باید "نمره‌های جذابیت" را برای هر یک از راهبردها مشخص کرد به گونه‌ای که اهمیت نسبی یک راهبرد نسبت به سایر راهبردها مشخص گردد. نمره جذابیت به این شکل است: ۱- بدون جذابیت؛ ۲- تا حدی جذاب؛ ۳- دارای جذابیت معقول و ۴- بسیار جذاب. اگر پاسخ به پرسش "نه" است، بیانگر این می‌باشد که در فرایند انتخاب راهبردها این عامل هیچ نقش مهمی (از نظر موفقیت راهبرد) ندارد که در آن صورت، نباید به این عامل نمره جذابیت داده شود.

مرحله پنجم: جمع نمره‌های جذابیت را حساب کنید. مقصود از جمع نمره‌های جذابیت، حاصل ضرب ضریب در نمره‌های جذابیت است. جمع نمره‌های جذابیت نشان دهنده جذابیت نسبی هر یک از راهبردهاست که تنها با توجه به اثر عوامل داخلی و خارجی مربوطه به دست می‌آید. هر قدر "جمع نمره‌های جذابیت" بیشتر باشد،

راهبردهای مورد بحث دارای جذابیت بیشتری خواهد بود.

مرحله ششم: مجموع نمره های جذابیت را حساب کنید. مجموع نمره های جذابیت هر یک از ستون های ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی را به دست آورید. مجموع نمره های جذابیت نشان می دهد که در هر مجموعه کدام راهبرد از بیشترین جذابیت برخوردار است. نمره های بالا بیانگر جذابیت بیشتر راهبرد هاست. البته با توجه به همه عوامل داخلی و خارجی که می توانند بر تصمیمات راهبرد اثر بگذارند، تفاوت فاحش بین مجموع نمره های جذابیت در هر مجموعه از راهبردها، بیانگر مطلوبیت یک راهبرد، نسبت به راهبردی دیگر است.

برای تدوین ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی، ابتدا راهبردهای ارائه شده برای گردشگری شهرستان قاینات در چهار مجموعه شامل راهبردهای تهاجمی، راهبردهای رقابتی، راهبردهای تدافعی و راهبردهای محافظه کارانه طبقه بندی شدند. سپس این مجموعه راهبردها، در قالب ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی با هم مقایسه و ارزیابی شدند. در ادامه، این چهار مجموعه راهبردها و ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی برای گردشگری شهرستان قاینات آورده شده است.

جدول ۵) ماتریس برنامه ریزی کمی

راهبردهای قابل اجرا								۹ ۳	ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM)
تدافعی		رقابتی		محافظه کارانه		تهاجمی			
جمع نمره های جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره های جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره های جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره های جذابیت	نمره جذابیت		
									فرصت ها
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۱. علاقه مندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مناطق گردشگری
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۲. توجه بیشتر دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در صنعت گردشگری به عنوان صنعت پاک

۲۲/۰	۲	۱۱/۰	۱	۲۲/۰	۲	۲۲/۰	۲	۱۱/۰	۳. فرصت طلایی رفع تحریم ها و حضور گردشگران خارجی
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱/۰	۴. برخورداری از جاذبه های تاریخی و آثار متعدد و متنوع مورد توجه گردشگران
۰۹/۰	۱	۰۹/۰	۱	۰۹/۰	۱	۰۹/۰	۱	۰۹/۰	۵. وجود فرصت مناسب برای شکوفایی نظرات نیروهای متخصص و باتجربه
									تهدیدات
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۱. عدم شفافیت قوانین و در کنار آن کمبود قوانین اثرگذار مرتبط با صنعت گردشگری ایران
۲۰/۰	۲	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۲. تصویر ذهنی نامناسب در ارتباط با شهرستان
۱۱/۰	۱	۱۱/۰	۱	۱۱/۰	۱	۱۱/۰	۱	۱/۰	۳. عدم آمادگی در دستگاه های اجرایی و مردم جهت استفاده فرصت فرهنگی- اقتصادی حضور گردشگران خارجی
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱/۰	۴. انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر مناطق تفریحی هم جوار (همانند استان های خراسان رضوی، یزد و...)
۹۰/۰	۱	۹۰/۰	۱	۹۰/۰	۱	۹۰/۰	۱	۹/۰	۵. ایجاد آلودگی زیست محیطی و تخریب و صدمه زدن به ابنیه ی تاریخی
									قوت ها
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۱. جاذبه های تاریخی و منحصر به فرد مانند غار لکی، غار فارس و پل سنگی ، قلعه کوه، آرامگاه بوذرجمهر، آرامگاه ابوالمفاخر، ...
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۲. جاذبه های طبیعی (درختان کهنسال، دشت ها، بلندترین ارتفاعات استان، وحوش منطقه و پوشش گیاهی خاص نیمه بیابانی)
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۳. جاذبه های مذهبی (زیارتی) مانند مسجد جامع قاین، مسجد جامع خضری، امام زاده زید بن موسی و ...
۲۰/۰	۲	۳۰/۰	۳	۳۰/۰	۳	۲۰/۰	۲	۱/۰	۴. جاذبه های صنایع دستی شامل سفره آردی (دارای نشان ملی) و ...
۳۰/۰	۳	۱۰/۰	۱	۴۰/۰	۴	۴۰/۰	۴	۱/۰	۵. موقعیت خاص زمانی مانند زمان برداشت زعفران و زرشک

ضعف ها									
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۱. نامناسب و ناکافی بودن مراکز اقامتی و رفاهی در شهرستان
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۲. فقدان زیرساخت های حیاتی برای ورود و نگه داشتن گردشگر در شهرستان
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱/۰	۳. ظرفیت پایین مدیریتی در شهرستان
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۲۰/۰	۲	۱/۰	۴. اطلاع رسانی بسیار ضعیف از قابلیت ها و جاذبه های تاریخی و طبیعی و گردشگری برای جذب گردشگر و تبلیغات ناچیز جهت جذب و پذیرش گردشگران
۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱/۰	۵. فقدان نیروهای متخصص راهنما و علائم و تابلوهای معرفی و راهنمایی مسافران به طرف جاذبه های گردشگری
۱۳/۴		۸۲/۳		۲۳/۴		۱۳/۵			مجموع نمره جذابیت

نمره جذابیت: ۱- بدون جذابیت؛ ۲- تا حدی جذاب؛ ۳- دارای جذابیت معقول؛ ۴-

بسیار جذاب

منبع: نگارندگان

همان طور که در ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) فوق ملاحظه می شود، برای گردشگری شهرستان قاینات، راهبرد تهاجمی با نمره ۱۳/۵، جذاب ترین راهبرد شناخته می شود. هم چنین راهبرد محافظه کارانه با نمره ۴/۲۳، راهبرد تدافعی با نمره ۴/۱۳ و راهبرد رقابتی با نمره ۳/۸۲ از نظر جذابیت در اولویت های بعدی قرار دارند. در نهایت با جمع آوری و تحلیل نظرات کارشناسان و ذی نفعان صنعت گردشگری شهرستان قاینات، گردشگران و مردم بومی شهرستان، اولویت گزینه ها (راهبردها) نسبت به هدف تحقیق مشخص گردید. همان طور که در جدول ۶ نشان داده شده است بر اساس اولویت بندی انجام شده، از بین راهبردهای پیشنهادی، راهبردهای SO به عنوان بهترین راهبرد جهت توسعه صنعت گردشگری شهرستان قاینات انتخاب می شود.

جدول ۶) اولویت گزینه ها نسبت به هدف تحقیق

اولویت راهبرد ها نسبت به هدف تحقیق	راهبرد ها
۱	SO
۲	WO
۳	WT
۴	ST

منبع: نگارندگان

راهبردهای SO به عنوان راهبردهای تهاجمی شناخته می شوند. در این منطقه پیشنهادات و راهکارهای اجرایی در جهت استفاده از فرصت ها با استفاده از قوت ها داده می شود. با استفاده از گسترش جذب سرمایه و کسب درآمد از جاذبه های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی شهر و پیرامون آن با افزایش سرمایه گذاری در گردشگری، استفاده از مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در توسعه اشتغال و فعالیت های گردشگری، تدوین برنامه ای جهت جذب گردشگر در فصل برداشت زرشک و زعفران، ایجاد بازارچه های صنایع دستی در مناطق گردشگری و شناسایی و استفاده از تجربیات و نظرات متخصصین و یادگیری از سایر الگوهای گردشگری پیاده شده ی موفق، می توان زمینه های جذب گردشگر به شهرستان را فراهم آورد و گردشگران را تشویق نمود که از جاذبه های گردشگری شهرستان قاینات دیدن نمایند. با عملیاتی شدن این راهبردها، شاهد تحولاتی پویا و توسعه پایدار کارکردهای گردشگری در شهرستان قاینات خواهیم بود.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که مشخص شد، اولویت بندی راهبردهای برنامه ریزی گردشگری شهرستان قاینات از طریق تحلیل عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر گردشگری این شهر با بهره گیری از ماتریس SWOT و مدل برنامه ریزی راهبردی کمی، تعیین و مشخص شد. با توجه به موقعیت گردشگری شهرستان قاینات، استفاده از راهبرد تهاجمی (SO) به عنوان اولویت اصلی توسعه ی گردشگری شهرستان تعیین شد. راهبرد تهاجمی (SO) از تلفیق نقاط قوت و فرصت ها به دست می آید. دستاورد این پژوهش این است که توسعه گردشگری در شهرستان قاینات بیش از هر چیزی از طریق شناسایی و استفاده از فرصت ها و تقویت نقاط قوت امکان پذیر است و این مهم تنها از طریق یک برنامه هدفمند، آینده نگر، یکپارچه و توجه به عناصر ترکیبی شکل دهنده گردشگری یعنی جاذبه ها، حمل و نقل، تبلیغات، مدیریت، خدمات و زیرساخت ها، مقررات و شاخص های فرهنگی امکان پذیر است. بنابراین به منظور جذب گردشگر و پایداری آن در شهرستان قاینات لازم است به راهبردهای ارائه شده در جدول ۷ توجه گردد که در تحقیق حاضر پس از اولویت بندی انجام شده، مهم ترین عوامل راهبردی در صنعت گردشگری شهرستان قاینات مشخص گردید.

جدول ۷) مهم ترین عوامل راهبردی تأثیرگذار بر صنعت گردشگری شهرستان قاینات

وزن عوامل	عوامل راهبردی
۲۱/۰	۱. جاذبه های تاریخی و منحصر به فرد مانند غار لکی، غار فارس و پل سنگی، قلعه کوه، آرامگاه بوذرجمهر، آرامگاه ابوالمفاخر، ...
۱۷/۰	۲. جاذبه های صنایع دستی شامل سفره آردی (دارای نشان ملی) و ...
۲۲/۰	۳. موقعیت خاص زمانی مانند زمان برداشت زعفران و زرشک
۲۳/۰	۱. نامناسب و ناکافی بودن مراکز اقامتی و رفاهی در شهرستان
۲۴/۰	۲. فقدان زیرساخت های حیاتی برای ورود و نگهداشتن گردشگر در شهرستان
۲۴/۰	۳. اطلاع رسانی بسیار ضعیف از قابلیت ها و جاذبه های تاریخی و طبیعی و گردشگری برای جذب گردشگر و تبلیغات ناچیز جهت جذب و پذیرش گردشگران
۱۹/۰	۱. علاقه مندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مناطق گردشگری

۱۹/۰	۰۲. توجه بیشتر دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در صنعت گردشگری به عنوان صنعت پاک
۲۳/۰	۰۳. فرصت طلایی رفع تحریم ها و حضور گردشگران خارجی
۱۴/۰	۱. عدم شفافیت قوانین و در کنار آن کمبود قوانین اثرگذار مرتبط با صنعت گردشگری ایران
۱۶/۰	۲. تصویر ذهنی نامناسب در ارتباط با شهرستان
۱۶/۰	۳. عدم آمادگی در دستگاه های اجرایی و مردم جهت استفاده فرصت فرهنگی- اقتصادی حضور گردشگران خارجی

منبع: نگارندگان

کرمی و شریفی (۱۳۹۱) فرصت چشمگیر پژوهش خود را افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه گذاری در نواحی گردشگری در راستای سیاست های دولت تعیین می کند که با داشتن امتیاز وزنی ۳/۰ در جایگاه سوم قرار گرفته است که می تواند به امر بهره برداری بهینه جذابیت های منطقه کمک نمود و زمینه توسعه را سبب گردد. در این پژوهش نیز دومین فرصت مهم علاقه مندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مناطق گردشگری می باشد که نتیجه گیری کریمی با نتایج این پژوهش سازگاری دارد. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق بیگی فیروزی (۱۳۹۰) سازگاری کامل داشته و نشان می دهد که آگاهی کم مردم شهرستان قاینات از مزایای گردشگری، اطلاع رسانی کم از قابلیت های طبیعی و تاریخی و نامناسب بودن امکانات اقامتی و رفاهی، از موانع صنعت گردشگری شهرستان به شمار می آیند.

در تحقیق انجام شده توسط رنجبریان و خزائی پور (۱۳۹۱) در گروه تهدید، تحریم ها و تبلیغات منفی کشورهای غربی نسبت به ایران، بیشترین وزن را به خود اختصاص داده و رتبه یک را کسب کرده که خود گویای ضرورت توجه به آنها است. در تهدیدات با توجه به رتبه به دست آمده، توجه به تهدید تحریم ها و تبلیغات منفی کشورهای غربی نسبت به ایران ضروری است که مغایرت آن با فرصت طلایی رفع تحریم ها و حضور گردشگران خارجی در این پژوهش به چشم می خورد.

سابرامونیام، علی ناصر و محمد (Subramoniam, Ali Naser & Mohammed; 2010) در تحقیق خود با استفاده از مدل SWOT به بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها

و تهدیدهای گردشگری عمان پرداختند. در این تحقیق، پس از اولویت بندی عوامل راهبردی گردشگری در بین نقاط قوت، جاذبه های طبیعی و تنوع گونه های گیاهی و جانوری؛ در بین نقاط ضعف، کیفیت پایین هتل ها و امکانات اقامتی و رفاهی؛ در بین فرصت ها، سرمایه گذاری بخش خصوصی در صنعت گردشگری و وجود اعتبار لازم جهت توسعه گردشگری؛ و در بین تهدیدها، فقدان زیرساخت های اقامتی و رفاهی و تخریب سایت های گردشگری، از بیشترین اولویت برخوردار شدند. در این تحقیق نیز این عوامل در بررسی های محیط داخلی و خارجی ذکر شده اند و اولویت بندی انجام شده برای نقاط قوت و ضعف مطابق با تحقیق سابرامونیام (همان) می باشد. لذا می توان گفت یافته های تحقیق سابرامونیام از یافته های این تحقیق حمایت می کند.

منابع

- اسماعیل زاده، حسن؛ اسماعیل زاده، یعقوب (۱۳۹۴). "انتخاب استراتژی بهینه توسعه گردشگری با استفاده از مدل راهبردی SWOT (مطالعه موردی: شهر مراغه)". *آمایش محیط، دوره هشتم، ش ۲۸ (بهار): ۱۴۹ - ۱۷۲*.
- بیگی فیروزی، الله یار (۱۳۹۰). "تدوین استراتژی توسعه صنعت گردشگری استان لرستان بر اساس تحلیل SWOT و فرایند تحلیل شبکه ای (ANP)". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی (مدیریت تحول)، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- پرتال فرمانداری شهرستان قاینات (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در: http://www.sk-ghaen.ir/Index.aspx?page_=form&lang=1&sub=2&tempname=GhaenatMain&PageID=411&isPopUp=False [۱۳۹۵/۰۵/۰۵]
- تیموئی، دالن جی؛ نیاوپان، جیان پی. (۱۳۹۲). *میراث فرهنگی و گردشگری در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه اکبر پورفرج و جعفر باپیری. تهران: مهکامه.
- خورشید، صدیقه؛ رنجبر، رضا (۱۳۸۹). "تحلیل استراتژیک، تدوین و انتخاب استراتژی

مبتنی بر ماتریس SWOT و تکنیک های تصمیم گیری چند شاخصه فازی". فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال پنجم، ش ۱۲ (تابستان): ۱۹-۳۹.

- دیوید، فرد آر. (۱۳۸۴). مدیریت/استراتژیک. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

- رنجبریان، بهرام؛ خزائی پور، جواد (۱۳۹۱). "تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای گردشگری خارجی استان اصفهان با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی". مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال اول، ش ۱ (تابستان): ۱۳-۳۴.

- صائمیان، آذر؛ ارغنده، رضا (۱۳۸۶). "چالش های ایران برای ورود به سازمان تجارت جهانی با استفاده از الگوی SWOT (ارائه الگوی کاربردی از به کارگیری استراتژی های SWOT)". [پیوسته] قابل دسترس در:

http://www.civilica.com/Paper-ICSM-02ICSM049_02.html
[۱۳۹۵/۵/۱۰]

- علی احمدی، علیرضا (۱۳۸۸). نگرش جامع بر مدیریت/استراتژیک. تهران: تولید دانش.

- کرمی، فریبا؛ شریفی، رقیه (۱۳۹۱). "ارزیابی گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی مراغه)". نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، سال هفدهم، ش ۴۶ (زمستان): ۱۷۳-۱۹۶.

- کریم پناه، رفیق (۱۳۸۴). "تحلیل اکوسیستم و نقش آن در توسعه منطقه ای استان لرستان". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- هادیانی، زهره؛ احدنژاد، محسن؛ کاظمی زاده، شمس الله (۱۳۹۰). "برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری بر اساس تحلیل SWOT (مطالعه موردی: شهر شیراز)". جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال بیست و سوم، ش ۳، پیاپی ۴۷ (پاییز): ۱۱۱-۱۳۲.

- Halla, francos (2007). "A SWOT analysis of strategic urban development planning: The case of Dar es Salaam city in Tanzania". Habitat International, Vol. 31, Issue. 1: 130-142.
- Subramoniam, S.; Ali Naser, S.; Mohammed, A. (2010). "SWOT Analysis on OmanTourism: A Case Study". Journal of Economic Development, Management, IT, Finanace and Marketing, Vol. 2, No. 1: 1-22.
- UNWTO World Tourism Barometer (2015). [on-line] Available: <http://www.e-unwto.org/loi/wtobarometereng> [07/26/2016].

بررسی تفاوت نگرش مردان و زنان عضو شوراهای اجتماعی محلات مشهد در شاخص های منتخب سرمایه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۴

سید هادی زرقانی^۱

محسن حجازی جوشقانی^۲

چکیده

تشکیل شورای اجتماعی محلات از مؤثرترین عوامل مداخله شهروندان در مدیریت شهری مشهد می باشد. بدیهی است که فرصت مشارکت باید برای زنان و مردان به صورت یکسان و عادلانه فراهم شود، اما نابرابر بودن تعداد مردان عضو شورا در مقابل زنان، حاکی از عدم استفاده لازم از زنان می باشد که مهم ترین دلیل آن می تواند بی اعتمادی شهرداری به عملکرد و توانمندی بانوان باشد. لذا در این پژوهش، دو شاخص سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اعضای شورا به سایر اعضا، اعتماد اعضا به اثربخشی شورا و هم چنین دو شاخص تمایل به مشارکت اعضای شورا و احساس تعلق به محله در بین اعضای ۱۲ شورای اجتماعی منطقه ۹ مشهد مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از روش های اسنادی و ابزار پرسش نامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۹ شهرداری مشهد بوده و نمونه آماری این تحقیق نیز شامل تمامی اعضای شوراهای اجتماعی محلات فوق می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها و تولید اطلاعات مورد نیاز از آماره های توصیفی و دستور فراوانی و برای مقایسه میانگین ها از آزمون من- ویتنی استفاده شده است. با تحلیل داده ها تفاوت معناداری در نگرش زنان و مردان به شاخص های منتخب دیده نشد. لذا با توجه به نتایج این

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی و عضو هیأت علمی گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

h.zarghani@um.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

Mohsen_hj2006@yahoo.com

تحقیق، چنین برداشت می شود که عدم اعتماد کافی به بانوان برای عضویت در شوراهای اجتماعی محلات، توجیه قابل قبولی ندارد و بدیهی است که به علت حضور بیشتر بانوان در محله و شناخت بیشتر در کمبودهای محله توسط آنان، حضور بانوان نتایج مثبتی برای کارایی شورا به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی زنان و مردان، سرمایه اجتماعی، شورای اجتماعی محلات، مشهد

۱- مقدمه

نیروی کارآمد انسانی یکی از عوامل مهم و اساسی برنامه های توسعه به شمار می آید که بدون آن، امکان توسعه مشکل به نظر می آید. با توجه به این که زنان نیمی از جمعیت هر کشوری را به خود اختصاص می دهند، حضور یا عدم حضورشان در مؤسسات جامعه بر امکان استفاده مؤثر از تمامی ظرفیت بالقوه کشور تأثیر می گذارد (لهسانی زاده، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

امروزه توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به شمار می رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه ی پایدار نیز محسوب می شود. از این رو، یکی از شاخص های درجه ی توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند. با توجه به قابلیت های موجود در زنان و نیز توان بالقوه آنان می توان در جهت انجام بخشی از اهداف و برنامه های توسعه از مشارکت آنان بهره جست (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۶). اما مشارکت اجتماعی زنان و مردان در طول تاریخ تحت تأثیر شرایط و عوامل ذهنی و عینی عدیده ای در سطوح خرد، میانی و کلان، کم و کیف متفاوتی پیدا کرده است. این تفاوت جنبه جنسیتی هم به خود گرفته است، به طوری که زنان در اغلب دوره های تاریخی صرف نظر از این که متعلق به چه قوم، طبقه، قشر و یا گروهی که بوده اند، در سلسله مراتب ساختار اجتماعی در مقایسه با مردان موقعیت پایین تری داشته اند. این نابرابری جنسیتی در قالب سایر

اشکال نابرابری‌های رابطه‌ای و رتبه‌ای موجود در هر جامعه، اثرات منفی مضاعفی بر حیات اجتماعی زنان باقی گذاشته است و نقش آنان را در فرایند تحولات تاریخی چنان کمرنگ جلوه داده است که ابوالفضل بیهقی بزرگ‌ترین مورخ ایران، مردان را بزرگ‌ترین عنصر سازنده تاریخ معرفی کرده است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۴). از آن‌رو، تلاش برای افزایش فرصت‌های عمومی برای مشارکت اجتماعی زنان گامی بلند در جهت توسعه پایدار است (ستاره‌فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۳۶).

۲- بیان مسأله

فعالیت‌های اجتماعی زنان در جامعه پیشینه‌ای به قدمت حیات اجتماعی بشر دارد (صداقتی‌فرد و ارجمند، ۱۳۸۹: ۱۰۳). بنابراین، مشکلات زنان از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی ایشان ناشی نمی‌شود، بلکه آنان به وسیله یک نظام اجتماعی که در آن تبعیضات، صورت رسمی و قابل قبول به خود گرفته است، عقب‌نگه داشته شده‌اند. داعیه‌داران توسعه انسانی پایدار، بر این اعتقادند که فرصت‌ها باید به شکلی عادلانه در اختیار افراد قرار گیرد، باید به همه مردم چه مرد و چه زن، به طور یکسان فرصت داده شود تا در جریان طرح و اجرای تصمیمات اساسی که زندگی آن‌ها را شکل می‌بخشد مشارکت داشته باشند (ملک محمدی و حسینی‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۰). افزایش فرصت‌های عمومی برای نقش‌آفرینی و مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توسعه پایدار ضروری شمرده می‌شود (ستاره‌فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۳۶). ارزش انسانی افراد و احترام به آزادی و اختیار آنان به عنوان طبیعی‌ترین حقوق انسان‌ها، ضامن موفقیت فراگیر مشارکت محسوب می‌شوند. اصول یاد شده به دلایل گوناگون در زندگی اجتماعی و فردی زنان محدود شده و نبود آزادی و فرصت‌های مشارکت، آنان را محدود و مختل می‌سازد. زنان قشری از جامعه‌اند که مورد کم‌توجهی قرار گرفته و از ظرفیت بالای آن‌ها جهت مشارکت در فرایند توسعه، استفاده صحیح و کاملی نمی‌شود (وثنوقی و یوسفی‌آقابین، ۱۳۸۴: ۱۹۶).

به دلیل گستردگی مشکلات و دغدغه‌های کلان‌شهری هم‌چون مشهد، مشارکت واقعی و معنادار مردم در فرایندهای برنامه‌ریزی و توسعه آن مورد تأیید برنامه‌ریزان شهری بوده و ایجاد شوراهای اجتماعی محلات، یکی از راهکارهای این مسأله می‌باشد، اما آن چه که در ترکیب این شوراها مشهود است نسبت کم تعداد زنان نسبت به مردان می‌باشد. علی‌رغم این که در شوراها نماینده‌ای به عنوان نماینده بانوان حضور دارد اما در مجموع، تعداد زنان بسیار اندک می‌باشد که این امر می‌تواند ناشی از دلایل مختلف از جمله عدم اعتماد شهرداری به بانوان باشد. لذا در پژوهش حاضر، با مقایسه شاخص‌های منتخب در بین مردان و زنان عضو شوراهای اجتماعی محلات مشهد، به بررسی تفاوت نظرات آنان پرداخته شده است تا عملکرد زنان در برابر مردان عضو شورا سنجیده شود.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مشارکت زنان

مشارکت در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو آن را محور زندگی سیاسی قرار داده است و شهروند را کسی می‌داند که از حق مشارکت در امور قضایی و شورایی برخوردار است (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). در جهان امروز، مشارکت هر چه بیشتر مردم در تمام زمینه‌های اجتماعی از ویژگی‌های عمده‌ی جامعه‌ی مدنی و توسعه یافتگی یک کشور شناخته می‌شود. کسب شخصیت اجتماعی و شهروندی، وابسته به مشارکت و خارج شدن از دایره‌ی فعالیت‌های شخصی و خصوصی است و از این‌روست که امروزه کوشش در راستای توسعه‌ی همه جانبه هر کشوری بیش از پیش متوجه مشارکت زنان شده است. جامعه امروز ایران، دچار برخی بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده و نیازمند مشارکت همه جانبه‌ی مردم از جمله حضور زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور در عرصه‌ی عمومی جامعه است و این در حالی است که بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر نزدیک به ۹ درصد مجموع شاغلان کشور، زن هستند. پایگاه اجتماعی زنان ایرانی در چند دهه‌ی اخیر، تحولاتی را به تبعیت از

تحولات زمان خود تجربه می کند و آن ها با آن که غالباً در حاشیه ی مناسبات اجتماعی و سیاسی بوده اند، دیرگاهی است با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقای توانمندی های خود دست یازیده و هم اکنون خواهان سهمی بیشتر از مدیریت خانواده و جامعه شده و انتظار پایگاه و موقعیت های بالاتری دارند (صدافتی فرد و ارجمند، ۱۳۸۹: ۹۸).

مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه ی آنان اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم گیری و اجرای در امور اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی است که به آنان امکان می دهد تا در فرایند مدیریت جامعه مشارکت فعالی داشته باشند. جهان پیشرفته ی امروزی مقتضیات و انتظارات جدیدی را می طلبد. مشارکت زنان یکی از این نمونه انتظارات واقعی است. مشارکت زنان بیش از هر چیز، محتاج تحول جدی در ذهنیت و فرهنگ جاری جامعه نسبت به حضور و فعالیت آنان می باشد. مسأله ی مهم این است که در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش ها، نیازها و توان های بالقوه و بالفعل زنان آن چنان که سزاوار است نگریسته نشده است (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۶).

۳-۲- نابرابری جنسیتی

نابرابری جنسیتی مؤلفه ی بارز حیات اجتماعی انسان ها در طی یک قرن گذشته بوده است. اجماع نظر گسترده، ولی نه جهان شمول در خصوص برتری مردان بر زنان، در همه ی جوامع وجود دارد. نابرابری جنسیتی در حوزه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت های گوناگونی دارد. نوع متفاوت مشارکت دو جنس در حوزه ی عمومی و زندگی اجتماعی، این گونه تمایزات را گسترش داده است و به نقش اجتماعی مردان، ارزش اجتماعی بیشتری عطا می کند (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۱۶). نه فقط نفس نابرابری جنسیتی، بلکه پیامدهای آن در سطوح خرد، میانه و کلان، ضرورت توجه به این موضوع را آشکار می کند (همان: ۱۱۷).

در مورد کشور ما نیز یکی از الزامات مبدل شدن به کشوری پیشرفته و ارتقاء شاخص های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تبدیل شدن به الگوی توسعه ی

موفق، که در سند چشم انداز توسعه ی ۲۰ ساله و سایر اسناد بالادستی تأکید شده است، توجه منطقی به جایگاه زنان در جامعه و تلاش برای کاهش نابرابری و بی عدالتی های جنسیتی است (همانجا).

۳-۳- سرمایه اجتماعی

پاتنام^۱ (۱۳۸۰: ۱۳۶) سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی های سازمان اجتماعی تعریف می نماید که عبارتند از: شبکه ها، هنجارهای همپاری و اعتماد. این نوع سرمایه، مشارکت کنندگان را قادر می سازد که با یکدیگر به گونه کارآمدتری در راه های رسیدن به هدف های مشترک عمل کنند (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۶: ۱۳۶). به علت اهمیت اعتماد، برخی نظریه پردازان آن را مترادف با مفهوم سرمایه اجتماعی می دانند.

از دیدگاه جامعه شناختی، دست کم سه شکل از اعتماد مشتمل بر اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی قابل تشخیص است (رضوی و حجازی جوشقانی، ۱۳۹۰: ۲):

الف) اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می شود و مبتنی بر روابط فردی است.

ب) اعتماد تعمیم یافته: اعتماد تعمیم یافته را می توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آن ها به گروه های قومی و قبیله ای تعریف کرد.

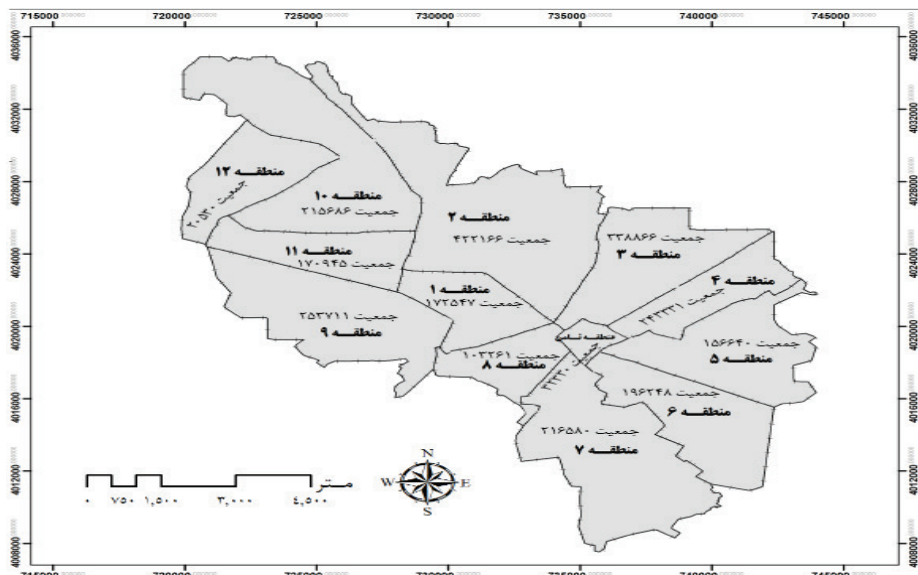
ج) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند. انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی اعتمادی به افرادی است که عهده دار امور آن نهادها هستند (علی پور، زاهدی و شیبانی، ۱۳۸۸: ۱۶).

اینکلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر، از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش بینی

می شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم گیری است (همان: ۱۱۹). همکاری مبتنی بر اعتماد عبارت است از توافق بین مجموعه ای از مشارکت کنندگان برای رسیدن به اهداف مشترک یا نتیجه خاص در یک فرایند مشترک (Holsapple & Joshi, 2000: 8). لذا در این پژوهش، تفاوت نظرات اعضای شوراهای اجتماعی محلات دوازده گانه منطقه ۹ شهرداری مشهد برحسب جنسیت، در مورد شاخص های احساس تعلق به محله، اعتماد به سایر اعضای شورا، اعتماد به اثربخشی شورا، تمایل به مشارکت در امور محله مورد بررسی قرار گرفته تا تفاوت نظرات اعضاء با توجه به جنسیت آن ها مورد تبیین قرار گیرد.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر مشهد از نظر تقسیمات شهرداری به ۱۳ منطقه تقسیم می شود. در این میان، منطقه ۹ شهرداری با توجه به موقعیت و وجود عناصر و فضاهای مهم خدماتی، یکی از مناطق با اهمیت شهر مشهد به شمار می آید. این منطقه از سویی به دلیل دارا بودن فضاهایی مهمی که دارای عملکرد شهری، منطقه ای و فرامنطقه ای و از سوی دیگر، به دلیل افزایش جمعیت از جنبه های گوناگون حائز اهمیت است. بر اساس آمار موجود، جمعیت این منطقه در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۳۲۹۷۶۰ نفر برآورد شده است که ۱۱/۷٪ از جمعیت شهر مشهد را شامل می شود. وسعت این منطقه ۳۴۹۸۰۶۷۷٫۶۳ متر مربع است که تراکم جمعیت آن برابر ۹۴/۲ نفر در هکتار می باشد. از نظر جمعیت و تراکم آن، منطقه فوق به ترتیب در رده سوم و هفتم مناطق سیزده گانه شهر مشهد قرار دارد. منطقه ۹ از حیث جغرافیای تاریخی و توسعه فضایی، قدمت زیادی ندارد. به گزارش طرح جامع سال ۱۳۵۰ (طرح خازنی)، این محدوده هنوز شکل نگرفته و لذا این منطقه از حیث تاریخی، حوزه ای جدید و رو به اعتلاست و سرعت رشد آن شتابان می باشد. هم چنین این محدوده جزء محدوده توسعه پس از سال ۱۳۶۵ در شهر است و به نوعی جزء جدیدترین محدوده های ساخته شده ی شهر به شمار می آید.



شکل ۱) مناطق شهرداری مشهد (سایت شهرداری مشهد، ترسیم: نگارندگان)

۴-۱- نواحی منطقه ۹ شهرداری

بر اساس آخرین تقسیمات شهری، منطقه ۹ دارای سه ناحیه با مشخصات زیر است:
ناحیه یک: با وسعت تقریبی ۱۲۶۹۴۹۱۱ متر مربع (۳/۳۶٪ از وسعت منطقه) در مرکز منطقه واقع گردیده است. جمعیت این ناحیه در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۵۳۷۲۴ نفر است که ۲۱/۲٪ جمعیت منطقه را شامل می شود. با توجه به وسعت منطقه، تراکم جمعیت آن نیز ۴۲/۳ نفر در هکتار است.

ناحیه دو: وسعت تقریبی این ناحیه بالغ بر ۱۴۶۹۱۵۰۸,۰۲ متر مربع است. در سال ۱۳۸۵ جمعیت این ناحیه ۸۴۰۸۹ نفر بوده که ۳۳/۱٪ از جمعیت منطقه را شامل می شود. هم چنین تراکم جمعیت در این ناحیه، ۵۷/۲ نفر در هکتار است.

ناحیه سه: وسعت تقریبی این ناحیه برابر با ۷۵۹۴۲۵۸,۶۷ متر مربع (۲۱/۷٪ از وسعت منطقه) می باشد. جمعیت ناحیه ۱۱۵۸۹۸ نفر در سال ۱۳۸۵ که ۴۵/۷٪ جمعیت منطقه است. تراکم جمعیت آن نیز بالغ بر ۱۵۲/۶ نفر در هکتار است.

۴-۲- محلات منطقه

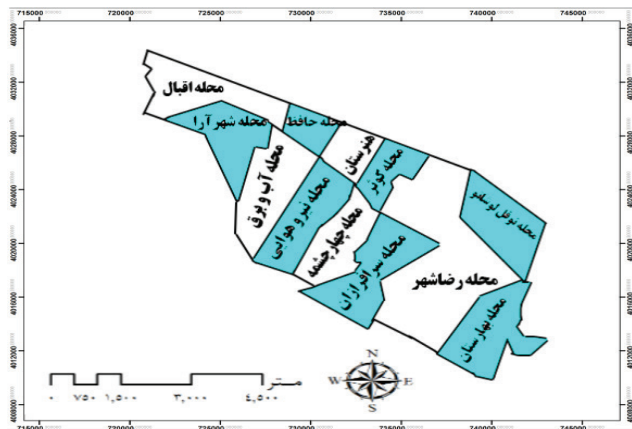
منطقه ۹ دارای ۱۲ محله است. جدول ۱ مشخصات کلی این محلات را بیان می کند.

جدول ۱) ویژگی های محلات منطقه ۹ شهرداری مشهد

	محله	جمعیت	مرد	زن	تعداد واحد مسکونی	وسعت	تراکم جمعیت (نفر در هکتار)
۱	رضا شهر	۳۹۷۶۵	۱۹۱۲۲	۲۰۶۴۳	۹۷۳۱	۱۰۶۵۳۶۴۷	۳۷/۳
۲	کوثر	۲۱۷۷۰	۱۰۵۴۶	۱۱۲۲۴	۶۱۶۶	۲۰۱۹۴۱۸	۱۰۷/۸
۳	سرافرازان	۳۳۴۹۳	۱۷۰۱۴	۱۶۴۷۹	۸۶۰۶	۳۶۶۸۳۸۸	۹۱/۳
۴	چهارچشمه	۱۶۰۰۲	۸۱۳۳	۷۸۶۹	۴۰۰۷	۲۸۹۰۷۳۲	۵۵/۴
۵	هنرستان	۲۱۷۵۴	۱۰۸۷۵	۱۰۸۷۹	۶۲۶۹	۱۹۱۲۷۱۸	۱۱۳/۷
۶	شهرآرا	۲۰۳۱۷	۱۰۲۰۰	۱۰۱۱۷	۵۴۹۴	۳۶۵۴۹۶۷	۵۵/۶
۷	آب و برق	۳۲۶۸۵	۱۶۵۴۵	۱۶۱۴۰	۸۴۶۱	۳۲۵۸۸۹۳	۱۰۰/۳
۸	نیروی هوایی	۱۶۸۵۶	۸۴۷۵	۸۳۸۱	۴۷۱۵	۴۶۲۰۲۵۷	۳۶/۵
۹	بهارستان	۹۱۶۳	۴۹۳۵	۴۲۲۸	۲۲۳۳	۴۲۸۷۹۰۵	۲۱/۴
۱۰	حافظ	۱۷۳۴۶	۸۶۶۰	۸۶۸۶	۴۹۳۶	۱۴۵۲۸۸۵	۱۱۹/۴
۱۱	اقبال	۱۶۶۸۲	۸۴۰۰	۸۲۸۲	۴۴۶۰	۱۵۸۵۲۷۱	۱۰۵/۲
۱۲	نوفل لوشاتو	۳۶۸۰	۱۸۴۸	۱۸۳۲	۹۸۷	۳۶۸۳۱۹۱	۱۰
۱۳	جمع	۲۴۹۵۱۳	۱۲۴۷۵۳	۱۲۴۷۶۰	۶۶۰۶۵	۴۳۶۸۸۲۷۴	۷۱/۲

منبع: (زرقانی و حجازی جوشقانی، ۱۳۹۲: ۶۰)

موقعیت این محلات در منطقه ۹ شهرداری مشهد در شکل زیر نشان داده شده است.



۵- معرفی شوراهای اجتماعی محلات مشهد

رئیس شورا: رئیس ناحیه شهرداری که محله در آن واقع شده است.
دبیر شورا: کارشناس فرهنگی و اجتماعی ناحیه که محله در آن واقع شده است.
نماینده ائمه ی جماعت مساجد محله: ائمه ی جماعت مساجد محله، یک نفر را برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می نمایند.
نماینده مدارس: مدیران مدارس محله، یک نفر را برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می نمایند.
نماینده تشکل های مردمی: مسؤولان تشکل های مردمی محله، یک نفر را برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می نمایند.
نماینده تام الاختیار کلانتری: نماینده ای به تقاضای رئیس شورای اجتماعی محله از کلانتری، برای عضویت در شورای اجتماعی محله دعوت می شود.
نماینده تام الاختیار پایگاه بهداشت: نماینده ای به تقاضای رئیس شورای اجتماعی محله از پایگاه یا مرکز بهداشت محله، برای عضویت در شورای اجتماعی محله دعوت می شود.

بانوی خانه دار محله: یکی از بانوان خانه دار محله که در عرصه های اجتماعی و دینی در محله شناخته شده یا فعال باشد.

کاسب معتمد محله: یکی از کسبه محله یا یکی از مدیران مجتمع های تجاری محله که از حسن شهرت در محله برخوردار باشد.

از اعضای ذیل با توجه به ضرورت ها و نیازهای محله، به عنوان عضو شورای اجتماعی محله انتخاب می شود:

فرهیخته ی محله: شامل شخصیت شناخته شده ای از اساتید دانشگاه، صاحب نظر در مسائل فرهنگی و اجتماعی، مؤلف، مخترع یا چهره علمی شناخته شده در محله می باشد که برای عضویت شورای اجتماعی محله دعوت می گردد.

جوان محله: شامل یکی از جوانان فعال محله که در عرصه های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت می نماید.

نماینده مجتمع های مسکونی (آپارتمانی): مدیران مجتمع های مسکونی محله، یک نفر را برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می نمایند.

پیشکسوت محله: یکی از بازنشستگان یا پیشکسوتان محله که در عرصه های علمی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی صاحب تجربه و نظر باشد.

رابط سلامت: رابطین سلامت با هماهنگی پایگاه بهداشتی محله معرفی می شوند.
رابط پیشگیری از آسیب های اجتماعی: رابطین پیشگیری با هماهنگی معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان خراسان رضوی معرفی می شوند.

نماینده خیریه های محله: مدیران و مسئولان خیریه های محله، یک نفر را برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می نمایند.

یکی از اقشار غالب ساکن در محله، می تواند با رأی اکثریت اعضای شورای اجتماعی به عنوان عضو ناظر (مانند کسبه، جاربوفان، کارمندان یا مجتمع مسکونی اقشار خاص در محله، جانبازان، معلولان، دانشجو و ...) در جلسات شورا حسب موضوع دستور کار و نوع مقتضیات نیازها و مسائل محله شرکت نماید (شوراهای اجتماعی محلات مشهد مقدس، ۱۳۹۱: ۱۶).

۵-۲- نحوه انتخاب اعضای شورای اجتماعی محله

نماینده‌های ائمه جماعات، مدیران مدرسه، تشکل‌های مردمی، خیریه‌ها و مجتمع‌های مسکونی: طی جلسه‌ای که با حضور کلیه اعضای هر کدام از اقشار مذکور به صورت جداگانه برگزار می‌شود، یک نفر به شیوه‌ی انتخاب علنی برای عضویت در شورای اجتماعی محله انتخاب می‌گردد.

نماینده‌های کلانتری، بهداشت، رابط سلامت و رابط پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی: رئیس شورای اجتماعی محله با کلانتری، مرکز بهداشت محله و معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری مکاتبه و تقاضای معرفی نماینده ایشان را اعلام می‌نماید. تبصره: نمایندگان این نهادها می‌بایست حائز شرایط عمومی و اختصاصی آئین‌نامه باشند و در صورت ضعف عملکرد، رئیس شورا به نهاد یا سازمان مذکور مکاتبه و تقاضای جایگزین می‌نماید.

بانوی خانه‌دار، جوان محله، فرهیخته محله، پیشکسوت محله، کاسب معتمد محله: دبیر شورای اجتماعی محله پس از شناسایی افراد ذکر شده، سه نفر را در جلسه شورای اجتماعی محله مطرح و از بین افراد مذکور، یک نفر با رأی اکثریت اعضا انتخاب می‌شوند.

تبصره یک: برای اعضای فعلی شورای اجتماعی محله که دارای شرایط تمدید عضویت می‌باشند، نیازی به انتخاب مجدد نمی‌باشد.

تبصره دو: اولین جلسه شورای اجتماعی محله با حضور رئیس، دبیر شورا، نماینده‌های بهداشت، کلانتری، مدیران مدارس، ائمه جماعات و تشکل‌های مردمی تشکیل و نسبت به عضویت سایر اعضا تصمیم‌گیری می‌شود. تصمیم‌گیری، معرفی و انتخاب عضو اقشار غالب ساکن در محله با نظر اکثریت شورای اجتماعی محله می‌باشد (همان: ۱۸).

۵-۳- اهداف شورای اجتماعی محله

۱) افزایش مشارکت‌های اجتماعی در مدیریت شهری؛

۲) تقویت هویت محلات و فرهنگ محله محوری؛

- ۳) کمک به افزایش اعتماد اجتماعی بین مردم و مدیریت شهری؛
- ۴) شناسایی و بهره‌گیری هدفمند از فرصت‌های اجتماعی محلات؛
- ۵) نهادینه‌سازی نظارت همگانی در نحوه ارائه خدمات به مردم؛
- ۶) فراهم شدن زمینه مشارکت نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی؛
- ۷) هم‌افزایی امکانات و فرصت‌های خدمت‌رسانی سازمان‌ها و نهادهای محلی در ارائه خدمات مناسب‌تر به مردم (همان: ۱۴).

۶- روش‌شناسی تحقیق

۶-۱- روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

روش پژوهش در تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. بدین صورت که از آمارهای کمی توصیفی هم به صورت خام استفاده گردیده و هم برای تبیین وضعیت شاخص‌های مورد نظر، این آمارها تحلیل شده‌اند.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۹ شهرداری مشهد بوده و نمونه آماری این تحقیق نیز شامل تمامی اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه فوق می‌باشد. تعداد اعضای ۱۲ شورای اجتماعی محله در منطقه ۹ شهرداری مشهد، ۱۱۷ نفر می‌باشد. برای تکمیل پرسش‌نامه، محقق به صورت حضوری در برخی جلسات شوراها حاضر شده و در مواردی که امکان حضور در شورا فراهم نبود، به محل کار یا منزل اعضای مراجعه گردیده و اقدام به تکمیل پرسش‌نامه از اعضا نموده است. لذا با توجه به عواملی از قبیل عدم تمایل اعضای به پر کردن پرسش‌نامه، اشتباه بودن نشانی منزل و محل کار برخی اعضای و برنگرداندن پرسش‌نامه به محقق، تعداد ۶۹ پرسش‌نامه تکمیل شده برای این تحقیق، مورد استفاده قرار گرفت.

۶-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است، به این صورت که برای بعضی از اطلاعات مانند اطلاعات مربوط به متغیرهای فردی از قبیل

میزان تحصیلات و سن اعضای شوراهای، از اسناد معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد استفاده شد و سایر داده‌های مورد استفاده، از تکمیل پرسش‌نامه به دست آمده است.

۳-۶- پایایی و روایی پژوهش

پرسش‌نامه محقق ساخته این پژوهش مبتنی بر اعتبار محتوای و چند بار توسط اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارشناسان مربوطه در شهرداری مشهد، مورد بازبینی قرار گرفت و اصلاحاتی در آن انجام شد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برابر با ۸۴۴/۰ محاسبه گردید، لذا آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

جدول ۲) نتیجه آزمون پایایی سؤالات پرسش‌نامه برای شاخص‌ها

شاخص	تعداد گویه	تعداد پاسخ‌ها	تعداد پاسخ‌های قابل قبول	آلفای کرونباخ
اعتماد به سایر اعضا	۷	۶۹	۶۱	۷۹۱/
اعتماد به کارایی شورا	۷	۶۹	۶۰	۷۵۹/
تمایل به مشارکت	۳	۶۹	۶۹	۷۸۳/
احساس تعلق به محله	۷	۶۹	۶۳	۷۹۹/
مجموع شاخص‌ها	۲۴	-	-	۸۴۴/

۶-۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تولید اطلاعات مورد نیاز از آماره‌های توصیفی و دستور فراوانی و برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون من-ویتنی استفاده شده است و برای انجام محاسبات از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

۷- یافته های تحقیق

۷-۱- کلیات

از مجموع مشارکت کنندگان در این طرح، حدود ۶۰٪ را مردان و ۴۰٪ را نیز زنان تشکیل داده اند که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳) تعداد پاسخگویان به تفکیک مرد و زن

درصد	تعداد	
۵۹/۴	۴۱	مرد
۴۰/۶	۲۸	زن
۱۰۰	۶۹	مجموع

منبع: یافته های تحقیق

۷-۲- وضعیت سنی اعضا

میانگین سنی پاسخگویان ۴۳/۴ سال بوده که میانگین سنی زنان، ۴ سال کمتر از مردان است.

جدول ۴) وضعیت سنی پاسخگویان

تعداد معتبر	میانگین ^۱ سنی کل	میانگین سنی زنان	میانگین سنی مردان	میان ^۲ سنی کل	جوان ترین عضو	مسن ترین عضو
۶۷	۴۳/۴	۴۱/۱۱	۴۵/۰۵	۴۴	۲۲	۷۰

منبع: یافته های تحقیق

۷-۳- وضعیت تحصیلات^۱

همان گونه که از جدول پیداست خوشبختانه تمامی اعضاء باسواد بوده و ۷۸٪ اعضا نیز دارای تحصیلات عالیه (فوق دیپلم و بالاتر) هستند. در گروه تحصیلات در سطح دیپلم و پایین تر، علی رغم این که به لحاظ درصدی، تعداد زنان دارای تحصیلات در این سطح دوبرابر درصد مردان در همین گروه تحصیلات است، اما به لحاظ عددی، اختلاف چندانی ندارند چرا که تعداد مردان این گروه ۶ نفر و تعداد زنان نیز ۸ نفر می باشد که این امر، هم به دلیل تعداد مطلق مردان در مجموع که بیشتر از تعداد مطلق زنان است قابل توجیه می باشد و می توان گفت اختلاف چندانی در این سطح تحصیلات بین زنان و مردان عضو شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۹ مشهود وجود ندارد. همین ویژگی در گروه تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس نیز تا حدودی وجود دارد، اما اختلاف عمده به گروه تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) برمی گردد که تعداد مردان ناظر بر این رده ۱۲ نفر و تعداد زنان، فقط ۴ نفر می باشد که میزان پایین مشارکت زنان دارای تحصیلات تکمیلی، تأمل برانگیز می نماید.

جدول ۵) وضعیت تحصیلات پاسخگویان

کل اعضاء (تعداد)	کل اعضاء (درصد)	مردان (تعداد)	مردان (درصد)	زنان (تعداد)	زنان (درصد)
بی سواد	۰	۰	۰	۰	۰
تا دیپلم و دیپلم	۱۴	۲۰/۳	۶	۱۴/۶	۸
فوق دیپلم و لیسانس	۳۸	۵۵/۱	۲۲	۵۳/۷	۱۶
تحصیلات تکمیلی	۱۶	۲۳/۲	۱۲	۲۹/۳	۴
نامعتبر (بدون پاسخ)	۱	۱/۴	۱	۲/۴	۰
مجموع	۶۹	۱۰۰	۴۱	۱۰۰	۲۸

منبع: یافته های تحقیق

۱. آن دسته از اعضا که دارای مدرک حوزوی بوده اند، مدرک شان با مدرک معادل دانشگاهی تطبیق داده شده است.

۴-۷- یافته های تحلیلی

۴-۷-۱- شاخص اعتماد اعضای شورا به سایر اعضا

اولین شاخص مورد بررسی، اعتماد اعضای شورا به سایر اعضا می باشد. برای سنجش این مؤلفه از هفت شاخص استفاده شده که نتایج تفصیلی آن در جدول ۶ ارائه گردیده است. در شاخص "مناسب دانستن اعضا برای عضویت در شورا"، میانگین وزنی کل پاسخگویان ۳/۸ (از ۵) می باشد که این عدد برای زنان ۳/۹ و برای مردان ۳/۷ است که تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. در شاخص "کافی دانستن سطح تحصیلات اعضا"، میانگین وزنی کل ۳/۹ بوده که این عدد برای زنان ۴ و برای مردان ۳/۸ می باشد. در شاخص های مسئولیت پذیری اعضا، همدلی اعضا، آشنایی اعضای شورا با امور محله، آگاهی از اختیارات و وظائف شورا و هم چنین میزان تلاش اعضای شورا برای شناخت کمبودهای محله نیز مقایسه میانگین وزنی مجموع نظرات پاسخگویان و هم چنین میانگین وزنی پاسخ های مردان و زنان به تفکیک، تفاوت معناداری را در پاسخ های این دو گروه نشان نمی دهد.

جدول ۶) نتایج گویه های اعتماد به سایر اعضای شورا (درصد)

شماره گویه	گویه	خیلی کم			کم			متوسط			زیاد			خیلی زیاد			میانگین وزنی		
		کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد
۱	مناسب دانستن اعضا برای عضویت در شورا	۱/۵	۰	۱/۵	۴/۴	۳/۹	۱/۵	۳۲/۵	۷/۴	۱۶/۲	۲۰/۶	۲۹/۴	۲۰/۶	۲۰/۶	۱۰/۳	۱۰/۳	۳/۸	۳/۹	۳/۷
۲	کافی دانستن تحصیلات اعضا برای شناخت و تصمیم گیری در مورد امور محله	۰	۰	۰	۲	۱/۵	۱/۵	۱۹/۴	۶	۱۳/۴	۵/۲	۲۵/۴	۳۲/۸	۱۹/۴	۹	۱۰/۴	۳/۹	۴	۳/۸
۳	مسئولیت پذیری اعضا	۱/۵	۱/۵	۰	۷/۵	۲	۴/۵	۲۶/۹	۶	۲۰/۹	۴۹/۳	۳۳/۹	۲۵/۴	۱۴/۹	۷/۵	۷/۵	۳/۶۹	۳/۷	۳/۶

۴	وحدت و همدلی اعضاء برای اخذ مصوبات	۱/۵	۱/۵	۰	۴/۴	۱/۵	۲/۹	۲۵	۱۰/۴	۱۴/۷	۵۰	۱۹/۱	۳۰/۹	۱۹/۱	۸/۷	۱۰/۴	۳/۸	۳/۷	۳/۸
۵	آشنایی لازم با امور محله	۰	۰	۰	۶/۱	۱/۵	۴/۵	۳۷/۹	۱۹	۱۸/۲	۳۶	۲۴/۲	۱۲/۱	۱۹/۷		۹/۱	۳/۷	۳/۶	۳/۷
۶	آگاهی از اختیارت و وظائف شورا	۱/۵	۰	۱/۵	۱۰/۶	۴/۵	۶/۱	۴۵/۵	۱۹/۷	۲۵/۸	۳۳/۳	۱۲/۱	۲۱/۲	۹/۱	۴/۵	۴/۵	۳/۳	۳/۴	۳/۳
۷	تلاش اعضاء برای شناخت کمبودهای محله	۰	۰	۰	۱۱/۹	۵	۵	۳۲/۹	۱۰/۴	۱۳/۴	۴۶/۳	۱۶/۴	۲۹/۹	۱۷/۹	۹	۹	۳/۷	۳/۶	۳/۷

سپس برای سنجش معناداری پاسخ‌های دو گروه زنان و مردان نسبت به پاسخ‌های آنان در مورد شاخص‌های این متغیر، از آزمون من - ویتنی استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است. همان گونه که در این جدول مشخص است ضریب sig در تمام گویه‌ها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا تفاوت معناداری در پاسخ‌های دو گروه در هر گویه (شاخص) وجود ندارد.

جدول ۷) نتایج آزمون من - ویتنی برای شاخص اعتماد اعضای شورای اجتماعی به سایر اعضاء

گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	گویه ۵	گویه ۶	گویه ۷
۰۰۰,۵۰۲	۵۰۰,۴۹۹	۵۰۰,۴۵۸	۵۰۰,۵۵۸	۵۰۰,۵۰۹	۰۰۰,۵۲۴	۵۰۰,۵۳۶
۴۳۴/	۵۰۶/	۲۳۰/	۹۸۴/	۷۵۷/	۹۷۲/	۸۹۸/

۷-۴-۲- شاخص اعتماد اعضاء به کارایی شوراهای اجتماعی محلات

متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است ارزیابی اعتماد اعضاء به کارایی شوراهای اجتماعی محلات می باشد. برای سنجش این متغیر، هفت شاخص به پرسش‌شوندگان ارائه گردیده است. در گویه "اعتماد به کارآمدی شورا در توسعه و پیشرفت محلات"، میانگین وزنی مجموع پاسخ‌گویان ۴/۵ می باشد که همین عدد به طور یکسانی برای هر دو گروه زنان و مردان به تفکیک نیز تکرار شده است. در گویه دوم در مورد "اطمینان اعضای شورای اجتماعی محلات نسبت به توانمندی این شورا

در واگذاری مدیریت امور محله به شهروندان" سؤال شده است که میانگین وزنی کل برابر با ۳/۱ بوده و همین شاخص برای زنان و مردان نیز به ترتیب ۳/۲ و ۳/۱ می باشد که تفاوت چندانی نشان نمی دهد. در گویه سوم، «ارتقای عملکرد مدیریت شهری در سطح محلات از طریق شوراهای اجتماعی محلات»، مورد پرسش قرار گرفته است که با مقایسه میانگین وزنی کل، پاسخ های زنان و مردان به تفکیک که به ترتیب ۳/۸، ۳/۹ و ۳/۷ می باشد به همسانی نظرات اعضاء در مجموع و به تفکیک زنان و مردان پی می بریم. شاخص چهارم به "بررسی تأثیر مصوبات شوراها بر بهبود اوضاع محله" پرداخته است. میانگین وزنی کل برای این شاخص ۳/۲ می باشد، اما همین عدد برای زنان و مردان به ترتیب ۳/۴ و ۳/۱ می باشد که حاکی از رضایتمندی نسبی زنان نسبت به مردان در مورد مصوبات شوراها دارد. در شاخص "داشتن ضمانت اجرایی برای مصوبات شورا"، نه تنها میانگین وزنی کل که برابر با ۲/۶ می باشد وضعیت مناسبی را نشان نمی دهد، بلکه تفاوت بین نظرات زنان و مردان که میانگین وزنی پاسخ های این دو گروه را به ترتیب برابر با ۲/۱ و ۲/۸ قرار می دهد نشان از سطح بی اعتمادی بالاتری در زنان نسبت به مردان در این شاخص "پذیرش مصوبات شوراهای اجتماعی در سایر نهادهای رسمی و شهری" را از نظر اعضاء را مورد بررسی قرار داده است که با میانگین وزنی ۳/۲ برای مجموع پاسخگویان و میانگین وزنی ۳/۳ و ۳/۱ به ترتیب برای زنان و مردان، تفاوت بارزی را در میان پاسخ های این دو گروه نشان نمی دهد. در گویه آخر نیز که پرسیده شده بود که "شورای محله را تا چه حد مکان مناسبی برای پیگیری مشکلات ساکنین محل می دانند" میانگین وزنی ۴/۴ برای مجموع، ۴/۷ برای زنان و ۴/۵ برای مردان، نشان می دهد که از نظر اعضاء این امکان در حد بسیار زیادی در شوراهای اجتماعی محلات فراهم شده است.

جدول ۸) نتایج گویه های اعتماد به کارایی شورا (درصد)

شماره گویه	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین وزنی
		کل	زنان	مردان	کل	زنان	مردان
۱	شوراهای محلات می توانند به توسعه و پیشرفت محلات کمک کنند.	۱/۵	۰	۰	۷/۴	۵/۹	۴/۵
۲	شورای اجتماعی محلات می توانند در واگذاری امور محله به شهروندان، موفق عمل کنند.	۵/۹	۱/۵	۱/۱۸	۴۵/۶	۲۰/۶	۳/۱
۳	تشکیل شورا باعث تسهیل و تسریع نظام تصمیم گیری به منظور بهبود مدیریت شهری در سطح محلات گردیده است.	۱/۵	۰	۱/۵	۲۹/۴	۱۱/۸	۳/۷
۴	مصوبات شورا تأثیر محسوسی بر بهبود وضعیت محله داشته است.	۶	۱/۵	۱/۵	۴۰/۳	۱۷/۹	۳/۱
۵	مصوبات شورا دارای ضمانت اجرایی کافی هستند.	۶/۱	۰	۱۲/۱	۴۳/۹	۱۶/۷	۲/۸
۶	بیشتر مصوبات شوراها مورد پذیرش متصدیان قرار می گیرد.	۳/۱	۰	۷/۸	۴۸/۴	۲۰/۳	۳/۱
۷	شورای محله را محل مناسبی برای پیگیری مسائل و مشکلات ساکنین محل می دانم.	۰	۰	۱/۴	۴/۳	۲/۹	۴/۵

نتایج آزمون من- ویتنی برای متغیر اعتماد اعضای شوراهای اجتماعی محلات به

کارایی شورا به تفکیک دو گروه زنان و مردان نیز نشان می دهد که با توجه به بالاتر بودن میزان sig در همه ی سؤالات از ۰/۰۵، تفاوتی در نگرش و متعاقباً پاسخ های این دو گروه نسبت به شاخص های این متغیر وجود ندارد.

جدول ۹) نتایج آزمون من- ویتنی برای شاخص اعتماد اعضای شورای اجتماعی محلات به کارایی شورا

گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	گویه ۵	گویه ۶	گویه ۷	
۵۴۲,۰۰۰	۵۲۸,۰۰۰	۴۸۸,۵۰۰	۴۴۵,۰۰۰	۴۱۴,۰۰۰	۴۳۰,۰۰۰	۵۴۰,۵۰۰	نتیجه آزمون من- ویتنی
۰/۷۸۵	۰/۶۷۱	۱/۳۸۸	۱/۱۷۷	۱/۱۴۰	۰/۳۰۷	۱/۶۳۷	معنی داری آزمون

۷-۴-۳- شاخص احساس تعلق به محله

متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن به تفکیک زنان و مردان ارائه گردیده است، شاخص احساس تعلق به محله می باشد. برای سنجش این متغیر هفت شاخص در قالب هفت گویه ارائه گردیده است که نتایج آن به تفصیل در جدول ۱۰ ارائه شده است. نکته جالب توجه در گویه های این شاخص این است که به جز شاخص های برخورداری از احترام کافی در محله که میانگین وزنی پاسخ های ارائه شده توسط زنان، بیشتر از میانگین وزنی پاسخ های مردان است و هم چنین شاخص رضایت از هم محله ای ها که میانگین نظرات زنان و مردان کاملاً مشابه است در پنج گویه ی دیگر، میانگین نظرات زنان کمتر از میانگین وزنی نظرات مردان است.

جدول ۱۰) نتایج گویه های احساس تعلق به محله (درصد)

شماره گویه	گویه	خیلی کم			کم	متوسط			زیاد			خیلی زیاد			میانگین وزنی		
		کل	زنان	مردان		کل	زنان	مردان	کل	زنان	مردان	کل	زنان	مردان	کل	زنان	مردان
۱	رضایت از زندگی در محله	۰	۰	۰	۱/۵	۰	۱/۵	۷/۴	۵/۹	۱/۵	۴۲/۶	۱۶/۲	۱۲/۶	۴۸/۵	۱۷/۶	۳۰/۹	۴/۴

پاسخ‌های زنان و مردان تفاوت بارزی ندارد.

جدول (۱۲) نتایج گویه‌های تمایل به مشارکت (درصد)

شماره گویه	گویه	خیلی کم			کم			متوسط			زیاد			خیلی زیاد			میانگین وزنی		
		کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد
۱	مشارکت در برنامه‌های مدیریت محله	۰	۰	۰	۲/۹	۰	۲/۹	۱۰/۱	۴/۳	۵/۸	۴۴/۹	۲۰/۳	۳۴/۶	۴۲	۱۵/۹	۲۶/۱	۴/۲	۴/۲	۴/۲
۲	تمایل به حضور مجدد در شورای محله در صورت انتخاب شدن دوباره توسط شهرداری	۰	۰	۰	۱/۴	۰	۱/۴	۱۰/۱	۲/۹	۷/۲	۴۶/۴	۱۸/۸	۳۷/۵	۴۲	۱۸/۸	۲۳/۲	۴/۲	۴/۲	۴/۳
۳	تمایل به تلاش برای پیشرفت محله	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۳/۳	۱۱/۶	۲۱/۷	۶۶/۷	۲۹	۳۷/۷	۴/۶	۴/۷	۴/۶

نتایج آزمون من-ویتنی برای شاخص‌های متغیر تمایل به مشارکت زنان و مردان عضو شورای اجتماعی محلات نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میان نظرات این دو گروه در مورد شاخص‌های این متغیر وجود ندارد.

جدول (۱۳) نتایج آزمون من-ویتنی برای شاخص تمایل به مشارکت

گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	
۵۶۷,۰۰۰	۵۱۰,۵۰۰	۵۲۸,۰۰۰	نتیجه آزمون من-ویتنی
۰/۹۲۵	۰/۳۹۳	۰/۴۹۱	معنی‌داری آزمون

نتیجه گیری

شوراهای اجتماعی محلات گامی مهم در تحقق اهداف مدیریت شهری و رسیدن به توسعه پایدار با در نظر داشتن رویکرد محله محور هستند. تشکیل این شوراها در مشهد به عنوان دومین کلان شهر ایران و دومین کلان شهر مذهبی جهان اسلام، باعث ارتقای هر چه بیشتر احساس شهروندی و حرکت این شهر به سمت توسعه انسان محور خواهد بود.

اعضای این شورا توسط شهرداری انتخاب یا تأیید می شوند. یکی از مواردی که در ترکیب این شوراها مشهود است کمتر بودن تعداد زنان عضو شورا نسبت به مردان است. اگر چه در ترکیب شورا، عضوی با عنوان نماینده بانوان محله گنجانده شده است اما اکثر حضور بانوان در شورا، مربوط به همین جایگاه بوده و کمتر در قالب سایر اعضای شورا از بانوان استفاده شده است. دلایل متعددی می توان برای این موضوع برشمرد، اما با توجه به این که زنان در کلان شهرها و در مشهد در تمامی جایگاه های اجتماعی و اقتصادی حضور دارند نمی توان توجیهی برای این عدم حضور زنان پیدا کرد، مگر بی اعتمادی شهرداری به عملکرد بانوان. لذا در این پژوهش، شاخص های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اعضای شورا به سایر اعضا و اعتماد (اطمینان) اعضا به کارایی شورا و هم چنین دو شاخص احساس تعلق به محله و تمایل به مشارکت اعضای شورا مورد بررسی قرار گرفت و نتایج این بررسی بین زنان و مردان عضو شورا مقایسه گردید و نهایتاً هیچ تفاوت معناداری در بین پاسخ های مردان و زنان عضو شورا مشاهده نشد. لذا با توجه به نتایج این تحقیق، چنین برداشت می شود که عدم اعتماد کافی به بانوان برای عضویت در شوراهای اجتماعی محلات، توجیه قابل قبولی ندارد و بدیهی است که به علت حضور بیشتر بانوان در محله و شناخت بیشتر در کمبودهای محله توسط آنان، حضور بانوان نتایج مثبتی برای کارایی شورا به همراه خواهد داشت.

پیشنهادهای

- با توجه به این که نیمی از جمعیت هر محله به صورت تقریبی، بانوان هستند پیشنهاد می گردد که در آئین نامه شورای اجتماعی محلات ذکر شود که نیمی از اعضای شورا از بانوان محله انتخاب گردند.
- با توجه به این که ترکیب جنسیتی شوراها بیانگر فضای حاکم بر تفکرات تصمیم گیران این موضوع است، پیشنهاد می گردد نیمی از شورای سیاست گذاری شوراهای اجتماعی محلات، از بانوان باشند.

منابع

- خواجه نوری، بیژن؛ مقدس، علی اصغر (۱۳۸۶). "جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال پنجم، ش ۱۲ (پاییز و زمستان): ۱۳۱-۱۵۴.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: روزنامه سلام.
- رحمانی، بیژن؛ مجیدی، بتول (۱۳۸۸). "عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی (مطالعه ی موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری تهران)". *فصلنامه جغرافیایی آمایش، دوره دوم، ش ۷ (زمستان): ۱۵-۳۸*.
- رضوی، محمدمحسن؛ حجازی جوشقانی، محسن (۱۳۹۰). "سرمایه اجتماعی و توسعه محله ای (نمونه موردی: محلات طلاب مشهد)". در: *مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش سراسری دانشجویان جغرافیا. گردآوری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران. ۸-۱.
- زرقانی، سیدهدای؛ حجازی جوشقانی، محسن (۱۳۹۲). *طرح اینترنتشیپ شورای اجتماعی محلات و تأثیر آن بر توسعه محله ای*. مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش.
- شوراهای اجتماعی محلات مشهد مقدس. دبیرخانه (۱۳۹۱). *آشنایی با شوراهای*

اجتماعی محلات مشهد مقدس. مشهد: شهرداری مشهد، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- صداقتی فرد، مجتبی؛ ارجمند، الهام (۱۳۸۹). "انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عامل‌های مؤثر بر مشارکت زنان (مطالعه موردی: زنان ۲۰ تا ۳۴ سال شهر سمنان)". *فصلنامه‌ی زن و جامعه*، دوره یکم، ش ۲ (تابستان): ۹۷-۱۲۲.

- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). "زنان و نهادهای مدنی؛ مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران". *مجله جامعه‌شناسی/ایران*، دوره پنجم، ش ۲ (تابستان): ۶۳-۹۹.

- علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیبانی، ملیحه (۱۳۸۸). "اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)". *مجله جامعه‌شناسی/ایران*، دوره دهم، ش ۲ (تابستان): ۱۰۹-۱۳۵.

- ستاره‌فروزان، آمنه؛ بیگلریان، اکبر (۱۳۸۲). "زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها". *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره یکم، ش ۵ (بهار): ۳۵-۵۸.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰). "عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه (مطالعه موردی: شهر شیراز)". *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره شانزدهم، ش ۲ (بهار): ۹۹-۱۳۰.

- ملک‌محمدی، ایرج؛ حسینی‌نیا، غلامحسین (۱۳۷۹). "انگیزه‌های مشارکت زنان روستائی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در استان فارس". *مجله علوم کشاورزی/ایران*، دوره سی و یکم، ش ۱ (بهار): ۳۹-۵۳.

- ملکی، امیر (۱۳۸۴). "نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی". *نامه علوم اجتماعی*، دوره بیست و پنجم، ش ۲۵ (بهار): ۲۲۵-۲۵۷.

- وثوقی، منصور؛ یوسفی‌آقابین، افسانه (۱۳۸۴). "پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستائی روستای آگکند شهرستان میانه". *نامه علوم اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۳، پیاپی ۲۵ (بهار): ۱۹۵-۲۲۴.

- همتی، رضا؛ مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). "بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان

کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران". پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، پیاپی ۸ (پاییز و زمستان): ۱۱۵-۱۴۲.

- Hollsopple, C.; Joshi, K. (2000). "An Investigation of Factors that Influence the Management of Knowledge in Organization". Journal of Strategic Information Systems, Vol. 9, Issues. 2-3: 235-261.

بررسی ادراک شهروندان از فساد اداری و متغیرهای جمعیت شناختی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: بیرجند)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۵

علی سیف زاده^۱

چکیده

سلامت اداری مهم ترین سرمایه برای پیشرفت هر سازمان است و نقطه مقابل آن نیز فساد اداری است که مانع پیشرفت خواهد شد. فساد دورویه دارد. یک رویه آن، ادراکی است که نسبت به فساد در جامعه وجود دارد، یعنی باورهایی که جامعه نسبت به وجود فساد و گستره آن دارد. رویه دیگر، سنجش و ارزیابی فساد و تعیین شاخصه‌هایی برای آن می‌باشد. هدف کلی این پژوهش بررسی ادراک شهروندان بیرجندی از فساد اداری و متغیرهای جمعیت شناختی مؤثر بر آن می‌باشد. در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. جامعه (جمعیت) آماری تحقیق کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر بیرجندی بوده است. هم‌چنین از روش نمونه‌گیری ترکیبی خوشه‌ای- تصادفی استفاده شده و حجم نمونه ۱۹۷ نفر می‌باشد. برای سنجش از اعتبار محتوا و برای محاسبه ی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده و نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که (۱) بین جنسیت پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنی که ادراک از فساد اداری پاسخگویان زن، بیش از مردان می‌باشد. (۲) تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری وجود دارد. (۳) ادراک از فساد اداری پاسخگویان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی در حد متوسط، بیش از سایر پاسخگویان می‌باشد. (۴) بین سن پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، رابطه معنی داری وجود ندارد. **واژگان کلیدی:** فساد اداری، ادراک فساد، متغیرهای جمعیت شناختی، بیرجند

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
seyfzadehali@yahoo.com

مقدمه

کلمه فساد از ریشه فرانسوی Corrmption و ریشه لاتینی Rumpere به معنای «شکستن» یا «نقض کردن» گرفته شده است. آن چه شکسته یا نقض می شود می تواند یک «شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری» باشد. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند تباهی، ستم، مال کسی را گرفتن، گزند، زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری ذکر شده است (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

از یک بعد فساد به سه دسته فساد اقتصادی (اعمال و رفتاری غیرقانونی که باعث ازدیاد ثروت و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه می گردد و اختلال در نظم اقتصادی را در پی دارد)، فساد اداری (شامل کم کاری، کاغذبازی، اهمال، دیوان سالاری، سوءاستفاده از قدرت، ارتشاء و اختلاس) و فساد فرهنگی (هر فعل یا ترک فعل که باعث مخدوش کردن یا ایراد صدمه به باورها، ارزش ها و اعتقادات جامعه گردد) قابل تقسیم است (محمدمبئی، ۱۳۸۰: ۲۳).

تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین الملل از فساد اداری عبارت است از: سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (World Bank, 1997: 102). هیدن همیر^۱ سه نوع فساد را از هم متمایز می نماید: ۱- فساد اداری سیاه (عملی که هم از نظر توده مردم و هم از نظر نخبگان سیاسی منفور است و عامل آن باید تنبیه شود، مثل دریافت رشوه برای نادیده گرفتن استاندارد و معیارهای ایمنی در احداث مسکن)؛ ۲- فساد اداری خاکستری (کاری که از نظر اکثر نخبگان منفور است، اما توده مردم در مورد آن بی تفاوت هستند)؛ ۳- فساد اداری سفید (کاری که ظاهراً مخالف قانون است، اما اکثر اعضای جامعه نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی آن را مضر و بااهمیت نمی دانند که خواستار تنبیه عامل آن باشند، مثل چشم پوشی از نقض مقرراتی که در اثر تغییرات اجتماعی، ضرورت خود را از دست داده است) (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۶).

علل اصلی شکل گیری پدیده فساد را می توان به سه گروه تقسیم بندی کرد:

الف) علل فرهنگی و محیطی: در نظام اداری کنونی، انتصاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای رفیق‌بازی و یا رشوه، به صورت امری عادی درآمده و تباری بین افراد متمول، سیاستمداران و عوامل کارگزاران نظام اداری برای عبور از پالایه‌های نظام اداری، یک جریان پذیرفته شده است که نتیجه آن، بروز فساد بویژه در سطح کلان جامعه بوده است.

ب) علل شخصیتی: در تمام کشورها بویژه کشورهای توسعه یافته، برای پست‌های اداری و سازمانی، شرایط احراز معرفی می‌گردد که انتخاب و انتصاب افراد بر مبنای آن شرایط صورت می‌گیرد. در محتوای شرایط احراز موقعیت‌های اداری و دولتی، بخشی به ویژگی‌های شخصیتی مدیر اختصاص داده شده است. علت آن نیز به اهمیت و نقش ویژگی‌های شخصیتی مدیران در رفتارهای سازمانی برمی‌گردد که از خود نشان می‌دهند. چنانچه بر مبنای رفیق‌بازی یا رشوه، فردی برای پستی انتخاب شده است که شرایط آن را نداشته، در اینجا بروز فساد، اجتناب‌ناپذیر است.

ج) علل اداری و سازمانی: یکی از واقعیت‌های نظام اداری کنونی این است که واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیرواقعی و یا غیرضروری مواجه هستند و ابهامات موجود در رویه‌های اداری و استانداردهای جاری کار، امکان هرگونه تصمیم و اقدامات خودسرانه را به کارگزاران آن‌ها می‌دهند. به علاوه، فرایندهای پیچیده و چندلایه امور اداری نیز عامل تشویق مراجعین به پیشنهاد رشوه برای تسریع کار هستند. از طرفی، کمی حقوق کارکنان بخش خدمات اجتماعی هم دلیل کاهش تدریجی مقاومت و عادت بعدی آنان به قبول این پیشنهادها است (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۴۸).

رز اکرم (Rose-Ackerman, 1999: 266) مطرح کرد که اگرچه درجه مردم‌سالاری در توضیح فساد بی‌اهمیت است، ولی هر قدر ساختار مردم‌سالاری در یک کشور نهادینه‌تر شود، فساد کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که فساد به سطح رشد اقتصادی و هم‌چنین سامانه قانونی و حکومتی کشور مرتبط است (Ng, 2006: 822). دوگراف، واخنار و فون مارافیک (۱۳۹۴: ۳۳۲) در رویکردی چندگانه علل فساد را به

سه سطح کلان/ ملی، متوسط/ سازمانی و خرد/ فردی تقسیم‌بندی کرده‌اند. هر یک از این سطوح چندین علت، شرط و متغیر دارد که در جدول ۱ به صورت خلاصه آورده شده است:

جدول (۱) بررسی رویکردی چندگانه علل فساد

علت		ارزش‌های فرهنگی	اقتصاد	سیاسی/ سازمان	سیاست: اطاعت و درست‌کاری	بی‌عدالتی نارضایتی	عوامل دیگر
سطح	کلان/ ملی	فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی	وضعیت اقتصادی	دولت- تجارت- سیاست درست‌کاری	نظام قضایی، قانون و سیاست درست‌کاری	احساس بی‌عدالتی و نارضایتی اجتماعی	جرم
	متوسط/ سازمانی	فرهنگ و ارزش‌های سازمانی	نظام پاداش‌دهی	نظام کنترلی، اختیارات شغلی و رهبری	هنجارها و ضمانت‌های اجرایی رهبری، سیاست درست‌کاری	نارضایتی از نظام پاداش‌دهی سازمان	بخش سیاست‌گذاری
	خرد/ فردی	ارزش‌های شخصی قضاوت اخلاقی	وضعیت مالی شخص	روابط و نوع کار	قضاوت اخلاقی و خطر مجازات	نارضایتی و نداشتن پیشرفت فردی	روحیات

منبع: (دوگراف، واختر و فون مارافیک، ۱۳۹۴: ۳۳۲)

شرایط اساسی برای ظهور فساد اداری عبارتند از:

الف) تمایل: تمایل به ارتکاب تخلف در ذهن عامل آن قرار دارد. تمایل می‌تواند ناشی از عوامل متعددی باشد، این که این عوامل از درون فرد نشأت بگیرد یا از محیط، چندان تفاوتی در نتیجه به وجود نمی‌آورد.

ب) فرصت: برای مبادرت به فساد اداری باید علاوه بر تمایل، فرصت مناسب نیز وجود داشته باشد. چنین فرصتی ممکن است در پی طراحی و تدابیر بلندمدت پیش بیاید و یا ناشی از تصادف باشد. چنان چه تمایل و فرصت اقدام به فساد وجود داشته باشد، فساد متولد خواهد شد و در صورت مهیا بودن سایر شرایط، رشد خواهد کرد (Jones, 1993: 20).

بیان مسأله

فساد پدیده‌ای است که دائماً در حال تغییر است و تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، ساختارهای نهادی و سازمانی، محیط‌های سیاسی و نیز سیاست‌های ساختاری و اقتصادی قرار دارد. داده‌های فساد علاوه بر تعیین کمی، میزان مبالغی که از خزانه ملی ضایع شده و یا مبالغی که از طریق فعالیت‌هایی نظیر رشوه

توسط عموم مردم به دست آمده است، می توانند قسمت های مشکل زایی که نیاز به توجه بیشتر نهادهای پاسخگویی دارند را شناسایی کنند. با این حال، همان گونه که پیش از این بیان شد، فساد یک پدیده پنهان است و شناسایی آن با اعتماد، دقت و یا با استفاده از سطح حداقلی منابع بسیار دشوار است (تراپنل، ۱۳۹۵: ۸).

در این راستا مطالعات فراوانی انجام شده و برخی نهادهای معیارهایی را برای سنجش فساد تهیه کرده اند که بر پایه آن ها کشورها را رتبه بندی می کنند. معروف ترین این شاخص ها در حال حاضر «شاخص ادراک فساد»^۱ است که از سوی سازمان شفافیت بین المللی سالانه منتشر می شود. این شاخص، حاصل نظرسنجی ها و پیمایش های گوناگون و یک شاخص ترکیبی است که بر مبنای داده هایی در ارتباط با فساد محاسبه می شود. این شاخص بر روی فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده و فساد را سوء استفاده بخش عمومی و دستگاه های دولتی از منافع افراد جامعه تعریف می کند. اگر بپذیریم که داده های قابل اعتمادی درباره فساد در ایران وجود ندارد و هنوز دانش کافی برای سنجش فساد نیز در داخل کشور تولید نشده، آنگاه می توانیم استدلال کنیم که سنجش فساد در ایران باید از کلی ترین روش ها آغاز شود. به عبارتی، باید ابتدا از روش هایی آغاز کرد که داده هایی درباره سطح رواج فساد در کل کشور، در سطح سازمان های دولتی و برخی متغیرهای مرتبط با فساد ارائه می کنند. روش های مبتنی بر ادراک و تجربه فساد، بهترین گزینه ها برای اولین مرحله سنجش فساد هستند (عطایی، ۱۳۸۹: ۳۳).

پیمایش ادراک از فساد اداری مبتنی بر نظرسنجی از مردم و گروه های مختلف و سنجش نظرات ایشان^۲ درباره میزان فساد رایج در نهادها یا کل جامعه است. این گونه اندازه گیری غالباً با استفاده از پرسش نامه و در نمونه های بزرگ انجام و از انواع روش های نمونه گیری برای تضمین معرف بودن داده ها، استفاده می شود. هدف از این سنجش ها، بررسی تغییرات نگرش های مردم و نخبگان در یک بازه زمانی، شناخت درک مردم و نخبگان از کارایی دولت و سطح وقوع فساد، شناخت نهادها یا عرصه هایی که بیشترین

1. Corruption Perceptions Index (CPI)

2. Perception surveys

فساد در آن‌ها رخ می‌دهد، شناخت میزان حمایت مردم از برنامه‌های ضد فساد، شناخت اقداماتی که مردم آن‌ها را فساد یا مهم‌ترین صورت‌های فساد تعریف می‌کنند، ارائه معیارهایی برای رده‌بندی کشورها در زمینه‌ی فساد و کمک به سیاست‌گذاری برای مبارزه با فساد است (تراپنل، ۱۳۹۵: ۳۶).

در واقع روش پیمایش در بررسی نگرش و ارزیابی مردم، کارکنان، صاحب‌نظران و ذی‌نفعان از وضعیت سلامت اداری - مالی دستگاه یا سازمان (با شاخص‌های ادراک فساد، تجربه‌ی فساد و ارزیابی کارنامه)، کاربرد دارد (سیف‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۵).

تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که اندازه‌گیری فساد، نقش بسیار مهمی در طراحی برنامه‌های مبارزه با فساد داشته است. لذا لازم است از طریق سنجش فساد و بالأخص مشخص کردن کانون‌های عمده فساد، راه‌هایی برای مبارزه با آن یافت، چرا که فساد به دلیل نقشی که در ممانعت از توسعه، برهم زدن نظم اخلاقی و زایل کردن مشروعیت دولت دارد، باید در کانون توجه قرار گیرد. سنجش فساد نیز از آن جهت که راهبردهای مبارزه را تا اندازه‌ای مشخص می‌کند از اهمیت زیادی برخوردار است (همایونی، ۱۳۸۸: ۱).

در این مقاله ادراک شهروندان ۱۸ سال و بالاتر بیرجندی از فساد اداری و متغیرهای جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن بررسی می‌شود. در واقع مسأله اصلی این است که شهروندان بیرجندی چه ادراکی از فساد اداری دارند و متغیرهای جمعیت‌شناختی مؤثر بر این ادراک کدامند؟ پرداختن به این مسأله از این جهت دارای اهمیت است که مطالعات زیادی پیرامون فساد و عوامل مؤثر در سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف انجام گرفته است، ولی در خصوص ادراک از فساد اداری شهروندان بیرجندی و عوامل مؤثر بر آن، تحقیقی انجام نگرفته و بیشتر بررسی‌ها متمرکز بر خود شاخص ادراک از فساد و نحوه سنجش، معایب و مزایای این روش است.

لازم به ذکر است که وقتی از فساد ادراک شده سخن می‌گوییم، همیشه این احتمال وجود دارد که عواملی غیرواقعی در شکل‌گیری ادراک مردم در باب یک پدیده تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر، فساد ادراک شده حاصل نوعی نظرسنجی است نه واقعیت‌سنجی.

در واقع، هر چند که تحقیقات اخیر نشان داده است که شکاف بین ادراک فساد و فساد واقعی می‌تواند حتی بیشتر از حدی باشد که انتظار می‌رود، «... استفاده از شاخص ادراک فساد به عنوان یک اقدام تجربی ممکن است مشکل‌آفرین‌تر از آن‌چه باشد که در ادبیات موجود در این زمینه بیان شده است» (Donchev & Ujhelyi, 2007: 240). ضرورت تکیه به عوامل ذهنی به خاطر فقدان منابع بهتر نمی‌تواند این واقعیت را پنهان کند که حتی بهترین نظرسنجی مبتنی بر ادراک نیز دارای یک حاشیه خطای بالقوه بسیار وسیع است، به خصوص هنگامی که با فساد واقعی مقایسه می‌شود (Bertrand & Mullainathan, 2001: 68).

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان به پژوهش‌های ذیل در خصوص فساد اداری و نحوه سنجش آن‌ها اشاره کرد. امیری، نرگسیان و بحری رودپشتی (۱۳۹۴: ۶۵) در پژوهشی به سنجش سلامت و فساد اداری در شهرداری تهران پرداخته‌اند. روش تحقیق این پژوهش، از نوع تحقیق کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی-پیمایشی است. اطلاعات به دست آمده از طریق پرسش‌نامه‌های توزیع شده در چهار گروه کارکنان با حجم نمونه‌ی ۱۸۰ تایی، خبرگان با نمونه‌ی ۲۵ تایی، شهروندان با نمونه‌ی ۳۸۴ نفری و ارباب رجوع با نمونه‌ی ۱۵ نفری در معاونت شهرسازی و معماری شهرداری منطقه ۷ بوده و بیانگر این است که نمره سلامت جامع شهرداری تهران در حدود نمره ۰/۵ بوده و شهرداری در بعد فساد به شدت دچار مشکل است. این در حالی است که با توجه به الگوی سلامت جامع، مؤلفه‌های سلامت در شهرداری تهران در وضعیتی به مراتب بالاتر از حد انتظار قرار دارد.

حسن دوست‌فرخانی، و یزدان‌پناه (۱۳۹۲: ۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود نگرش نسبت به فساد اداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن را با تأکید بر سرمایه اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان بررسی کرده است. در این پایان‌نامه سعی شده تا نگرش دانشجویان به عنوان تنها قشری که بالقوه دارای قابلیت کسب موقعیت‌های مختلف اداری و سازمانی در آینده نزدیک را دارند، به پدیده فساد اداری بررسی شود و خاصه عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر این مسئله اجتماعی، مورد

شناسایی و بررسی قرار گیرد. نتایج این تحقیق که از یک نمونه ۴۰۶ نفری، به صورت نمونه گیری طبقه ای نظام مند و از طریق فرمول کوکران از جامعه آماری ۱۵۲۱۵ نفری دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انتخاب شده اند، نشان می دهد که از میان متغیرهای مستقل، عدم تناسب بین اهداف و وسایل، تعلق اجتماعی، تعهد اجتماعی، وضعیت تأهل، ناکامی منزلتی، سرمایه اجتماعی و خود پنداره پاسخگویان، بیشترین پیش بینی را در متغیر وابسته داشته است.

حقیقتیان و سیف زاده (۱۳۹۴: ۵۳) در مقاله ای رابطه بین مشخصه های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ادراک از فساد جوانان تهرانی را بررسی کرده اند. در این پژوهش، از روش پیمایشی و از ابزار پرسش نامه بهره گرفته شده است. جامعه (جمعیت) آماری تحقیق کلیه جوانان شهر تهران می باشند. هم چنین از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده و حجم نمونه ۲۶۹۰ نفر می باشد. نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که بین جنسیت، وضع تأهل و سطح تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد، تفاوت معنی داری وجود دارد، ولی بین سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد، رابطه معنی داری وجود ندارد.

حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱: ۱۰۱) در مقاله ای به مقایسه ادراکات، تجربیات و نگرش های کارکنان زن و مرد نسبت به فساد/ سلامت اداری پرداخته اند. هدف اصلی این مقاله، پاسخ به این پرسش است که آیا جنسیت با فساد اداری رابطه ای دارد یا خیر؟ تعداد نمونه مورد بررسی ۵۳۴ نفر بوده که ۴۵/۵٪ زن و ۵۴/۵٪ مرد بودند. نتایج حاصله در اکثر متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معناداری بین ادراکات و نگرش های زنان و مردان کارمند نشان نمی دهد، اما در برخی موارد مهم، تفاوت هایی به چشم می خورد. زنان تأثیر فساد بر عرصه های مختلف زندگی را بیش از مردان می دانند، تجربه فساد زنان کم تر از مردان است. زنان میزان آلوده شدن سازمان ها، نهادها، بخش ها و فعالیت ها به فساد را بیش از مردان ارزیابی کرده اند.

رضایی، نثاری و حسن آبادی (۱۳۹۰: ۸۸) در مقاله ای به بررسی به کارگیری هوش

تجاری به منظور کشف فساد اداری در راستای تحقق جهاد اقتصادی (با تأکید بر نقش نیروی انتظامی) پرداخته‌اند. در این تحقیق، به منظور تحلیل ریشه‌های فساد اداری و سازمانی از هوش تجاری در قالب یک الگوی پردازشگر اطلاعات استفاده شده است. نتایج الگو نشان می‌دهد که برای مبارزه و کنترل فساد اداری، هیچ رویکرد واحدی نمی‌تواند به طرز کارآمد از عهده مشکل برآید، بلکه ترکیبی از رویکردهای بازدارنده و ترمیمی آشکارا مورد نیاز است و موفقیت هرگونه ابتکار حقوقی، منوط به وجود یک اراده قوی سیاسی و اجتماعی و نقش مؤثر قوه قضاییه و نیروی انتظامی در برخورد با عوامل فساد است.

بیابانی و گزمه (۱۳۹۴: ۲) در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی فساد اداری به بررسی فساد اداری و راهکارهای مقابله با آن پرداخته‌اند. در این مقاله، آورده شده که فساد پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است و اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه‌های مختلف دارد و گاهی مواقع، مترادف رشوه تعریف و به عنوان یکی از معضلات جامعه محسوب می‌شود. وجود این معضل در جامعه، در صورت عدم رسیدگی به آن، آستانه‌ی تحریک افراد را بالا می‌برد. فساد در بیشتر کشورها وجود داشته و ریشه تاریخی دارد. از آن جا که فساد عملی مخفیانه بوده و به سختی می‌توان با روش‌های عادی آن را تشخیص داد، لذا حذف آن نیاز به تلاش مستمر و اصلاح برخی سامانه اداری دارد. به طور کلی مردم ممکن است خشونت و بدرفتاری کارگزاران را به لحاظ نوع و ماهیت کار توجیه نمایند، اما فساد را هرگز. بر این اساس، هیچ کس از چنین اوضاعی دفاع نمی‌کند. ولی با این حال، باید پذیرفت که مدیریت بر وجود سوء رفتارها و میزان آن در سازمان، تأثیر دارد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. از پیمایش می‌توان برای طیف متفاوتی از پاسخ‌دهندگان نظیر شهروندان، شرکت‌ها و مقامات دولتی استفاده نمود. نظرسنجی برای جمع‌آوری تجارب و ادراکات پاسخ‌دهندگان در

حوزه‌های مورد توجه در داخل بخش دولتی و سامانه‌های حکمرانی مفید است. با این وجود نظرسنجی اغلب پرهزینه است و نیاز به نیروی انسانی بسیاری دارد و برای نمونه‌گیری و روایی سنجی^۱ آن، مشکلات فنی وجود دارد، بویژه آن که حاشیه خطا می‌بایست اندازه‌گیری شود، تا کاربران از صحت داده‌ها اطلاع یابند (تراپنل، ۱۳۹۵: ۳۶). جامعه (جمعیت) آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر بیرجند بوده‌اند. هم‌چنین از روش نمونه‌گیری ترکیبی خوشه‌ای- تصادفی استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری، یک نمونه تصادفی از گروه‌ها یا خوشه‌هایی از افراد و نه واحدهای منفرد گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، واحدهای نمونه‌گیری خوشه‌هایی هستند نظیر خانواده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، حوزه‌های شهری، دهکده‌ها و غیره. در این تحقیق، نگارنده فهرستی از خوشه‌ها را تهیه کرده و به روش تصادفی از بین آن‌ها، نمونه انتخاب و سپس افرادی که در هر یک از خوشه‌ها قرار دارند، مطالعه شده‌اند.

حجم نمونه تحقیق ۱۹۷ نفر می‌باشد. برای سنجش ادراک از فساد، از پرسش‌نامه محقق ساخته و برای محاسبه شاخص ادراک از فساد، متغیرها از طریق نمره دادن به متغیر فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. به این معنی که مثلاً برای گویه‌های (مثبت) سنجش ادراک از فساد از ۵ تا ۱ و برای گویه‌های منفی نیز بر عکس از ۱ تا ۵ نمره داده شده است و در مجموع، نمره‌ها با هم جمع شده و شاخص ادراک از فساد محاسبه شده است. هم‌چنین برای سنجش از اعتبار محتوا استفاده شده، به این صورت که با استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران، سؤالات پرسش‌نامه طراحی و تدوین شده است. در مرحله بعد، سؤالات و گویه‌های مبهم حذف و دیگر تغییرات شکلی و محتوایی لازم برای افزایش یافتن اعتبار سؤالات انجام گردیده است. برای محاسبه پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که میانگین آلفای کل پرسش‌نامه ۰/۷۷ بوده و نشانگر پایایی بالای ابزار سنجش می‌باشد.

در واقع، نگرش به فساد و ادراک آن به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق قلمداد می‌شود که بر اساس دیدگاه نظری نگرش، نظامی با دوام است که شامل یک عنصر

شناختی، احساسی و یک تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع، خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع را شامل می‌شود. مؤلفه شناختی نیز شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع، نگرش خاص دارد شامل دانش و اطلاعات و حقایق. (حسن دوست فرخانی و یزدان پناه، ۱۳۹۲: ۹۹).

وضعیت تحلیل عاملی مقیاس‌های مورد بررسی با توجه به آماره KMO که بیشتر از ۰/۵ است و آزمون کرویت ماتریس همبستگی بارتلت که واحد بودن ماتریس و در نتیجه مستقل بودن متغیرهای وارد شده در تحلیل را نسبت به هم، از لحاظ آماری معنی‌دار نشان می‌دهد و واریانس مشترک همه متغیرها که نشان‌دهنده سهم هر یک از متغیر در عامل‌هاست بیش از ۰/۳ بوده و از این رو، می‌توان اعتبار سازه متغیرهای مورد بررسی را مناسب دانست.

جدول ۲) بررسی مقدار آلفای کرونباخ ابعاد فساد اداری

ابعاد	مقدار آلفای کرونباخ
شناختی	۰/۷۶
عاطفی	۰/۸۱
تمایل به رفتار	۰/۷۵
میانگین	۰/۷۷

نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های آماری تی مستقل (T) و تحلیل واریانس (F) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

شاخص ادراک فساد (CPI) بر روی فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده و فساد را سوء استفاده بخش عمومی و دستگاه‌های دولتی از منافع افراد جامعه تعریف می‌کند. از عوامل مؤثر بر ادراک از فساد را می‌توان به متغیر جنس اشاره کرد.

یکی از متغیرهای کلیدی که تقریباً در بیشتر تحقیقات مورد سنجش قرار می‌گیرد، جنسیت است. فساد با محدود کردن توانایی‌های زنان و اخلال در مسیر پیشرفت و به سمت برابری جنسیتی، توانایی‌های آنان را برای پیگیری از حقوقشان، کاهش می‌دهد. شواهد درباره این که آیا زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به فساد دارند یا نه، به اندازه کافی قاطع نیست و نمی‌تواند پاسخی قطعی به این سؤال داد (حسینی هاشم‌زاده و حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

در مورد کم بودن فساد زنان نیز دو فرضیه وجود دارد. فرضیه اول این که، دقت و مسئولیت‌پذیری بالای زنان و پیروی از قانون در میان آن‌ها می‌تواند خود جزو عوامل کاهش وقوع فساد باشد. فرضیه دیگر عدم خطرپذیری زنان است، یعنی زنان از ترس قانون و از دست دادن موقعیت‌های اداری و اجتماعی خود به فساد دست نمی‌زنند (تدریسی، ۱۳۹۱: ۱). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین جنسیت پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان زن، بیش از مردان می‌باشد. بنابراین بر اساس داده‌های جدول ۳، فرضیه وجود تفاوت بین جنسیت پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تأیید می‌شود.

جدول ۳) بررسی ادراک از فساد برحسب جنسیت پاسخگویان

		فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون تی	سطح معنی داری
ادراک از فساد اداری	مرد	۱۰۳	۱۰۲/۳۲۱۴	۱۹/۰۴۱۹	۱/۴۵۳	۰/۰۳۹
	زن	۶۲	۱۱۸/۹۳۳۳	۲۲/۴۸۸۵		

در تحقیقات انجام یافته عامل تأهل نیز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ادراک از فساد در نظر گرفته شده که بر اساس این تحقیقات می‌توان گفت، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد دارای ادراک از فساد بیشتری می‌باشند. «به هر روی، با توجه به نتایجی که در رابطه بین رده‌های سنی و اطاعت از قانون به دست آمده، باید گفت که مجردها با توجه به این که در سنین جوانی به سر می‌برند بیشتر از افراد متأهل دارای ادراک از فساد بیشتری می‌باشند و تأثیر وضعیت تأهل بر ادراک از فساد را می‌توان، بر اساس اصل پیوند اجتماعی توضیح داد» (محسنی، ۱۳۷۸: ۳۰).

مطابق جدول ۴، بین وضع تأهل پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد، تفاوت معنی داری وجود ندارد. به این معنی که ادراک از فساد اداری پاسخگویان مجرد و متأهل، تقریباً یکسان بوده و بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین وضع تأهل پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، رد می‌شود.

جدول ۴) بررسی ادراک از فساد برحسب وضع تأهل پاسخگویان

سطح معنی داری	آزمون تی	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	وضع تأهل	
۰/۷۷۲	۰/۲۹۰	۲۰/۲۰۴۸	۱۰۶/۳۴۴۸	۱۰۷	متأهل	ادراک از فساد اداری
		۱۸/۰۴۸۳	۱۰۰/۲۰۰۰	۵۸	مجرد	

سومین متغیر مورد بررسی در این تحقیق، متغیر سن و تأثیر آن روی ادراک از فساد می‌باشد. در حقیقت بین سن و ادراک از فساد، رابطه‌ی معناداری در تحقیقات مختلف مشاهده می‌شود. به این معنا که گروه‌های کم سن و سال یا نوجوانان و جوانان، بیش از سایر گروه‌های سنی رفتارهای نابهنجار دارند یا از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تخطی می‌کنند. هر چه سن افراد بالاتر می‌رود ادراک از فساد آن‌ها، بیشتر می‌شود. به تعبیر دیگر، با بالا رفتن سن، افراد قانون‌مدارتر می‌شوند (علی بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰). مطابق جدول ۵، بین سن پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد، رابطه معنی داری وجود ندارد. به این معنی که ادراک از فساد اداری گروه‌های سنی مختلف، تقریباً یکسان می‌باشد. بنابراین فرضیه وجود رابطه بین سن پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، رد می‌شود.

جدول ۵) بررسی ادراک از فساد برحسب سن پاسخگویان

سن	متغیرها	
۰/۱۰۷-	همبستگی پیرسون	ادراک از فساد اداری
۰/۴۹۱	سطح معنی داری	
۱۶۵	فراوانی	

بر اساس تئوری کرچ، کرچفیلد و بالاکي^۱ هرچه تحصیلات بالاتر باشد، یعنی نگرش فرد بر خلاف، منفی تر می گردد (زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۱: ۶۰) البته نتایج پژوهش حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱) نشانگر آن است که پاسخگویان در سطوح مختلف تحصیلی، ادراک نسبتاً مشابهی از فساد دارند. نتایج تحقیق احمدی و ابراهیمی (۱۳۹۱) با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به رفتارهای بزهکارانه (مطالعه موردی: شهر گرگان)" نشان می دهد که موافق ترین نگرش به رفتار بزهکارانه، مربوط به افرادی است که تحصیلات آن ها در حد ابتدایی می باشد.

داده های تحقیق جدول ۶ بیانگر آن است که بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری، تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان کارشناسی ارشد و دکتری، بیش از سایر پاسخگویان می باشد. بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری، تأیید می شود.

جدول ۶) بررسی ادراک از فساد بر حسب تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تحلیل واریانس	سطح معنی داری
زیر دیپلم	۵	۹۲/۶۶۶۷	۱۶/۷۰۵۲	۴/۴۸۶	۰/۰۰۵
دیپلم	۳۹	۱۰۴/۸۵۷۱	۱۴/۳۱۱۱		
کاردانی و کارشناسی	۱۰۷	۱۰۴/۲۶۹۲	۲۱/۰۶۶۷		
کارشناسی ارشد و دکتری	۱۴	۱۱۷/۲۰۰۱	۱۵/۸۰۱۹		
ادراک از فساد اداری					

مطابق نتایج تحقیق حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱) پاسخگویان در پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، متوسط و بالا ادراک مشابهی از فساد دارند و ورود این متغیر، تأثیر قابل ملاحظه ای بر رابطه جنسیت با ادراک فساد ندارد. یافته های پژوهش حاضر نشانگر آن است که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری، تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی در حد متوسط، بیش از سایر پاسخگویان می باشد. یافته های جدول ۷ حاکی از آن است که فرضیه وجود تفاوت بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی

پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تأیید می‌شود.

جدول ۷) بررسی ادراک از فساد برحسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان

سطح معنی داری	تحلیل واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی		
۰/۰۲۹	۳/۶۳۴	۱/۱۴۹	۱۰۵/۲۶	۷۱	پایین	ادراک از فساد اداری
		۱/۱۸۱	۱۰۶/۴۰	۶۱	متوسط	
		۱/۴۴۸	۱۰۶/۰۶	۳۲	بالا	

بحث و نتیجه گیری

ادراک فساد به عنوان یک شاخص غیرمستقیم^۱ برای فساد در نظر گرفته می‌شود. اندازه گیری سطوح واقعی فساد و یا وسعت اقدامات مفسدانه بسیار دشوار است. بسیاری از مجموعه‌های داده‌ای از شاخص‌های غیرمستقیم استفاده می‌کنند که جایگزین ابزارهایی از اندازه گیری به شمار می‌روند که مستقیم‌تر اما غیرقابل دسترس می‌باشند. داده‌های ادراکی شامل نظرات عموم شهروندان، صاحبان کسب و کار و یا متخصصان موضوعات مختلف است. این داده‌ها هم چنین در صورتی که داده‌های اداری در دسترس نباشند مفید خواهند بود، نظیر کیفیت مدیریت عمومی^۲ (دولتی) یا دولت‌ها. داده‌های ادراکی معمولاً از طریق نظرسنجی به دست می‌آیند که یک روش ارزان برای جمع‌آوری داده به شمار می‌رود، بویژه اگر نظرسنجی‌ها به صورت پیوسته از طریق پست الکترونیکی و یا تلفن انجام شوند. با این حال، نظرسنجی‌های ادراکی نیازمند صلاحیت فنی هستند تا این اطمینان حاصل شود که داده‌ها، نشان‌دهنده گروه‌های مورد مطالعه می‌باشند (مانند نمونه‌گیری) و این که اندازه نمونه‌ها به قدر کافی بزرگ هستند تا حاشیه خطا کاهش یابد. داده‌های ادراکی معمولاً اولین گام در شناسایی حوزه‌ای است که می‌بایست به آن تمرکز نمود تا اکتشافات بعدی میسر شوند (تراپنل، ۱۳۹۵: ۳۴).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین جنسیت پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد

1. Proxy indicator

2. Public administration

اداری تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان زن، بیش از مردان می باشد. بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین جنسیت پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری، تأیید می شود.

معدود مطالعاتی که در دنیا رابطه جنسیت و فساد را مطالعه کرده اند، به نتایج متفاوتی دست یافته اند که جمع بندی در این زمینه را با مشکل مواجه می کند و نمی توان با قاطعیت نتیجه گرفت که زنان فی نفسه به دلیل زن بودنشان از مردان سالم تر بوده و کمتر درگیر فساد می شوند. مطابق یافته های تحقیق حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱) زنان تأثیر فساد را بر عرصه های مختلف زندگی بیش از مردان می دانند و تجربه فسادشان کم تر از مردان است. زنان مراتب و میزان بیشتری از فساد را مشاهده می کنند و بیشتر احساس می کنند که زندگی شان تحت تأثیر فساد قرار دارد و در همه جای دنیا مدارا با فساد در زنان، کمتر از مردان است. هم چنین نتایج تحقیق حقیقتیان، کریمی زاده و نظری (۱۳۹۱) نشان می دهد که فساد در میان زنان و مردان یکسان است. لازم به ذکر است که اگر زنان جامعه برای طراحی و پیاده سازی استراتژی های ضد فساد در سطح جامعه، سازمان دهی شوند یک حکمرانی حساس به جنسیت توسط آنان پایه ریزی خواهد شد و این بهبود ارائه خدمات، افزایش عدالت اجتماعی و کاهش سطوح فساد را به ارمغان خواهد آورد (تراپنل، ۱۳۹۵: ۳۴).

بررسی فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین وضع تأهل پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری نشان می دهد که بین وضع تأهل پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد اداری تفاوت معنی داری وجود ندارد، به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان مجرد و متأهل یکسان می باشد؛ بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین وضع تأهل پاسخگویان و ادراک آن ها از فساد رد می شود؛ بنابراین نتایج تحقیق مطابق با یافته های پژوهش حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱) است، نتایج تحقیق آن ها حکایت از این دارد که در شرایط مساوی (کنترل تأثیر تأهل) همان همبستگی بین جنسیت و ادراک از فساد برقرار است، به بیان دیگر وضعیت تأهل تأثیر قابل ملاحظه ای بر ادراک از فساد نداشته، هر چند تعداد کارکنان متأهل چهار برابر تعداد کارکنان مجرد بوده است.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین سن شهروندان و ادراک آن‌ها از فساد اداری رابطه معنی‌داری وجود ندارد، به این معنی که ادراک از فساد گروه‌های سنی مختلف تقریباً یکسان می‌باشد؛ بنابراین فرضیه وجود رابطه بین سن پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد رد می‌شود. این نتایج با یافته‌های حسینی هاشم زاده و حبیبی (۱۳۹۱) همخوانی داشته و آن‌ها نیز به این نتیجه رسیده بودند که با افزایش یا کاهش سن، ادراک پاسخگویان از فساد چندان تغییری نمی‌کند. هم‌چنین با نتایج تحقیق حقیقتیان، کریمی زاده و نظری (۱۳۹۱) مطابقت ندارد، چرا که یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که هرچه سن بالاتر می‌رود، میزان فساد رو به کاهش است. بررسی نتایج فرضیه چهارم بیانگر آن است که بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان کارشناسی ارشد و دکتری، بیش از سایر پاسخگویان می‌باشد. بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد، تأیید می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش حسینی هاشم‌زاده و حبیبی (۱۳۹۱) همخوانی ندارد. در این تحقیق پاسخگویان در سطوح مختلف تحصیلی ادراک نسبتاً مشابهی از فساد دارند. داده‌های تحقیق در خصوص فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد اداری، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان پایگاه اقتصادی-اجتماعی در حد متوسط، بیش از سایر پاسخگویان می‌باشد. بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد، تأیید می‌شود. این یافته نیز با نتایج تحقیق حسینی هاشم‌زاده و حبیبی (۱۳۹۱) مطابقت ندارد، به گونه‌ای که طبق این پژوهش زنان و مردان در پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، متوسط و بالا ادراک مشابهی از فساد دارند و ورود این متغیر، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رابطه جنسیت با ادراک فساد ندارد. در مجموع می‌توان گفت که متأسفانه بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که پدیده فساد، بیش از همه در میان کشورهای فقیر در حال توسعه رواج دارد و مانعی عمده بر سر راه توسعه در این کشورهاست. ایران کشوری در حال توسعه و به لحاظ مشخصاتی

که برای کشورهای مستعد فساد برشمرده شده، در زمره محیط‌های مناسب برای بروز فساد است.

با عنایت به نتایج تحقیق که ادراک از فساد زنان بیش از مردان است، می‌توان گفت که این تفاوت‌ها، اختلاف‌های دائمی بین دو جنسیت نیست، بلکه به دلایل مختلفی چون جامعه‌پذیری متفاوت زنان، دسترسی متفاوت به شبکه‌های فساد و آگاهی آن‌ها در این مورد می‌باشد. بنابراین همان‌طور که تحقیقات قبلی نیز تأکید کرده‌اند، در برخی از کشورها سه راهبرد اصلی برای به کارگیری زنان در عرصه‌های عمومی به کار گرفته شده است که می‌توان پس از بازنگری، آن‌ها را در کشور خودمان نیز به کار بست: ۱- ایجاد و تقویت ساز و کارهای نظارتی با مشارکت زنان ۲- افزایش حضور و مشارکت زنان در مناصب و مشاغل تصمیم‌گیرنده (حسینی هاشم‌زاده و حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۱۸) بنابراین مشارکت زنان در ساز و کارهای نظارتی یک راه مؤثری است که می‌توان مطمئن شد، صدای آن‌ها شنیده می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق که بین سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان و ادراک آن‌ها از فساد، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، در این خصوص توجه به این اصل ضروری است که استفاده از فناوری‌های ارتباطی برای افشای فساد می‌تواند در افزایش ادراک از فساد مؤثر باشد. امروزه یکی از سریع‌ترین راه‌های اعلام موارد فساد، تلفن و اینترنت می‌باشد که در این خصوص، ادارات کل استانی سازمان بازرسی نیز اطلاعات و شکایات مردم را به شیوه‌های مختلف اینترنتی، سامانه تلفنی ۱۳۶، مراجعه حضوری و ... دریافت می‌نمایند که لازم است اطلاع‌رسانی کافی به مردم صورت گیرد تا در صورت مشاهده و بروز فساد در اسرع وقت، آن‌ها را اعلام نمایند.

پایین بودن میانگین ادراک از فساد پاسخگویان با تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم ایجاب می‌کند که برای اطلاع و آگاه‌سازی مردم از مصادیق نمونه‌های فساد و نحوه اعلام موارد تخلف، اطلاع‌رسانی کافی و بدون بررسی انجام گیرد تا افراد جامعه از آسیب‌هایی که در قبال فساد اداری اتفاق خواهد افتاد، آگاه شوند. بنابراین افزایش آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای فساد، تغییر باور مردم و اعتلای فرهنگی جامعه از طریق رسانه‌های همگانی،

نهادهای مذهبی، نهادهای مدنی و ... ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در زمینه ی اعلام موارد فساد لازم است که نظام خانواده، آموزش و پرورش و رسانه های جمعی در نهادینه کردن فرهنگ منفعت عمومی بر منافع شخصی در حوزه های مختلف، نهایت تلاش و کوشش لازم را انجام دهند.

به لحاظ روشی نیز موارد زیر پیشنهاد می گردد: ۱- توجه به ضرورت طراحی شاخص های ملی سنجش ادراک از فساد ۲- تلاش برای طراحی شاخص های ملی سنجش ادراک از فساد ۳- توجه جدی به مشارکت دادن صاحب نظران و متخصصان در طراحی این شاخص ها.

توجه به این نکته ضروری است که داده های ادراکی منعکس کننده نظرات افراد هستند و می توانند به صورت مستقل با افزایش و یا کاهش همراه باشند و سطوح و یا گستره متفاوتی از فساد در کشور را نشان دهند. ادراک شاهد و یا مدرکی دال بر فساد نیست، بلکه آن تفکر و احساس مردم را در ارتباط با فساد نشان می دهد. به همین دلیل، ادراک لزوماً یک ابزار اندازه گیری دقیق برای سنجش فساد واقعی به شمار نمی رود. بنابراین پیشنهاد می شود که در تحقیقات بعدی در کنار این روش، از روش های غیر پیمایشی نیز برای سنجش میزان فساد اداری بهره گرفته شود.

منابع

- احمدی، حبیب؛ ابراهیمی، میترا (۱۳۹۱). "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به رفتارهای بزهکارانه (مطالعه موردی: شهر گرگان)". *پویندگان حق*، سال هفتم، ش ۲۶ (تابستان): ۹-۵۰.
- افضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). "فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت". *مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری*، سال بیست و هشتم، ش ۴۵ (خرداد): ۲۳۵-۲۶۴.
- امیری، مجتبی؛ نرگسیان، عباس؛ بحری رودپشتی، الناز (۱۳۹۴). "سنجش سلامت و فساد اداری در شهرداری تهران". *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال چهارم، ش

۱۵ (زمستان): ۶۵-۹۶.

- بیابانی، غلامحسین؛ گزمه، علیرضا (۱۳۹۴). "آسیب شناسی فساد اداری و راهکارهای مقابله با آن". *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سیستان و بلوچستان*، دوره ششم، ش ۱۴ (بهار): ۱-۲۱.

- تدریسی، شیما (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر جنسیت بر فساد اداری (مطالعه ی موردی: بیمارستان بهمن تهران)". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- تراپنل، استفان (۱۳۹۵). *شاخص های اندازه گیری فساد و ضد فساد*. ترجمه علی سیف زاده. تهران: سازمان بازرسی کل کشور، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری.

- حبیبی، نادر (۱۳۷۵). *فساد اداری (عوامل مؤثر و روش های مبارزه)*. تهران: وثقی.
- حسن دوست فرخانی، هادی؛ یزدان پناه، لیلی (۱۳۹۲). "بررسی نگرش به فساد اداری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی". *فصلنامه راهبرد توسعه*، سال نهم، ش ۳۴ (تابستان): ۸۰-۹۹.

- حسینی هاشم زاده، داود؛ حبیبی، لیلی (۱۳۹۱). "مقایسه ادراکات، تجربیات و نگرش های کارکنان زن و مرد نسبت به فساد اداری". *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال اول، ش ۳ (زمستان): ۱۰۱-۱۱۹.

- حقیقتیان، منصور؛ کریمی زاده، سمیه؛ نظری، جواد (۱۳۹۱). "بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری (مورد مطالعه: سازمان های اداری شهر یزد)". *نشریه جامعه شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، ش ۴۸ (زمستان): ۱۲۵-۱۴۳.

- حقیقتیان، منصور؛ سیف زاده، علی (۱۳۹۴). "مشخصه های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ادراک از فساد جوانان تهرانی". *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*، سال ششم، ش ۱۹ (پاییز): ۵۳-۸۰.

- دوگراف، خیالت؛ واخنا، پیترو؛ فون مارافیک، پتریک (۱۳۹۴). *چشم اندازهای نظری فساد*. ترجمه هانیه هژیرالساداتی و دیگران. تهران: آگاه.

- رضایی، ایمان؛ نثاری، خلیل؛ حسن آبادی، مرتضی (۱۳۹۰). "به کارگیری هوش تجاری به منظور کشف فساد اداری در راستای تحقق جهاد اقتصادی (با تأکید بر نقش نیروی انتظامی)". فصلنامه علمی - ترویجی کارآگاه، سال چهارم، ش ۱۴ (بهار): ۸۸-۱۰۷.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- زاهدی اصل، محمد؛ لطفی، شورش (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری نگرش جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال به مواد اعتیادآور". فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، سال بیست و یک، ش ۵۸ (پاییز): ۳۴-۶۰.

- سیف زاده، علی (۱۳۹۳). "بررسی کاربرد روش پیمایش در سنجش سلامت اداری". فصلنامه دانش ارزیابی، سازمان بازرسی کل کشور، سال ششم، ش ۲۰ (تابستان): ۸۵-۱۰۹.

- عطایی، امید (۱۳۸۹). "شاخص های ادراک فساد و راهکارهای اجرای آن". در: مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری. زیر نظر شورای دستگاه های نظارتی کشور. تهران: زمان نو: ۱۸۳-۲۱۴.

- علی بابایی، یحیی؛ فیروزجانیان، علی اصغر (۱۳۸۸). "تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر قانون گریزی". فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۴۵ (زمستان): ۷-۵۸.

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۸). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران در قانون گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

- محمدنبی، حسین (۱۳۸۰). فساد اداری و مبارزه با آن از نظر سازمان ملل متحد. تهران: وکالت.

- همایونی، غلامحسین (۱۳۸۸). "روش های سنجش فساد". ماهنامه گزارش پژوهشی، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری سازمان بازرسی کل کشور، سال دوم، ش ۷ (خرداد): ۱-۷۰.

- Bertrand, M.; Mullainathan, S. (2001). "Do People Mean what they say?: Implications for subjective survey Data".

American Econmic Review, Vol. 91, No. 2: 67-72.

- Donchev, D.; Ujhelyi, G. (2007). *Do Corruption Indices measure Corruption?*. Economics Deparment, Harvard University .Working Paper: 231-251.
- Jones, Peter (1993). *Combating Fraud & corruption in the public sector*. London: chapman & Hall press.
- Ng, D. (2006). "The impact of corruption on financial markets". *Managerial Finance*, Vol. 32, No. 10: 822-836.
- Rose -Ackerman, S. (1999). *Corruption and Government: Causes, Concequences, and Reform*. Cambridge: Cambridge University Press.
- World Bank (1997). *World Development Report*. Washington: Oxford University Press.

مطالعه جامعه شناختی شاخص های احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲۷

محمدحسن شربتیان^۱

پویا طوافی^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر مطالعه تطبیقی شاخص بهزیستی اجتماعی شهروندان مشهد در سال ۱۳۹۴ بوده است. چارچوب نظری با تأکید بر اندیشه کییز مورد مطالعه قرار گرفته شده است. روش شناسی این تحقیق پیمایشی و توصیفی بوده است. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله ساکن در سه منطقه بالا، پایین و متوسط شهری در شهر مشهد است که حجم نمونه طبق فرمول کوکران کمی ۶۶۰ نفر و افراد به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده اند. ابزار گردآوری، پرسش نامه استاندارد شده کییز است و میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۸٪ به دست آمد. بخشی از نتایج نشان داده که میزان مجموع احساس بهره مندی شهروندان از بهزیستی اجتماعی در این مناطق یاد شده برابر با ۴۸/۲٪ بوده است. هم چنین بیشترین مقدار میانگین متغیر وابسته در بین شهروندان مناطق بالا شهری (مناطق ۱، ۹ و ۱۱) در ابعاد پذیرش اجتماعی (۳/۹۱) و شکوفایی اجتماعی (۳/۸۷) بوده است. بیشترین میانگین برای مناطق پایین شهری (مناطق ۳، ۵ و ۶) مربوط به ابعاد مشارکت اجتماعی (۴/۲۱) و انسجام اجتماعی (۴/۱۲) و در مناطق متوسط شهری (مناطق ۲، ۸ و ۱۰) بالاترین میانگین مربوط به بعد انطباق اجتماعی (۴/۱۱) است. بنابراین نتایج بیانگر این است که میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان متفاوت است. هم چنین تفاوت معناداری بین جنسیت و احساس بهزیستی اجتماعی مشاهده شده، اما بین وضعیت تأهل و احساس

بهزیستی اجتماعی شهروندان تفاوت معناداری یافت نشد. البته نتایج بیان می کند که رابطه معناداری بین سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و احساس بهزیستی اجتماعی وجود دارد.

واژگان کلیدی: بهزیستی اجتماعی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، مشهد، مناطق شهری

مقدمه

بهزیستی^۱ یکی از مفاهیم کلیدی حوزه رفاه و برنامه ریزی اجتماعی است که در چند دهه اخیر، در عرصه سیاست گذاری اجتماعی اهمیت یافته است. بهزیستی در مکالمات روزمره، در معانی شاد بودن، سلامتی، کامیابی^۲ و هم چنین به معنای موقعیتی خوب و رضایت بخش از زندگی متداول است.

بهزیستی از طریق شرایط دربردارنده روابط فردی حمایت کننده، سلامت مطلوب، امنیت مالی و فردی، مشاغل پاداش دهنده و محیط جذاب و سالم ارتقاء پیدا می کند (Keyes, Shmotkin, Ryff, 2002: 1012 ; Diner & etal, 1999: 282). به طور کلی بهزیستی ارزیابی ذهنی یک فرد از کیفیت تجربیات، آگاهی ها، ارتباط ها و سایر مسائل فرهنگی و مرتبط با ارزشمندی های فرد در حیات اوست.

یکی از ملاک های اساسی گذار از جوامع سنتی به مدرنیته، گسترش بی رویه شهرنشینی بوده است که چنین گسترشی در کشورهای جهان سوم از جمله جامعه ایران باعث پیامدهای بسیاری بوده است. براین اساس، در راستای کاهش چنین پیامدها و معضلاتی در سطح جامعه و کلان شهرهای بزرگ، باید از طریق تمهیدات و راهبردهای اجرایی و عملی از جمله بسترسازی شاخص های بهزیستی اجتماعی در تمام سطوح (خرد، متوسط و کلان) جامعه بهره برداری کرد و برای تمام سطوح و اقشار مختلف سنی و جنسی شهروندان جامعه شرایط بهره مندی از ابعاد مختلف بهزیستی اجتماعی را فراهم نمود تا بتوان از طریق تقویت این شاخص و ابعاد معرف آن در سطح جامعه، به صورت اجرایی و عملی مشارکت، اعتماد و سرمایه های اجتماعی شهروندان را برای هرگونه توسعه پایدار شهری فراهم نمود.

1. Well being

2. Prosperity

بیان مسأله

بهزیستی اجتماعی در جامعه امروز در گرو پیوند عمیق شاخص‌های آن با اجتماع شکل می‌گیرد، پس باید در بررسی شاخص‌های بهزیستی از بُعد اجتماعی بیش از هر چیزی به افراد آن جامعه که تمایل به استمرار و پایداری اجرای عملی شاخص‌های بهزیستی اجتماعی دارند، تمرکز داشت.

از آنجایی که بهزیستی اجتماعی با جامعه‌پذیری اشخاص در جامعه در ارتباط است، می‌تواند عامل مهمی در پذیرش هنجارهای اجتماعی به شمار رود و نقش مهمی در کاهش قانون‌گریزی و ناهنجاری‌های اجتماعی داشته باشد. از سوی دیگر، جامعه‌ای که افراد آن از بهزیستی اجتماعی برخوردارند، شرایط بهتری از مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند و این مسأله می‌تواند در عملکرد نهادهای اجتماعی متولی امنیت اجتماعی در جامعه، نقش داشته باشند» (سام آرام، ۱۳۸۸: ۱۱).

پژوهش حاضر در صدد تحلیل جامعه‌شناختی سنجش تطبیقی میزان بهره‌مندی شهروندان مشهد از احساس بهزیستی اجتماعی خواهد بود. بهزیستی اجتماعی به عنوان بخشی از ارکان وضع سلامت جامعه از جمله کلان‌شهرها از طریق تمرکز بر شهروندان در ارتباط با تعاملات میان فردی (مثلاً ملاقات با دوستان و آشنایان و ...) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه‌ها، انجمن‌ها، احزاب، شبکه‌های اجتماعی ساختار شهری) آنها باید مورد اهتمام و سنجش قرار گیرد و در این زمینه، توجه به ارکان عینی و ذهنی در ارزیابی‌های زندگی روزمره شهروندان اهمیت خواهد داشت.

این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱- میزان بهره‌مندی شهروندان شهر مشهد از شاخص‌های بهزیستی اجتماعی شهری چگونه است؟

۲- میزان همبستگی هر یک از متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس و تأهل، پایگاه اقتصادی و اجتماعی) با متغیر وابسته بهزیستی اجتماعی چگونه است؟

۳- چه راهکارها و راهبردهایی را می‌توان برای ارتقاء شاخص بهزیستی اجتماعی شهروندان در این شهر به صورت نهادینه و مستمر برنامه‌ریزی کرد؟

با توجه به این مباحث، می توان اشاره ای به آخرین دستاوردها و پژوهش هایی که در این زمینه در جامعه داخلی و بین المللی تولید شده، به صورت مختصر در سطور ذیل اشاره کرد.

صفاری نیا، تدریس تهریزی و دهکردی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان "رواسازی و اعتباریابی پرسش نامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن شهر تهران" اشاره به این نتایج می کند که ضریب همبستگی پیرسون میان نتایج دوبار اجرای پرسش نامه حاکی از اعتبار بالایی پرسش نامه بود و نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان دهنده برازش خوب طرح در تعیین عامل ها به شکل اولیه بیان شده توسط کیزر^۱ بود.

شریفیان ثانی و زنجری (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان "بهزیستن به عنوان مفهومی چندبعدی: واکاوی مفاهیم و تعاریف" به بررسی مفهوم و تعریف بهزیستن پرداخته اند. نگارندگان بهزیستی را وضعیت خوشایندی دانسته اند که در ارتباط با بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط معنا پیدا می کند.

نصرت آباد، باباپور خیرالدین و خسروشاهی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان "نقش سرمایه روان شناختی در بهزیستی با توجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی" به تبیین و بررسی بهزیستی روانی پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه روان شناختی و مؤلفه های آن با بهزیستی روان شناختی و سرمایه اجتماعی از یک سو و بهزیستی روان شناختی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

حیدری و غنائی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی" به بررسی هنجاریابی آزمودن بهزیستی اجتماعی بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای استان مرکزی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که از پنج عامل به نام های شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی اشباع شده است که سهم عامل نخست بیش از دیگر عامل هاست. ساراسینو (Sarracino, 2013) در مقاله ای با عنوان "مقایسه سرمایه اجتماعی و فرایند بهزیستن در بین یازده کشور اروپایی" به بررسی رابطه بین این دو متغیر

می‌پردازد. او از نتایج تحقیق خود دریافت که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهزیستی رابطه مثبت و معناداری دارد؛ یعنی وقتی افراد از شبکه‌های بیشتری برخوردارند (سرمایه اجتماعی بیشتری دارند)، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی و اجتماعی بالاتری نیز دارند.

یاماوکا (Yamaoka, 2008) طی مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی و سلامت و بهزیستی در آسیای شرقی مطالعه‌ای مبتنی بر شاخص‌های جمعیتی" به این نتیجه رسیده است که بین سرمایه اجتماعی و بهزیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی افرادی که در زندگی، فردی اجتماعی هستند و از دوستان بیشتری برخوردارند، از سلامت اجتماعی و بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

با توجه به نتایج پیشینه تحقیق، باید بیان کرد که بهزیستی اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند به توسعه پایدار جامعه و شهر، کمک بسیاری نماید. هم‌چنین متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و...) می‌تواند به صورت متمایز، تفاوت‌هایی را در سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی به وجود آورد که در هیچ یک از تحقیق‌های مذکور به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر بهزیستی اجتماعی پرداخته نشده و فقط به سنجش و هنجاریابی آن (بهزیستی اجتماعی) پرداخته‌اند.

چارچوب نظری

بهتر است در تعریف بهزیستی بین دو نوع دیدگاه تمایز قائل شویم. این دو دیدگاه را معطوف به درون و معطوف به بیرون می‌نامیم. در دیدگاه معطوف به بیرون، از بیرون به درون نگریسته می‌شود و تعادل بین محیط و ابعاد فیزیکی و اجتماعی و فراهم بودن منابع، بر روی بهزیستی فرد تأثیر می‌گذارد. در این دیدگاه، بهزیستی به صورت موقعیتی پویا دیده می‌شود؛ اما در دیدگاه معطوف به درون از درون به بیرون نگریسته می‌شود؛ یعنی ادراک و احساس خوشایند فرد ملاک قرار می‌گیرد و ارتباط مناسب فرد با محیط به مثابه تعیین‌کننده‌های بهزیستی دیده می‌شود.

در تلاش برای مفهوم بهزیستی، دو رهیافت نظری متضاد با عنوان لذت خواهی^۱ و سعادت خواهی^۲ شکل گرفته است. رهیافت لذت خواهی، بهزیستن را به شادی ذهنی و تجربه لذت متصل می کند و بیشتر به تجربه ذهنی رضایت و لذت افراد باز می گردد که در واقع، رویکردی درآمد مصرف است. در مقابل آن، رهیافت سعادت خواهی قرار می گیرد که بهزیستنی را برابر با لذت و شادی ذهنی نمی داند؛ زیرا لذت، پیامدی را منتج می شود که فقط زمینه و مقدمه شادی روانی شده و لزوماً بهزیستی و خوشی را افزایش نمی دهد. این رویکرد بر بافت اجتماعی تأکید بیشتری دارد. بهزیستی در رهیافت لذت خواهی، شامل سه عنصر رضایت از زندگی و وجود حالت مثبت و نبود حالت منفی است؛ در حالی که بهزیستی در رهیافت سعادت خواهی، به واقعیت بخشیدن به استعداد نهان انسانی باز می گردد (MacGeregor, 2010: 845).

از دیدگاه روان شناسانی همچون دینر (Diener, 1999: 276)، بهزیستن مسائل زیر را شامل می شود ۱- ارزیابی مثبت از زندگی هر فرد در ارتباط با احساسات خوب ۲- احساسات مثبت کنونی مانند لذت، شادی، انرژی، بشاش بودن و خوشی ۳- نبود احساسات منفی مانند افسردگی، عصبانیت، ناراحتی و اضطراب. یئو (Yeo, 2009: 15) کینگ^۳ بهزیستی جمعی^۴ را در کنار بهزیستی فردی بسط می دهد که از روابط خانواده و شبکه همسایگی، شبکه های ارتباطی، مالکیت مسکن، منابع و سیاست های دولتی موجود، زیرساخت های حمل و نقل، روابط بازار کار، عاملیت و قدرت افراد تأثیر می گیرد. البته بهزیستی ذهنی افراد و ابعاد چندگانه بهزیستی که بر ارزیابی افراد از وضعیت کنونی شان تأثیر می گذارد، دو مقوله متفاوت هستند (King, 2007: 5) به نقل از شریفیان ثانی و زنجری، ۱۳۹۲: ۷۸).

در بحث بهزیستی اجتماعی نظریه کیزز اولویت اساسی را داراست. وی بهزیستی اجتماعی را به عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آن ها با دیگران تعریف می کند. از ابتدا نیز بهزیستی اجتماعی به عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آن ها با جامعه،

1. Hedonic

2. Eudemonia

3. King

4. Collective well-being

پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد (Keyes, 1998: 133). طرح چند وجهی کیز از بهزیستی اجتماعی شامل پنج جنبه است که میزان کارکرد بهینه افراد را در عملکرد آن‌ها معلوم می‌کند. پنج بُعد یا جنبه بهزیستی اجتماعی از نظر او یعنی انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی با اندازه‌های مربوط به سلامت روان مرتبط هستند. از نظر وی شناخت و پذیرش دیگران، عنصر پذیرش و ارزش فرد به عنوان یک شریک اجتماع، عنصر مشارکت و سرانجام باور به تحول مثبت اجتماعی، عنصر شکوفایی بهزیستی اجتماعی است. این عناصر می‌توانند وحدت اجتماعی، تشریک مساعی، پیوند اجتماعی و حس ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد را در پذیرش دیگران ارزیابی کنند (Keyes, 2002, 2004, 2005). به نقل از صفاری نیا، تدریس تبریزی و دهکردی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

تحت تأثیر طرح بهزیستی و بر اساس بعد اجتماعی و سطح تحلیل فردی، کیز (Keyes) پنج بعد و شاخص اساسی برای بهزیستی اجتماعی پیشنهاد کرده است که عبارتند از:

۱- شکوفایی اجتماعی^۱: شکوفایی اجتماعی به معنای دانستن و اعتقاد داشتن به این است که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. فکر کردن به این که جامعه قابلیت رشد به شکل مثبت را دارد و می‌تواند این قابلیت را به شکل بالفعل درآورد (Keyes, 1998: 127).

۲- انطباق اجتماعی^۲: انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به این که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی اجتماعی در مقابل بی‌معنایی در زندگی، قابل مقایسه است و شامل ارزیابی فرد از اجتماع به صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت سازمان‌دهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. افراد سالم، علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی بوده و احساس می‌کنند قادر به فهم وقایع اطراف‌شان هستند و خود را با تصور این که در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهایشان را از جهت فهم و درک زندگی، ارتقاء می‌بخشند (عبدالله تباردرزی و

1. Social Actualization
2. Social Coherence

دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۱۷۶).

۳- پذیرش اجتماعی^۱: داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد و به‌طورکلی پذیرش افراد، علی‌رغم برخی رفتارهای سردرگم‌کننده و پیچیده آن‌ها، پذیرش اجتماعی، مصداق اجتماعی از پذیرش خود است. در پذیرش خود، فرد نگرش مثبت و احساس خوبی در مورد خود و زندگی گذشته دارد و با وجود ضعف‌ها و ناتوانایی‌هایی که دارد، هم‌جنبه‌ی خود را می‌پذیرد. افراد باور دارند که مردم می‌توانند ساعی و مؤثر باشند. این افراد دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی می‌کنند. (Keyes & Shapiro, 2004: 22).

۴- مشارکت (سهام داشت)^۲ اجتماعی: مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا و اجتماع خود دارد. این افراد تلاش می‌کنند که احساس دوست داشته شدن کنند و در دنیایی که صرفاً به دلیل انسان بودن برای آن‌ها ارزش قائل است، سهمیم باشند. مشارکت اجتماعی موازی با بعد هدف در زندگی از مقیاس سلامت روان است (میرزا حسینی، دلاور و ماهر، ۱۳۸۶: ۹۴).

۵- انسجام اجتماعی^۳: انسجام یا همان همبستگی اجتماعی، به معنای احساس بخشی از جامعه بودن و فکر کردن به این که فرد به جامعه تعلق دارد. احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن؛ بنابراین انسجام اجتماعی آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی آن‌ها را می‌سازند، وجود دارد مثل همسایه‌های شان (سام آرام، ۱۳۸۸: ۷).

با توجه به مبانی نظری مورد مطالعه در تحقیق مذکور در سطور ذیل مجموعه‌ای از فرضیات را به منظور مطالعه میزان بهره‌مندی شهروندان در کلان‌شهر مشهد، از شاخص بهزیستی اجتماعی و بررسی رابطه برخی از عوامل جمعیت‌شناختی (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سن، جنسیت و وضعیت تأهل) بر این پدیده آورده شده است.

-
1. Social Acceptance
 2. Social Contribution
 3. Social cohesion

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین سن شهروندان و احساس بهزیستی اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۲- بین سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و احساس بهزیستی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان مناطق مختلف شهر مشهد، تفاوت دارد.
- ۴- میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین مجردان و متأهلین، متفاوت است.
- ۵- میانگین شاخص‌های بهزیستی اجتماعی در بین زنان و مردان، متفاوت است.

روش‌شناسی

در این تحقیق، از روش پیمایشی از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله (اعم از زن و مرد) ساکن در سه منطقه بالا (مناطق ۱، ۹ و ۱۱) و متوسط (مناطق ۲، ۸ و ۱۰) و پایین (مناطق ۳، ۵ و ۶) شهری از کلان شهر مشهد بوده است. طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، تعداد کل افراد جامعه مورد مطالعه ۲۲۰۶۵۵۴ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس ۶۶۰ نفر انتخاب شده‌اند. در این پژوهش که بر اساس شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است، سعی شده از ۹ منطقه ذکر شده (بالا، پایین و متوسط) به صورت تصادفی و به تعداد مساوی، نمونه انتخاب شود. حجم نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس در سطح دقت ۵٪، سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس ۰/۶۶ محاسبه گردیده است.

$$n = \frac{Nt^2.S^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{2206554 \times (3.841) \times (0.43)}{2206554 \times (0.0025) + (3.841) \times (0.43)} = 660$$

هم‌چنین پایایی کل تحقیق بر اساس جدول آلفای کرونباخ برای بهزیستی اجتماعی ۰/۷۵ به دست آمد. جدول ذیل بیانگر آلفای متغیرهای مذکور است. ابزار مورد نظر پژوهش حاضر پرسش‌نامه ۳۳ سؤالی بهزیستی اجتماعی که توسط کیز بر اساس طرح

نظری خود از سازه بهزیستی اجتماعی تهیه شده است. در این مقیاس، شش گویه مربوط به عامل مشارکت اجتماعی، هفت گویه مربوط به عامل انسجام اجتماعی، هفت گویه مربوط به عامل پذیرش اجتماعی، شش گویه مربوط به عامل انطباق اجتماعی و هفت گویه نیز مربوط به عامل شکوفایی اجتماعی است. مقدار پایایی هر یک از ابعاد در جدول ذیل آمده است:

جدول (۱) پایایی ابعاد بهزیستی اجتماعی

شاخص ها	گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
انسجام اجتماعی	من فکر می کنم متعلق به مجموعه ای به نام جامعه هستم. من فکر می کنم که بخشی مهم از اجتماعم هستم. من فکر می کنم اگر خواسته یا نظری برای گفتن داشتم، سایر افراد به من توجه می کردند. جامعه من منبع آرامش و راحتی من است. من فکر می کنم اگر خواسته یا نظری برای گفتن داشتم جامعه من را جدی نمی گرفت. سایر افراد اجتماع برای من به عنوان یک شخص ارزش قائل اند. من نسبت به سایر افراد اجتماعم احساس نزدیکی نمی کنم.	٪۸۱
پذیرش اجتماعی	رفتار من روی سایر افراد اجتماعم اثر می گذارد. من فکر می کنم افراد دیگر قابل اعتماد هستند. به نظر من مردم مهربانند. به نظر من مردم خودمحورند. من احساس می کنم که مردم قابل اعتماد نیستند. من فکر می کنم که مردم فقط برای خودشان زندگی می کنند. من فکر می کنم مردم به مشکلات افراد دیگر اهمیت می دهند.	٪۷۷
مشارکت اجتماعی	من فکر می کنم می توانم کار ارزشمندی به دنیا عرضه کنم. فعالیت های روزانه من هیچ نتیجه ارزنده ای برای جامعه ندارد. من زمان و توان لازم را ندارم تا چیز مهمی به جامعه ام عرضه کنم. من فکر می کنم کار من نتیجه مهمی برای جامعه ندارد. من محصول ارزشمندی برای سهمیم شدن در اجتماع ندارم. به نظر من مردم این روزها بیشتر متقلب شده اند.	٪۷۵
انطباق اجتماعی	دنیا برای من پیچیده است. محققین تنها افرادی هستند که می توانند آنچه پیرامون دنیای اطرافشان رخ می دهد، درک کنند. من نمی توانم بفهمم که در دنیا چه پیش خواهد آمد. اغلب فرهنگ ها آن قدر عجیب و بیگانه هستند که من از آن ها سر در نمی آورم. به نظر من دنیایی که در آن زندگی می کنیم ارزش درک کردن دارد. به نظر من پیش بینی آنچه در اجتماع آینده اتفاق خواهد افتاد، کار سختی است.	٪۷۵

۶۹٪	من معتقدم که اجتماع مانع پیشرفت من است. من معتقدم که اجتماع در جهت تحقق خواسته‌های من تغییر نمی‌کند. من فکر نمی‌کنم که تشکیلات اجتماعی نظیر قانون و دولت در زندگی من مؤثر باشند. من اجتماع را به صورت یک تحول دائمی می‌بینم. به نظر من جامعه مکانی پربار و مفید برای افراد آن است. به نظر من پیشرفت اجتماعی، مفهومی ندارد. به نظر من دنیا برای هر فرد دارد مکانی بهتری می‌شود.	شکوفایی اجتماعی
۷۵٪	۳۳ گویه	بهزیستی اجتماعی (کل)

تعریف مفاهیم

بهزیستی اجتماعی

بهزیستی اجتماعی ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی عضوی از آن‌هاست. طبق تعریف کیز (Keyes, 1998: 122) «شاخص‌های بهزیستی اجتماعی عبارتند از: مشارکت اجتماعی (باوری که طبق آن فرد خود را عنصر حیاتی جامعه می‌داند)، انسجام اجتماعی (کیفیت روابط در گروه اجتماعی که به آن تعلق دارد)، پذیرش اجتماعی (دیدگاه مطلوب نسبت به دیگران)، شکوفایی اجتماعی (اعتقاد به توانایی‌های بالقوه اجتماع) و انطباق اجتماعی (درک اجتماع به صورت هوشمند، قابل فهم و قابل پیش‌بینی)». در این پژوهش این متغیر به عنوان متغیر وابسته با ۳۳ گویه در سطح سنجش لیکرت با استفاده از پرسشنامه کیز (۱۹۹۸) مورد سنجیده قرار گرفته است.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی

شامل مجموعه اشخاص یا گروه‌هایی است که به عنوان یک واحد اجتماعی در سلسله مراتب به حساب می‌آیند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸۰۸). جایگاه سلسله مراتبی افراد با توجه به قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی آن‌هاست. تعریف عملیاتی: در این پژوهش این متغیر به عنوان متغیر مستقل با هفت گویه سنجیده شده است: ۱- شغل شما چیست؟ ۲- شغل پدر یا همسر شما چیست؟ ۳- شغل مادر یا همسر شما؟ که این

سه گویه در پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ قسمتی آورده شده است. ۴- درآمد خانواده شما چقدر است؟ این گویه نیز به صورت فاصله‌ای در طیف پنج تایی لیکرت آورده شده است. ۵- تحصیلات پدر یا همسر شما چیست؟ ۶- تحصیلات مادر یا همسر شما چیست؟ ۷- تحصیلات خود شما به چه میزانی است؟ که هر کدام از این گویه‌ها نیز به یک متغیر پنج قسمتی تبدیل شده‌اند. از ترکیب این هفت گویه در نرم افزار Spss، شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان ساخته شده است.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

در این تحقیق مهم ترین متغیرهای زمینه‌ای هم چون سن، جنسیت، وضعیت تأهل به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده است که نتایج نشان داده است ۴۹/۸٪ پاسخگویان زن و ۵۰/۲٪ آن‌ها مرد می‌باشند. هم چنین بیشترین فراوانی در سن پاسخگویان (۴۳/۶٪) در گروه سنی ۲۶-۳۵ سال و کمترین (۸/۱٪) در گروه سنی ۵۶-۶۴ سال است. ۴۳/۱٪ شهروندان مجرد و ۵۶/۹٪ متأهل هستند. هم چنین با استفاده از سه متغیر درآمد، شغل و تحصیلات، شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان ساخته شده است. نتایج حاکی از آن است که ۳۲/۴٪ پاسخگویان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی در سطح بالا، ۴۱/۶٪ در سطح متوسط و ۲۶٪ در سطح پایین ارزیابی شده‌اند که نشان از متوسط بودن سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی در بین کل پاسخگویان هر سه منطقه شهری دارد.

جدول ۲) مقایسه توزیع فراوانی پاسخگویان در خرده مقیاس‌های بهزیستی اجتماعی مناطق سه گانه

شاخص بهزیستی اجتماعی در مناطق بالا شهری		زیاد	تا حدودی	کم	میانگین	انحراف معیار
انسجام اجتماعی	فراوانی	۱۰۵	۷۶	۳۹	۳/۶۲	۱/۴۰
	فراوانی نسبی	٪۴۹/۷	٪۲۷/۴	٪۲۲/۹		
پذیرش اجتماعی	فراوانی	۱۰۰	۸۷	۳۳	۳/۹۱	۱/۴۱
	فراوانی نسبی	٪۴۵/۳	٪۳۰/۱	٪۲۴/۶		
مشارکت اجتماعی	فراوانی	۱۰۳	۹۰	۲۷	۳/۴۷	۱/۱۶
	فراوانی نسبی	٪۴۷/۶	٪۳۵/۲	٪۱۷/۲		
انطباق اجتماعی	فراوانی	۷۰	۱۰۰	۵۰	۳/۶۵	۱/۲۵
	فراوانی نسبی	٪۳۸/۵	٪۴۰/۸	٪۲۰/۷		
شکوفایی اجتماعی	فراوانی	۱۱۰	۷۲	۳۸	۳/۸۷	۱/۲۱
	فراوانی نسبی	٪۴۳/۵	٪۳۹/۱	٪۱۷/۴		
بهزیستی اجتماعی (کل)		٪۴۵/۲	٪۳۳/۵	٪۲۱/۳	۳/۴۲	۰/۶۷
شاخص بهزیستی اجتماعی در مناطق پایین شهری		مقادیر	زیاد	تا حدودی	کم	انحراف معیار
انسجام اجتماعی	فراوانی	۱۳۳	۶۶	۲۱	۴/۱۲	۲/۱
	فراوانی نسبی	٪۵۲/۷	٪۲۹/۲	٪۱۸/۱		
پذیرش اجتماعی	فراوانی	۱۰۲	۹۸	۲۰	۳/۰۴	۱/۱۱
	فراوانی نسبی	٪۴۶/۳	٪۳۸/۶	٪۱۵/۱		
مشارکت اجتماعی	فراوانی	۱۲۷	۶۵	۲۸	۴/۲۱	۲/۰۱
	فراوانی نسبی	٪۵۱/۶	٪۲۶/۲	٪۲۲/۲		
انطباق اجتماعی	فراوانی	۹۸	۸۳	۳۹	۳/۷۰	۱/۵
	فراوانی نسبی	٪۴۲/۴	٪۳۱/۹	٪۲۵/۷		
شکوفایی اجتماعی	فراوانی	۶۷	۵۵	۹۸	۲/۳۰	۱/۰۸
	فراوانی نسبی	٪۳۲/۱	٪۲۳/۷	٪۴۴/۲		
بهزیستی اجتماعی (کل)		٪۲۲/۴	٪۴۸/۹	٪۲۸/۷	۳/۸۴	۱/۰۱
شاخص بهزیستی اجتماعی در مناطق متوسط شهری		مقادیر	زیاد	تا حدودی	کم	انحراف معیار
انسجام اجتماعی	فراوانی	۱۲۲	۴۹	۴۹	۳/۰۵	۱/۱
	فراوانی نسبی	٪۴۸/۶	٪۲۵/۷	٪۲۵/۷		
پذیرش اجتماعی	فراوانی	۹۸	۵۸	۶۴	۳/۴۶	۱/۳
	فراوانی نسبی	٪۴۲/۳	٪۲۶/۱	٪۳۱/۶		

۱/۱۶	۳/۵۶	۳۹	۷۹	۱۰۲	فراوانی	مشارکت اجتماعی
		%۲۲/۶	%۳۰/۴	%۴۷	فراوانی نسبی	
۰/۹۶	۴/۱۱	۴۱	۶۵	۱۱۴	فراوانی	انطباق اجتماعی
		%۲۲/۹	%۳۴/۳	%۵۲/۹	فراوانی نسبی	
۱/۰۳	۳/۴۴	۵۱	۶۳	۱۰۶	فراوانی	شکوفایی اجتماعی
		%۲۴	%۳۲/۵	%۴۳/۵	فراوانی نسبی	
۰/۶۴	۳/۱	%۲۱	%۵۱/۱	%۲۷/۹	فراوانی نسبی	بهبذیستی اجتماعی (کل)

جدول فوق مقایسه توزیع فراوانی پاسخگویان، در خرده مقیاس های بهبودیستی اجتماعی را در مناطق سه گانه کلان شهر مشهد نشان می دهد. از آنجایی که تعداد کل نمونه مورد بررسی برابر با ۶۶۰ نفر است، برای هر سه مناطق بالا شهر، پایین شهر و متوسط شهری (با توجه به مناطق نامبرده شده شهرداری مشهد) نمونه به صورت مساوی برابر با ۲۲۰ نفر در نظر گرفته شده است.

بر طبق جدول ۲، در قسمت مناطق بالا شهری نزدیک به نیمی از پاسخگویان (%۴۹/۷) میزان انسجام اجتماعی خود را در حد زیاد اعلام کرده اند. هم چنین کمترین فراوانی مربوط به مؤلفه مشارکت اجتماعی (%۱۷/۲) است. میزان کل شاخص بهبودیستی اجتماعی در بین پاسخگویان مناطق بالا شهری در مشهد (مناطق ۱ و ۹ و ۱۱) نشان از بالا بودن (%۴۵/۲) این شاخص دارد. در قسمت مناطق پایین شهری، بیش از نیمی از پاسخگویان (%۵۲/۷) میزان انسجام اجتماعی خود را در حد زیاد اعلام کرده اند و کم ترین فراوانی در بعد پذیرش اجتماعی است. میزان کل شاخص بهبودیستی اجتماعی در بین پاسخگویان مناطق پایین شهری در مشهد (مناطق ۳ و ۵ و ۶) نشان از متوسط رو به پایین بودن این شاخص در این مناطق دارد. در بین شهروندان مناطق متوسط شهری، بیش ترین فراوانی مربوط به بعد انطباق اجتماعی (%۵۲/۹) و کمترین فراوانی مربوط به بعد مشارکت اجتماعی (%۲۲/۶) است. در نهایت میزان کل شاخص بهبودیستی اجتماعی در بین پاسخگویان مناطق متوسط شهری در مشهد (مناطق ۲ و ۸ و ۱۰) نشان از متوسط و رو به بالا بودن این شاخص در این مناطق دارد.

جدول ۳) میزان سطح کل شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان

سطح بهزیستی اجتماعی شهروندان در هر سه منطقه شهری	میزان احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان
بالا	فراوانی ۳۱۳
	فراوانی نسبی ٪۴۸/۲
متوسط	فراوانی ۲۱۱
	فراوانی نسبی ٪۳۲/۴
پایین	فراوانی ۱۳۶
	فراوانی نسبی ٪۱۹/۴

جدول فوق میزان کل برخورداری پاسخگویان را از نظر شاخص بهزیستی اجتماعی نشان می‌دهد. با توجه به میانگین به دست آمده برای متغیر بهزیستی اجتماعی کل که برابر ۱۰۸/۶ بوده است، بیانگر این است که بهزیستی اجتماعی در میان شهروندان مورد بررسی در کلان شهر مشهد، در سطح نسبتاً بالایی است. براین اساس بهزیستی اجتماعی پاسخگویان ۱۹/۴٪ پایین، ۳۲/۴٪ متوسط و ۴۸/۲٪ افراد از احساس بهزیستی اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. این نتایج بیانگر این است که میزان شاخص بهزیستی اجتماعی شهروندان در در سطح خوبی ارزیابی می‌شود.

آزمون فرضیات تحقیق

متغیرهای سن، جنس، تأهل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی، جزء متغیرهای جمعیت‌شناختی (زمینه‌ای) بوده و رابطه آن‌ها با متغیر اصلی تحقیق، احساس بهزیستی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای سنجش میزان همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و بهزیستی اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و برای دیگر فرضیه از آزمون تفاوت میانگین (T) و آزمون F (آنالیز واریانس) بهره برده شده است.

جدول ۴) ضریب همبستگی متغیرهای جمعیت شناختی سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و

بهبودی اجتماعی						
متغیرهای جمعیت شناختی	متغیر وابسته	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نتایج آزمون	نوع آزمون همبستگی	نوع رابطه
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	بهبودی اجتماعی	۰/۰۱	۰/۳۶	تأیید	ضریب همبستگی اسپرمن	مستقیم
سن	بهبودی اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۲۴	تأیید	ضریب همبستگی پیرسون	مستقیم

با توجه به جدول فوق، همان طور که هویداست در فرضیه اول (به نظر می رسد بین سن پاسخگویان و احساس بهزیستی اجتماعی رابطه وجود دارد) رابطه بین دو متغیر معنادار شده است. ضریب همبستگی به دست آمده برابر با ۰/۲۴ و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. بدین مفهوم که تغییرات در متغیر سن باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (بهبودی اجتماعی) خواهد شد. هم چنین سطح معناداری آزمون، کوچک تر از ۰/۰۵ به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود. نتیجه می گیریم بین سن و احساس بهزیستی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب همبستگی تنها روابط خطی را اندازه گیری می کنند. بر طبق نتایج مشاهده شد که بیشترین میزان بهزیستی اجتماعی در بین پاسخگویان در گروه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال و کمترین میزان بهزیستی اجتماعی در بین پاسخگویان در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال است.

در فرضیه دوم (به نظر می رسد بین سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و احساس بهزیستی اجتماعی آن ها رابطه وجود دارد) نیز رابطه بین دو متغیر پایگاه و بهزیستی اجتماعی معنادار شده است. شدت رابطه به دست آمده برابر با ۰/۳۶ و جهت رابطه مثبت و مستقیم و در حد متوسط ارزیابی می شود. هم چنین سطح معناداری آزمون، کوچک تر از ۰/۰۱ به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود. نتیجه می گیریم بین سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و احساس بهزیستی اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی، هر چه سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان بالاتر باشد، میزان بهره مندی آن ها از شاخص بهزیستی اجتماعی بیشتر است.

در فرضیه سوم به نظر می‌رسد میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان مناطق مختلف شهری مشهد متفاوت باشد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است. با توجه به این که این آزمون، تفاوت میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه را مورد سنجش قرار می‌دهد و در فرضیه مذکور، درصدد بررسی تفاوت میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان مناطق بالا شهری، متوسط شهری و پایین شهری (با توجه به مناطق مشخص شده توسط شهرداری مشهد) هستیم، از این آزمون بهره برده شده است. هم‌چنین قبل از انجام آزمون F از طریق آزمون همگنی واریانس لون، برابر بودن واریانس گروه‌ها به تأیید رسیده است. جدول زیر نتایج آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵) نتایج آزمون تفاوت میانگین (تحلیل واریانس یک طرفه) بهزیستی اجتماعی

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	تغییرات
۰/۰۰۰	۸۳/۳۱	۵۴۹/۷۳۵	۴	۲۱۹۸/۹۴۲	تغییرات بین گروهی
-	-	۶/۵۹۸	۶۵۵	۴۳۲۲/۴۷۴	تغییرات درون گروهی
-	-	-	۶۵۹	۶۵۲۱/۴۱۶	تغییرات کل (Total)

مطابق با جدول فوق برای تفسیر نتیجه آزمون مبنی بر معنی داری تفاوت میانگین متغیر مورد بررسی در بین گروه‌ها، باید بر اساس معنی داری مقدار آزمون F عمل کرد. همان‌طور که هویداست سطح معنی داری آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، لذا فرض تفاوت میانگین گروه‌ها تأیید و در مقابل فرض یکسانی آماری آن‌ها رد می‌شود. بدین معنی که دست کم یکی از گروه‌ها از نظر میانگین با بقیه فرق دارد. پس فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود و این نتیجه به دست می‌آید که میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان مناطق مختلف شهری مشهد متفاوت است.

جدول ۶) تفاوت معنی داری شاخص بهزیستی اجتماعی شهروندان بر حسب جنس و وضعیت تأهل

متغیرها		آزمون لون برای برابری واریانس ها		آزمون معنی داری T	
		F	سطح معنی داری	T	سطح معنی داری (دودامنه)
بهزیستی اجتماعی	جنس	۱/۴۳	۰/۱۴۳	۲/۴۱	۰/۰۳
	وضعیت تأهل	۲/۰۲	۰/۵۱۷	۰/۲۸	۰/۰۳۹

بر اساس فرضیه پنجم (به نظر می رسد میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین زنان و مردان متفاوت است) و با توجه به جدول ۶ از آنجایی که مقدار معنی داری آزمون لون در هر یک از متغیرها از ۰/۰۵ بزرگ تر است، از نتایج ردیف برابری واریانس استفاده گردید. با توجه به جدول فوق، در ردیف اول به دلیل معناداری آزمون لون (۱/۴۳) با سطح خطای ۰/۱۴۳ و هم چنین مقدار T با دو نمونه مستقل که برابر ۲/۴۱ و با سطح معناداری ۰/۰۳، گویای آن است که میانگین بهزیستی اجتماعی بین زنان و مردان تفاوت معناداری با یکدیگر داشته اند، بدین معنا که زنان با میانگین ۳/۸۱ بیشتر از مردان که با میانگین ۱/۳۲ است، از احساس بهزیستی اجتماعی برخوردارند. به اصطلاح، فرض H_0 که دلالت بر عدم تفاوت معناداری دارد، رد می شود و فرض تحقیق تأیید می گردد. هم چنین در بررسی فرضیه چهارم (به نظر می رسد میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین مجردان و متأهلین متفاوت است) باید بیان نمود که در بررسی وضعیت تأهل شهروندان با متغیر بهزیستی اجتماعی، تفاوت معناداری وجود ندارد (مجردان با میانگین ۲/۲۳ و متأهلین با میانگین ۲/۲۰). به عبارتی، این دو گروه با سطح اطمینان ۰/۹۵ با هم مشابه هستند و به اصطلاح فرض H_0 که دلالت بر عدم تفاوت معناداری دارد، تأیید می شود (سطح معناداری آزمون T بزرگ تر از ۰/۰۵ است). پس فرضیه تحقیق تأیید نمی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، بهزیستی اجتماعی آن جامعه است که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفاء می‌کند. امروزه بهزیستی اجتماعی در توسعه پایدار جامعه شهری به این امر توجه می‌کند که شهروندان یک جامعه درباره اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، چگونه تفکر و ارزیابی را در مورد شهری که در آن ساکن هستند، خواهند داشت. در واقع، مطالعه سطح رضایت‌سنجی از فضاها، عمومی و خصوصی زندگی شهروندان مورد اهمیت قرار می‌گیرد.

این پژوهش یک مطالعه پیمایشی به منظور تحلیل جامعه‌شناختی سنجش میزان بهزیستی اجتماعی شهروندان در کلان‌شهر مشهد انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل آماری که از این شاخص به دست آمد، نشان می‌دهد که میزان مجموع کل این شاخص در بین جامعه آماری در حد ۴۸/۲٪، در سطح بالا ارزیابی شده است. مطابق با نظریه کییز شناخت و پذیرش دیگران، عنصر پذیرش و ارزش فرد به عنوان یک شریک اجتماع، عنصر مشارکت و سرانجام باور به تحول مثبت اجتماعی، عنصر شکوفایی بهزیستی اجتماعی است. این عناصر می‌توانند وحدت اجتماعی، تشریک مساعی، پیوند اجتماعی و حس ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد را در پذیرش دیگران ارزیابی کنند. جداول نشان داده که پاسخگویان ساکن در این مناطق شهری (۱ و ۹ و ۱۱)، دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی می‌کنند و این افراد، اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارند و می‌پذیرند. یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان ارزیابی مثبتی نسبت به این که اجتماع سرنوشت خود را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش مسیر تکاملی خود را کنترل می‌کند دارند؛ یعنی براین باورند که جامعه قابلیت رشد به شکل مثبت را دارد و می‌تواند این قابلیت را به شکل بالفعل درآورد و کمترین میانگین مربوط به بعد مشارکت اجتماعی است. در مقابل، شهروندان مناطق پایین شهری در حد متوسط رو به پایین، از شاخص بهزیستی اجتماعی بهره‌مند هستند و بالاترین میانگین در بین ابعاد بهزیستی اجتماعی مربوط به بعد مشارکت اجتماعی و بعد انسجام اجتماعی است. منظور از انسجام اجتماعی آن

درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی آن‌ها را می‌سازند، وجود دارد مثل همسایه‌هایشان. شهروندان مناطق پایین شهری نیز خود را متعلق به جامعه خود می‌دانند و احساس حمایت شدن از طریق جامعه و اطرافیان‌شان را دارند. مشارکت اجتماعی نیز باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا و اجتماع خود دارد. این افراد تلاش می‌کنند که احساس دوست داشته شدن کنند و در دنیایی که صرفاً به دلیل انسان بودن برای آن‌ها ارزش قائل است، سهمیم باشند. در این سه منطقه (۳، ۵ و ۶) مربوط به پایین شهر در کلان شهر مشهد، شهروندان برای مشارکت ارزش بسیاری قائل هستند و به مقدار زیاد، خود را موظف به آن می‌دانند؛ اما در این مناطق شکوفایی اجتماعی در حد ضعیفی بین شهروندان وجود دارد. شکوفایی اجتماعی، احساس به پیشرفت در جامعه و اعتقاد به این که نظام اجتماعی عاملی مؤثر در پیشرفت فرد خواهد بود که این بعد در این مناطق بسیار پایین است و افراد احساس پیشرفتی در جامعه ندارند. این تحقیق، برخلاف تحقیق صفاری نیا، تدریس تبریزی و دهکردی (۱۳۹۳) است که شهروندان تهرانی به احساس شکوفایی اجتماعی بالایی رسیده‌اند. در مناطق متوسط شهری (۲، ۸ و ۱۰) شهروندان در حد متوسط از شاخص بهزیستی اجتماعی بهره‌مند بوده‌اند و بالاترین میانگین در بین ابعاد بهزیستی اجتماعی مربوط به بعد انطباق اجتماعی بوده است. انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به این که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. افراد سالم، علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی بوده و احساس می‌کنند قادر به فهم وقایع اطرافشان هستند و خود را با تصور این که در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهایشان را از جهت فهم و درک زندگی ارتقاء می‌بخشند. همان‌طور که هویداست شهروندان مناطق متوسط شهری خود را قادر به فهم وقایع اطراف خود می‌بینند و آرزوها و خواسته‌های خود را ارتقاء می‌بخشند.

شهر مشهد به عنوان یکی از کلان‌شهرهای مذهبی جهان در دهه‌های اخیر، دارای توسعه فیزیکی زیادی بوده و در کنار آن، ناپایداری اجتماعی مناطق شهری آن نیز

به همان اندازه، رشد داشته است. در بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز، رابطه معناداری بین این دو متغیر و شاخص بهزیستی اجتماعی با شدت متوسطی به دست آمد. نتایج گویای این است که میانگین شاخص بهزیستی اجتماعی در بین شهروندان مناطق مختلف کلان شهر مشهد متفاوت است. هم‌چنین تفاوت معناداری بین جنسیت و احساس بهزیستی اجتماعی هویدا گردید، اما بین وضعیت تأهل و احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان تفاوت معناداری مشاهده نگردید. از آن جایی که در هیچ تحقیقی به مطالعه، مقایسه و سنجش شاخص بهزیستی اجتماعی پرداخته نشده است، بنابراین نمی‌توان یافته‌های این پژوهش‌ها را با یافته‌های مقالات دیگر مقایسه کرد.

با توجه به ساختار غیرمنسجم اجتماعی شهر مشهد، به نظر می‌رسد ایجاد یک حس مشترک در شهروندان، گام مؤثری در کاهش تفاوت‌ها و تعارضات اجتماعی بوده و بستر بومی‌پنداری را در مهاجران تقویت می‌نماید.

منابع

- حیدری، غلامحسین؛ غنائی، زیبا (۱۳۸۷). "هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی". / *ندیشه و رفتار*، ش ۷ (بهار): ۴۰ - ۳۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸). "بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور". *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۲۹ - ۹.
- شریفیان ثانی، مریم؛ زنجری، نسیم (۱۳۹۲). "بهزیستن به عنوان مفهومی چندبعدی، واکاوی مفاهیم و تعاریف". *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم، ش ۵۲ (تابستان): ۶۵ - ۹۱.
- صفاری نیا، مجید؛ تدریس تبریزی، معصومه؛ دهکردی، مهناز (۱۳۹۳). "رواسازی و اعتباریابی پرسش‌نامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن در شهر تهران".

- فصلنامه اندازہ گیری تربیتی، سال پنجم، ش ۱۸ (زمستان): ۱۱۵-۱۳۲.
- عبدالله تبار، هادی، و دیگران (۱۳۸۷) "بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان". فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش ۳۰ و ۳۱ (پاییز و زمستان): ۱۷۱-۱۹۰.
- میرزاحسینی، حسن؛ دلاور، علی؛ ماهر، فرهاد (۱۳۸۶). "عوامل تعیین کننده بهزیستی ذهنی: نقش عوامل جسمانی روان شناختی و عوامل اقتصادی جمعیت شناختی". فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، ش ۶ (زمستان): ۹۲ - ۱۱۰.
- نصرت آباد، تورج؛ باباپور خیرالدین، جلیل؛ خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۰). "نقش سرمایه روان شناختی در بهزیستی روانی با توجه به اثرات تعدیل سرمایه اجتماعی". پژوهش های روان شناسی اجتماعی، دوره ۱، ش ۴ (زمستان): ۱۲۳-۱۴۴.
- Diener, E. & et al. (1999). "Subjective wellbeing: Three decades of progress". Psychological Bulletin, Vol. 125, No.2: 276-302
- Keyes, C. L. M. (1998). "Social well-being". Social Psychology Quarterly, Vol. 61, No. 2: 121-140
- ----- (2002). "The mental health continuum: from languishing to flourishing in life". Journal of Health and Social Research, Vol. 43, No. 2: 207-222.
- ----- (2004). "The nexus of cardiovascular disease and depression revisited: The complete mental health perspective and the moderating role of age and gender". Journal of Aging and Mental Health, Vol. 8, No. 3: 266-274.
- ----- (2005). "Mental Health and / or Mental Illness? Investigation Axioms of the complete state model of Health". Journal of consulting and Clinical psychology, Vol. 73, No. 3: 539-548.

-
- Keyes, C. L. M; Shmotkin D.; Ryff CD. (2002). "Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions". *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 82, No. 6: 1007-1022.
 - Keyes, C. L. M; Shapiro, A. D. (2004). Social well-being in the U. S.: A descriptive Epidemiology. *In Orville Brim, *Healthing are you? A national study of well-being of Midlife**. By Orville Gilbert Brim, Carol D. Ryff, Ronald C. Kessler University of Chicago press.
 - MacGeregor, S. L. T. (2010). "Well-being, Wellness and Basic Human Needs in Home Economics". [on-line]. Available: http://www.consultmcgregor.com/documents/publications/well-being_wellness_and_basic_human_needs_in_home_economics.pdf [2016/7/10].
 - Sarracino, F. (2013). "Social capital and subjective well-being trends: Comparing 11 western European countries". *The Journal of Socio- Economics*, Elsevier, Vol. 39, No. 4: 482-517.
 - Yamaoka, K. (2008). "Social capital and health and well-being in East Asia: a population-based study". *Journal Social Science & Medicine*, Vol. 66, No. 4: 885-899.
 - Yeo, J. (2009). "The Roles of Economic and Social Resources in Immigrants Well-being in the United States". Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Philosophy in the Graduate School of the Ohio State University.

شرح و نقد قصیده‌ی عربی دیوان ابن حسام خوسفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳

محمدرضا عزیزی^۲

چکیده

در میان سروده‌های محمد بن حسام‌الدین خوسفی (وفات ۸۷۵ هـ) ملمعات و اشعاری به زبان عربی وجود دارد؛ این اشعار، ادامه‌ی سنت ادبی است که از سده‌ی چهارم هجری در شعر شهید بلخی شروع شده و گوشه‌ای از قریحه و اندیشه‌ی ایرانیان را در طی قرون متمادی پاس داشته‌است. در اشعار عربی ابن حسام، قصیده‌ای شصت و شش بیتی در نعت و منقبت حضرت رسول (ص) به زبان تازی وجود دارد که در چاپ‌های دیوان او رمز ناگشوده و همراه با لغزش‌های اعرابی و چاپی است. این پژوهش می‌کوشد نخست به ضبط و برگردان ابیات بپردازد و عناصر فنی آن را از لحاظ زبانی، عاطفی و خیال توصیف و تحلیل کند و ارتباط آن را - در حد توان - با جریان‌های ادبیات عربی در دوره‌ی مملوکی خاصه قصیده‌ی "برده" بررسی نماید. وجود این قبیل سروده‌ها در دیوان ابن حسام خوسفی، بُعد دیگری از شخصیت و توانایی وی را گواهی می‌دهد و در پیگیری روند عربی‌سرایی و ملمع‌گویی شاعران ایرانی، مغتنم است.

واژگان کلیدی: ابن حسام خوسفی، قصیده‌ی عربی، ادبیات عربی، برده

۱. این پژوهش به زنده‌یاد استاد احمد احمدی بیرجندی تقدیم می‌شود. روانش به مینو شاد باد!
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند
Mohammadrazizi@birjand.ac.ir

مقدمه

شاعران منطقه‌ی قهستان مثل ابوبکر قهستانی، بزرجمهر قاینی، احمد بن محمد قاینی، ابونصر مسّاح، محمد بن کمال الدوله، ابوالقاسم مظفر بن علی طبسی و غیره از سده‌ی چهارم و پنجم هجری به دو زبان فارسی و عربی شعر سروده‌اند؛ بیان عواطف ایشان در موضوعاتی چون مدح، هجو، فخر، اخوانیات و وصف به زبان شعر و غالباً به عربی از شیوع آن زبان و ادبیات در کنار فارسی گواهی می‌دهد.^۱ این سروده‌ها بخشی از میراث دست نخورده و غبار گرفته‌ی خراسان جنوبی به شمار می‌رود.

ابن حُسام خوسفی در قرن نهم هجری علاوه بر زبان فارسی به عربی هم طبع آزمایی کرده و توانایی خویش را به آن زبان و ادبیات ثابت نموده است. در دیوان او قریب به دویست بیت عربی وجود دارد، منتها این ابیات عموماً رمز ناگشوده و همراه با مشکلات چاپی و اِعرابی است که عدم اصلاح آن در گام نخست به مخاطب شعرش، اجازه نمی‌دهد با آن، ارتباط برقرار کند. در این بین، قصیده‌ای شصت و شش بیتی به عربی است که به گواهی مصححان دیوان شاعر «از لحاظ استعمال لغات، ترکیبات، ضمائر، صفات، وزن، آهنگ اشتباهات، ناهماهنگی‌ها و لغزش‌هایی، حتی در نقل آیات قرآنی دیده می‌شود که از نظر ارباب دانش و بینش پوشیده نیست؛ با این همه ما آن را - برای حفظ امانت، بدون تصرّف در متن - نقل نمودیم» (ابن حسام، ۱۳۶۶: ۳۱).

این پژوهش می‌کوشد قصیده‌ی مزبور را ضمن تصحیح انتقادی و ضبط دقیق، ترجمه و به عنوان یک ماده‌ی خام در اختیار پژوهشگران و علاقمندان شعر ابن حسام قرار دهد و سپس در حدّ توان به تحلیل شکلی و محتوایی قصیده بپردازد و با ذکر چند دلیل و مثال، ارتباط بخشی از آن را با ادبیات عربی خاصه قصیده‌ی "برده" از شرف الدین بوصیری اثبات نماید. پیش از این، تحقیقی در موضوع مقاله‌ی حاضر انجام نشده است و این بعد از شخصیت ابن حسام، مغفول و سزاوار بررسی‌های بیشتر است.

نسخه‌ی اساس ما در این بررسی، جدیدترین چاپ، *دیوان مولانا محمد بن حسام*

۱. برای اطلاعات بیشتر رک. به: علی بن حسن الباخری، *دُمیة القصر و عَصْرَةُ أَهْلِ القصر*، ۱۴۱۴ هـ ج ۲: ۷۸۶، ۹۸۲، ۱۴۴۴، ۱۴۴۹ و عبدالملک بن محمد ثعالبی، *تَمَمَةُ یَتِیمَةِ الدَّهْرِ فی محاسن أَهْلِ العَصْرِ*، ۱۴۰۳ هـ: ۲۶۵، ۲۷۶.

خوسفی، به پایمردی و اهتمام دکتر مرادعلی واعظی در سال ۱۳۹۰ خواهد بود. این چاپ، تصحیح نسخه ی ابوالمحجن محمد است که در روز چهارشنبه، دوازدهم ذوالقعدة سال هشتصد و نود و هفت؛ یعنی بیست و دو سال پس از وفات ابن حسام از کتابت آن، فراغت یافته است.

ضبط و برگردان ابیات عربی قصیده

۱- إِطْلَعْتُ الْبَدْرَ لَيْلًا وَ هُوَ كَشَمْسِ الضَّحَى نُوْرُهُ يَسْعَى كَسَاعٍ قَدْ سَعَى بَيْنَ الصَّفا

شبی طلوع ماه تمام را در حالی می نگریستم که او مانند خورشید نیمروز بود؛ نورش مانند کسی که میان صفا [و مروه] تلاش می کرد، سعی و تلاش داشت.

در هر دو چاپ دیوان ابن حسام، مضاف در ترکیب "الشمس الضحی" الف و لام داشت.

۲- ضَوْءُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ مِنْ ضَوْضَائِهِ لَمَعُهُ كَزَجَاجَةٍ فِيهَا مَصَابِيحُ الضِّياءِ

نور او مثل ستاره ای تابان در میان سایر انوار بود؛ روشنایی او چون شیشه ای بود که در آن، چراغ های پر نور بود.

واژه ی "ضوءاء" در فرهنگ لغت ها به معنای مهممه، هیاهو و شلوغی است که با فضای این بیت، همخوانی ندارد؛ احتمال می رود به جای "أضواء" به کار رفته باشد.

ضبط "ضوءه" نیز این گونه بود: "ضَوْه".

۳- وَجْهُهُ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرِ كَبْرَقٍ لَامِعٍ او كِمَصْبَاحٍ مُّضِيٍّ فِيهِ مَشْكُوهُ الدُّجَا

چهره ی او نور علی نور است، بسان برقی تابان یا چراغی درخشان است که در آن، مشکاتی در تاریکی باشد.

۴- شُعْبَةٌ مِنْ أَصْلِهِ فَرَعٌ يُضِيُّ بِه الظُّلَمَ شُعْلَةٌ مِنْ نَارِهِ نُوْرٌ يُنِيرُ بِه العِشا

بخشی از اصل، فرعی که به واسطه ی آن، تاریکی را روشن می کند و شعله ای از آتش آن، فروغی است که شب را نورانی می سازد.

در نسخه ی اساس ما، "بالظلم" بود، اما از آنجا که "يُضِي" متعدی است و حرف باء، به معنای استعانت در اینجا بهتر است، ضبط احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک دقیق تر است.

- ۵- قُلْتُ يَا مَنْ أَجْمَلُ مِمَّنْ لَهُ وَجْهٌ حَسَنٌ اخْبِرْنِي عَنْ مُحَيَّاكَ الْجَمِيلِ وَ الْبَهَا
گفتم: ای کسی که از زیبارو، زیباتری! مرا از رخسار زیبا و با شکوهت خبر ده!
"محیا" مذکر است. پس صفت، "الجمیل"، هم باید مذکر باشد.
- ۶- أَنْتَ بَرَقَ بَارِقٌ أَمْ شَارِقٌ مُبَيِّضٌ أَمْ سِرَاجٌ لَامِعٌ أَمْ أَنْتَ وَجْهٌ الْمُصْطَفَى
تو برق تابان، نور درخشان، چراغ فروزان یا چهره ی مصطفیایی؟!
در هر دو چاپ، "مُبَيِّضُهُ" بود که باید با موصوف مذکر تطبیق داده شود.
- ۷- الرَّسُولُ الصَّادِقُ الصَّدِيقُ فِي تَبْيَانِهِ الشَّفِيعُ الْمُشْفِقُ الْمُسْتَشْفَعُ يَوْمَ الْجَزَا
رسول صادق، بسیار راستگو در سخنانش، همراه، مهربان و کسی که در روز جزا،
شفاعت می کند.
- "یوم الجزا" ترکیب اضافی است؛ بنابراین الف و لام باید حذف می شد. البته در چاپ
نخست دیوان، "الیوم الجزا" آمده که بی نقص است.
- ۸- النَّبِيُّ الْهَاشِمِيُّ الْأَبْطَحِيُّ الْيَثْرَبِيُّ الْقَرِيشِيُّ الَّذِي مَا جَاءَ إِلَّا بِالْهُدَى
پیامبر هاشمی، مکی و مدنی و قریشی که تنها هدایت آورد.
- ۹- ذُو خِطَابٍ ذُو كِتَابٍ ذُو ثَنَاءٍ فَاخِرٍ ذُو صِفَاتٍ مُكْرَمَاتٍ ذُو كَمَالَاتٍ الْعَلَى
سخنور، صاحب کتاب، قابل ستایش و دارای ویژگی های پسندیده و کمالات بی نظیر.
- ۱۰- ذُو الْكَرَامَةِ وَالْإِمَامَةِ وَالْمَقَامِ هَادِيًا ذُو النَّبُوَّةِ وَالْمُرُوَّةِ وَالْفُتُوَّةِ وَالشَّخَا
بزرگوار، پیشوا، والامقام، پیغامبر، جوانمرد، دلاور و سخاوتمند.
- ۱۱- صَاحِبُ الْمِعْرَاجِ وَالْمِنْهَاجِ وَالتَّاجِ الْمُنِيرِ نَاصِبُ الْآيَاتِ وَ الرَّأْيَاتِ وَقُضْبُ اللَّوَا
صاحب معراج، ره یافته، صاحب تاج درخشان، دارای آیات و پرچم ها و چوب علم های
برافراشته.
- "قُضْبُ اللَّوَا" ترکیبی اضافی است و الف و لام در دیوان، زائده است.
- ۱۲- رَايَةً مِنْ فَتَحِهِ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحٌ آيَةً مِنْ رُشْدِهِ مَا صَلَّتْ صَاحِبُكُمْ وَ مَا
پرچمی از سوی او "نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحٌ قَرِيبٌ" است. آیتی از عقل و درایت او شما را
گمراه نمی کند و نه...
- "رایت" و "آیت" در دیوان، طبق رسم الخط فارسی نوشته شده اند. مصراع دوم از نظر

زبانی، سست است؛ چون "آیه" در این آرایش نحوی، فاعل "ضَلَّ" است، پس فعل باید مؤنث باشد. همچنین "ضَلَّ" در زبان عربی، فعل لازم است، اما در اینجا "صاحب" مفعول به ی آن است. وانگهی "ما" نفی در پایان بدون فعل یا اسم آمده است.

۱۳- وَجْهَهُ كَالْبَدْرِ وَ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ كَوَجْهِهِ السَّرَّاجَانِ الْمُنِيرَانِ اسْتَنَارَا مِنْهُمَا
چهره ی او مانند شبِ چهارده و شبِ چهارده مانند چهره ی اوست. دو چراغند که از یکدیگر نور می گیرند.

۱۴- تَغْرُهُ كَالدَّرِ مَكْنُونَا بِلَعْلِ كَاتِمٍ أَوْ كَبَرْدٍ مُبْهِمٍ لَزَالٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ
دهان او چونان مروارید درشتی است که با لعل پوشیده، پرشده یا چون تگرگی ناشناخته در دل آسمان است.

۱۵- عَيْنُهُ مَكْحُولَةٌ مِنْ كُحْلِ مَا زَاغَ الْبَصَرُ شَعْرُهُ مُسَوَّدٌ كَاللَّيْلِ فِي وَقْتِ السَّجَا
چشم او از سرمه ای سیاه شده که دیده نمی تواند از آن دل بکند، موی او سیاه مثل شب تار است.

واژه ی "شعر" در عربی مذکر است، اما خبر مشتق آن در هر دو چاپ دیوان، مونث با تای مدوره بود.

۱۶- وَرْدَةٌ مِنْ خَدِّهِ رِيحَانٌ فِرْدَوْسُ النَّعِيمِ نَفْحَةٌ مِنْ خَطِّهِ مِسْكٌ مُعَطَّرٌ فِي الْخَطَا
گل سرخی از گونه ی او گیاه خوشبویی از فردوس پر نعمت است، بوی خوشی از خطِ عذار او مشک معطری در منطقه ی ختاست.

"وردت" و "نفحت" با رسم الخط فارسی نوشته شده بود. همچنین در "مسک المعطر" صفت با موصوف در داشتن الف و لام هماهنگ نبودند.

۱۷- شَمَّةٌ مِنْ لُطْفِهِ رِيحٌ تَلْخَلُجُ فِي الرِّيَاضِ سَطْوَةٌ مِنْ غَيْظِهِ نَارٌ تَلْهَبُ فِي اللَّظَا
شمه ای از لطف او نسیمی است که در باغ ها به جریان در می آید. جلوه ای از خشم او آتشی است که در دوزخ، شعله کشید.

"وردت" و "نفحت" در دیوان با تای مبسوطه نوشته شده اند. فاعل "تَلْهَبُ"، باید ضمیر مؤنث باشد؛ از اینرو "تَلْهَبُ" درست به نظر نمی رسد.

۱۸- شَمَّ شَمَلَتَهُ شَمَالِيٌّ وَ صَارَ مُعَطَّرَا عَنْ شَمَامَتِهِ الشَّمَالُ وَ عَنْ عَمَامَتِهِ الصَّبَا

باد شمال، دستارش را بویید؛ شمال از بوی خوش آن و صبا از عمامه ی او عطرآگین شد.

معنا وقتی درست می شود که "شملة" مفعول به و منصوب باشد، ولی در دیوان، مرفوع بود. گفتنی است انواع بادها مثل دبور، سموم، شمال و صبا از لحاظ صرفی، مؤنث به شمار می روند؛ بنابراین "صارت معطره" موجه تر بود.

۱۹- قِمَّةُ السَّقْفِ الْمُسَبَّحِ قُبَّةٌ مِنْ قَصْرِهِ رَوْضَةُ الْجَنَّاتِ بُسْتَانٌ لَهُ فَيْمًا يَشَا
بالای سقف آسمان هفتم، گنبدی از قصر اوست، باغ بهشت، بوستانی است که هر چه می خواند در آن است.

سه واژه ی "قِمَّة"، "قُبَّة" و "رَوْضَةُ" با تای مبسوطه نوشته شده بودند.
۲۰- مِنْ بِيوتِ مُكْرَمَاتٍ بَيْتُهُ بَيْتُ الْحَرَمِ مِنْ دَوْرِ مَفْعَرَاتٍ دَارُهُ دَارُ الْبَقَا
خانه او در میان خانه های کریمان، بیت الحَرَم است و منزل او در میان خانه ی افتخارات، دار البقااست.

۲۱- قاصِرَاتِ الطَّرْفِ عَيْنٌ خَادِمَاتُ الرُّوضَةِ الَّتِي فِيهَا خَفِيَ جِسْمُهُ تَحْتَ الثَّرَا
زنانی باشرم و آرم و زیبارو، خدمتگزاران، باغی هستند که جسم او در زیر آن خاک، مدفون شده است.

"رَوْضَةُ" نکره و با "الَّتِي" وصف شده بود که عدم مطابقت آن، آشکار است. همچنین این واژه، مرفوع بود، اما بهتر است مفعول به برای "خادِمَات" در نظر گرفته شود.

۲۲- قَالَ عَزَّ وَجَلَّ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِهِ لَيْلَةً مِنَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى إِلَى قَرْبِ دَنَا
خداوند بزرگ و بلندمرتبه گفت: منزّه خدایی که او را در یک شب از مسجد الأقصى به قاب قوسین یا نزدیک تر رساند.

"المسجد الأقصى" (مسجد دورترین) در عربی، ترکیب وصفی است اما در دیوان، اضافی بود.

۲۳- إِذْ رَأَى فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى نُزُولًا خَالِدًا قَدْ رَأَى مِنْ نَزْلِهِ أُخْرَى سِوَى مَا قَدْ رَأَى
آن زمان که در جَنَّةِ الْمَأْوَى، اقامت جاودانه خود را دید، در توقف بعدی جز آنچه چشم می بیند، دریافت.

در هر دو چاپ دیوان شاعر، مضاف نیز در ترکیب "جَنَّهُ المَأْوَى" الف و لام داشت.
 ۲۴- جَاوَزَ السَّبْعَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى فِي طَرْفَةٍ ثُمَّ بَلَغَ الْمُنْتَهَى مِنْ ثُمَّ بَلَغَ الْمُنْتَهَى
 از هفت آسمان بلند در یک چشم زدن گذشت سپس به سدره المنتهی (درختی در
 آسمان هفتم) رسید و به پایان آن رسید.

۲۵- إِذْ تَجَاوَزَ مِنْ مَقَامِ الرُّوحِ بَلَغَ رَفْرَفًا ثُمَّ سَارَ بِرَاقُهُ حَتَّى عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَا
 آن زمان که از مقام روح، فراتر رفت، به اوج رسید. سپس براق او رفت تا به عرش
 واصل شد.

۲۶- كِرَامُ الرُّسُلِ أَعْلَى بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضِهِمْ وَ هُوَ فِي الدَّارَيْنِ أَعْلَى رِفْعَةً مِمَّنْ عَلَا
 برخی از پیامبران بزرگوار بر برخی دیگر برتری دارند. اما او در دو جهان از تمام بزرگان،
 مقام و جایگاه والاتری دارد.

"کرام الرسل"، مقلوب "الرسل الکرام" است؛ بنابراین مضاف بایستی بدون الف و لام
 می آمد.

۲۷- إِذْ تَلَأَ مِنْ جَبِينِ أَبِيهِ آدَمَ نَوْرَهُ صَارَ مَسْجُوداً لِسُكَّانِ السَّمَاءِ عَلَى الْمَلَأِ
 آن زمان که نور او از پیشانی پدرش، آدم، درخشید، ساکنان آسمان بر او آشکارا سجده
 کردند.

۲۸- التَّقَى الْمَاءَ الْعَذَبَ عَلَى قَضَاءٍ قَدِ قَدِرَ فِي سَفِينَتِهِ النَّجَى مِنَ الْهَلَاكِ فَقَدْ نَجَا
 بنا بر قضایی که مقدر شده بود، به آب گوارا رسید. نجات یافته از مرگ در کشتی او
 رهایی یافت.

"الماء العذاب" را در دیوان باید اصلاح می کردیم.

۲۹- إِنَّهُ مَنْ رَكَبَ فِيهَا قَدْ نَجَى مِنْ غَرَقَةٍ فَارْكَبُوا فِيهَا نَجَوْتُمْ مِنْ عَمِيقَاتِ الْبَلَا
 هر کس در آن، سوار شد، از غرق شدن نجات یافت پس سوار بر آن شوید، از عمق
 بلاهای می یابید.

۳۰- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ لَهُ أَبًا وَ دَعَا لَهُ بِالتَّبَوُّهِ وَ التَّبَوُّهُ بَعْدَهُ فِيهِ ادَّعَا

ابراهیم، پدرش بود و به پیامبری او فرا خواند و نبوت پس از او ادعاست.

در آخر بیت، به جای "ادَّعَا"، "دعا" آمده که معنای آن، درست نمی شد.

- ۳۱- أَوْمَضَ الْبَرْقُ الَّذِي مِنْ نُورِهِ فِي ظُلْمَةٍ استنارَ به كَلِيمُ اللَّهِ نَاراً إِذْ رَأَى
پرتویی که از نور او در تاریکی درخشید، کَلِيمُ اللَّهِ وقتی آن را دید، از آن نور گرفت.
- ۳۲- الْمُبَشِّرُ بِاسْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ قَبْلِهِ صَاحِبُ الْإِنْجِيلِ رُوحُ اللَّهِ رُوحُ الْأَنْبِيَا
کسی که قبل و بعد از او نامش را صاحب انجیل، روح الله و روح الانبياء بشارت داده بود.
رفع "انجيل" در دیوان به عنوان مضاف إليه درست نیست.
- ۳۳- اسْمُهُ الْمَيْمُونُ فِي الْأَفَاتِ حِرْزٌ حَارِسٌ خُلِقَهُ الْعُظْمَى دَوَاءً كَافِيٌّ مِنْ كُلِّ دَاءٍ
نام مبارک او در بلاها، حرزی پاسدار است. اخلاق کریم او هر دردی را دوا می کند.
- ۳۴- قَدْ أَشَارَ بِأَصْبَعِهِ الْقَمَرُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ تِلْكَ مِنْ آيَاتِهِ الْكُبْرَى دَلِيلٌ بِالْهُدَى
با انگشتش به ماه اشاره کرد و ماه شکافته شد. آن از نشانه های بزرگ و گواه هدایت
است.
- ۳۵- قَدْ أَجَابَتْهُ الْجِبَالُ الرَّاسِخَاتُ وَ كَلَّمَتْ حَيْثُ طَلَبَ الْمَاءَ مِنْهَا عَاطِشاً وَ قَدْ ابْتَغَى
کوه های استوار به او پاسخ دادند و آنجایی که تشنه از آن، درخواست آب کرد، سخن گفتند.
- ۳۶- حَفَّتِ الْأَشْجَارُ فِيهَا بَيْنَهُ مِنْ حَوْلِهِ ثُمَّ صِرْنَ لَهُ حِجَاباً وَ افْتَحَرْنَ بِمَا خَلا
درختان دور او را در کوه ها محاصره کردند و برای او حجاب شدند و به خلوت او
مباهات کردند.
- ۳۷- حِينَ ضَمِنَ الصَّيْدُ لِلصَّيَادِ اسْتِرْجَاعَهُ جَاءَتِ الظُّبَى الَّتِي ضَامَنْهَا حَتَّى الرَّشَا
آن زمان که صید، بازگشتش را برای صیاد ضمانت کرد. آهوپی که آن را ضمانت کرده
بود، آمد و حتی طنابش را برگرداند.
- حرکت "استرجاع" در در دیوان، ضمه بود.
- ۳۸- دَفَعَ ضَرَّ اللَّحْمِ مَسْمُوماً لِكَيْلَا يَأْكُلَهُ ظَهَرَ مِنْهُ مُعْجَزٌ حَتَّى تُكَلِّمَهُ الشَّوْى
گوشت را در حالی که مسموم بود، کنار زد تا آن را نخورد. از او معجزه ای دیده شد به
طوری که گوشت بریان هم با او سخن گفت.
- "دفع" در قصیده ی اصلی، مضموم و "ضَرَّ"، مجرور بود.
- ۳۹- مَنْ رَأَى بُرْهَانَهُ حَقًّا وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ كَانَ فِي الْأُولَى عَمَى وَ أَضَلُّ فِي الْأُخْرَى عَمَا
هر کس برهان او را حق یافت و به آن ایمان نیاورد، در دنیا کور و در آخرت، گمراه تر

و نابینا تر خواهد بود.

۴۰- إِنْ تَطِيعُوا أَمْرَهُ طَوْعاً فَخُذُوا مَا جَاءَكُمْ وَ اقْبَلُوا مَا سَنَّ فِيكُمْ وَ انْتَهُوا عَمَّا نَهَى
اگر فرمان او را از سر اختیار اطاعت کنید، آنچه را برای شما آورده، بپذیرید و آنچه را
در میان شما سنت کرده، قبول کنید و از هر آنچه نهی کرده، پرهیزید!
جواب شرط، فعل امر است؛ از اینرو بایستی فاء بر سر "خذوا" می آمد.

۴۱- طَاعَةٌ كَانَتْ بِلَا مَرْضَاتِهِ لَيْسَتْ بِشَيْءٍ كَالسَّرَابِ بَقِيعَةً يَحْسِبُهُ الظَّمَانُ مَاءً
اطاعتی که بدون خشنودی او باشد، ارزشی ندارد، همچون سراب در بیابان است که
تشنه، آن را آب می پندارد.

۴۲- قَدْ أَطَالَ قِيَامُهُ بِتَهَجُّدٍ وَ تَجَهُّدٍ ظَهَرَ مِنْهُ هَذِهِ مِنْ حَيْثُ رَجُلَاهُ اشْتَكَا
شب زنده داری و تلاش او طولانی است. این عمل او موجب شده، پاهایش شکایت
کنند.

۴۳- مَنْ تَمَسَّكَ عُرْوَةً مِنْهُ فَقَدْ هَدَى الصِّرَاطَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ فَقَدْ ضَلَّ السَّبِيلَ وَ مَا هَدَا
هر کس به ریسمان او چنگ بیندازد، به صراط [مستقیم] هدایت می شود و هر کس
از او باز ماند، راه را گم می کند و هدایت نمی شود.

"عروت" به تایی مبسوطه نوشته شده بود و به جای "فقد"، بر سر جواب شرط، "فقط"
بود. همچنین جواب شرط در مصراع دوم، ماضی و همراه "قد" آمده که در این صورت
فاء هم باید بیاید.

۴۴- إِنْ تَحَبَّبْتَ الْهَوَى فَاْهَوَى الْهَوَى فِي حُبِّهِ وَ الْهَوَى مِنْ غَيْرِهِ لَا بَارَكَ اللَّهُ الْهَوَى
اگر عشق را دوست داری، بهترین نوع عشق در دوستی اوست. خدا، عشق غیر از او را
مبارک نگرداند.

جواب شرط، جمله ی اسمیه و لازم است که همراه فاء جزا باشد.

۴۵- إِنْ تَفَاخَرْتُمْ بِآلٍ فَاقْبَلُوا أَوْلَادَهُ خَيْرُ آلٍ أَلَّهُ أَحْفَادُهُ خَيْرُ الْوَرَى
اگر به خاندان او مباهات می کنید، فرزندان او را بپذیرید. بهترین خاندان، خاندان
اوست. فرزندان او بهترین مردمند.

۴۶- قَالَ فِي التَّوْدِيعِ لِلْأَصْحَابِ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فُرْقَانَا وَ أَوْلَادِي هَمَا

در مراسم وداع با اصحاب گفت: من در میان شما ثقلین؛ یعنی قرآن و فرزندانم را باقی می گذارم.

به نظر "هما" در این بیت تنها به ضرورت وزن و قافیه آمده؛ زیرا کارکرد معنایی و توجیه نحوی ندارد.

۴۷- إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَذَيْنِ اللَّذَيْنِ فَتَهْتَدُوا ذَاكُمَا يَدْلَانِكُمْ حَوْضِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا
اگر به این دو که [ذکر شد] چنگ بزنید، هدایت می شوید. این دو، شما را به حوض هدایت می کنند و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند.

شاعر، صله را پس از موصول، "اللَّذَيْنِ"، نیاورده است؛ هر چند می توان صله را حدس زد، ولی نحویان، حذف صله را جز در موارد خاص جایز نمی دانند. در دیوان نیز به جای "يَدْلَانِ"، "يَضْلَانِ" آمده، اما با عکس آن؛ یعنی راهنمایی و هدایت کردن معنا درست می شود. مضاف بر آن، "يَضْلَانِ" همان طور که گذشت - لازم است، اما مفعول به دارد. همچنین "حَوْضِي" نیز منصوب به نزع خافض (إِلَى) بوده است.

۴۸- أَيُّهَا الرَّاجُونَ وَالتَّاجُونَ مِنَ الْطَافَةِ سَلِّمُوا صَلَّوْا عَلَيْهِ وَآلِهِ أَهْلَ التَّقَى
ای نجات یافتگان و امیدواران به الطاف او! سرفرواد آرید و بر او و خاندان پرهیزکارش درود بفرستید.

۴۹- يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْرِكْنَا فَإِنَّا نَحْنُ فِي شِدَّةِ الْمَرَضِ وَنَرْجُو مِنْ شَفَاعَتِكَ الشِّفَا
ای فرستاده ی خدا! ما را دریاب؛ زیرا ما در اوج مریضی هستیم و با شفاعتِ تو به شفا امیدواریم.

"شَدَّتْ"، رسم الخط فارسی داشت و الف در "نرجوا"، زائد بود. ضمنا به جای "المرض"، "المرضى" را آوردیم؛ زیرا مَرَضَى در عربی، جمع مریض است و در اینجا لطافتی ندارد.
۵۰- أَنْتَ كَشَافُ الْهُمُومِ وَنَحْنُ مَغْمُومُونَ بِهِ مَسَّنَا ضُرٌّ وَجِئْنَا بِالْإِنَابَةِ وَالرَّجَا
تو از بین برنده اندوه هایی و ما به آن گرفتاریم. ما آسیب دیده ایم و گریه و زاری و امید آوردیم.

در هر دو چاپ، "مغموم" بود، اما از آنجایی که خبر مفرد و مشتق است، باید با مبتدا مطابقت نماید.

۵۱- یا رجاء الخلقِ قد جئنا ببابک راجین
 ای امید مردم! در خانه ی تو امیدوار آمده ایم. تحفه ای که به آن امید داشته باشیم،
 جز مدح و ستایش نداریم.

"رجاء"، منادای مضاف و منصوب است؛ بنابراین ضمه ی آن در قصیده، درست نبود.
 "راجین" حال و منصوب است و لازم است با صاحب الحال (نا) از نظر عددی مطابقت
 داشته باشد اما در دیوان، "راجیا" بود. همچنین "تحفَت" با تایی مبسوطه و "ترجوا" با
 الف فارقة بود.

۵۲- اعترفنا بالذنوبِ و بالخطايا كلها
 یا شفیع المذنبین الخاطئين اشفع لنا
 به تمام گناهان و اشتباهات خود اعتراف کردیم. ای شفیع گناهکاران و خطاکاران! برای
 ما شفاعت و وساطت بکن!

اعراب "شفیع" در این بیت و "کریم" در بیت بعد بنا بر منادای مضاف، تغییر کند.
 علاوه بر آن، ضمیر در "کله" در هر دو چاپ از دیوان با قبل از خود مطابقت نداشت
 که اصلاح شد.

۵۳- عندک النعماء و الإحسان من أخلاقکم
 یا کریم الجود فانظرنا و أذن بالصلا
 لطف و نعمت اخلاق نزد شماست. ای بخشنده! به ما نظر کن و اجازه ی درود بده!
 ۵۴- یا نبی المصطفی یثنی علیک ابن الحسام
 فی الغداة و فی العشی و فی الصباح
 و فی المساء

ای پیامبر برگزیده! ابن حُسام بامداد و شامگاه، صبح و بعدظهر تو را ستایش می کند.
 ۵۵- ما یُریدُ به من الدنیا نصیباً و افراً
 بل یُریدُ لِقاکَ فی حشرٍ علی وجه الرضا
 از دنیا بهره ی زیادی نمی خواهد بلکه دیدار تو را در روز حشر از سر رضایت طلب
 می کند.

۵۶- أیها الإخوانُ بعدَ الهاشمی تمسکوا
 بالوصی السید السند التقی المقتدا
 ای برادران! پس از پیامبر هاشمی به جانشین، سرور، معتمد، پرهیزگار و پیشوا تمسک
 بجوید!

۵۷- و الإمام السابق الصدیق هادٍ مهتدٍ
 و الأمير العادل الفاروق قطب الأولیا

امام، راستگو، هادی و هدایت یافته، امیرالمؤمنین، عادل، جدا کننده ی حق و باطل و ستون اولیاء الله.

۵۸- و الْحَلِيمِ الْمُتَّقِيِ الْمَعْصُومِ زَاكِ طَاهِرٍ و الْكَرِيمِ الْبَاذِلِ الْوَهَّابِ أَسْحَى الْأَسْحَا
بردبار، پرهیزکار، معصوم، پاک و طاهر، سخاوتمند، اهل داد و دهش و بخشنده
بخشندگان.

۵۹- قَاتِلِ الشُّجْعَانِ وَ الْأَبْطَالِ فِي يَوْمِ الْقِتَالِ ضَارِبِ بِالصَّارِمِ الْمَسْلُوقِ فِي صَفِّ الْغَزَا
قاتل دلیران و دلاورمردان در روز جنگ، شمیر زن با تیغ آهیخته در صف نبرد [تمسک
بجوید!].

گویا الف و لام در "صارم" به عنوان موصوف، حذف شده است. "الصف" هم پس از
حرف جر، مفتوح بود.

۶۰- بَعْدَ إِثْبَاتِ التَّبَوُّهِ وَ الْإِمَامَةِ فَانْظُرُوا وَ اطْلُبُوا الرِّضْوَانَ فِي مَرْضَاءِ سَيِّدَةِ النَّسَا
پس از تأیید نبوت و امامت بنگرید و بهشت خدا را در خشنودی سرور زنان عالم بیابید!
۶۱- زَايِرَاتُ الرُّوْضِ فِيهَا جِسْمُهَا مَقْصُودَةٌ خَالِدَاتُ الْجَنَّةِ الْخُلْدِ الَّتِي سُكْنَى بِهَا
دیدارکنندگان از باغ ها ظاهر آن را مدّ نظر دارند. کسانی که در بهشت سرمدی سکنی
دارند، جاودان اند.

"مرضاه" در بیت قبل و "مقصوده" در این بیت با تای مبسوطه نوشته شده بود.
۶۲- بَعْدَهَا سِبْطَا رَسُولِ اللَّهِ كَانَا هَادِيَيْنِ سَيِّدَا شَبَّانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْخُلْدِ الْعُلَا
پس از او (نبوت او) دو نوه ی رسول خدا، سرور جوانان بهشت برین، هدایت گر شدند.
"هادیا" در قصیده باید به "هادیین" تغییر کند؛ زیرا خبر "کانا" و مشتق است.
۶۳- قُرَّتَا عَيْنِي رَسُولِ اللَّهِ بِضْعَا نَفْسِهِ قَالِ فِي آثَارِهِ أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا
دو نور چشم رسول خدا و پاره ی تن همو بودند. در احادیت فرموده: فرزندان ما جگر
گوشه های ما هستند.

۶۴- إِذْ تَوَلَّيْتُمْ بِهَذَا الْخَمْسِ فَاَعْتَصِمُوا بِهِمْ قَدْ تَمَنَّى الرُّوحُ كَوْنًا سَادِسَ الْخَمْسِ الْعَبَا
آنگاه که به این پنج تن روی آورید و به آنان دل ببندید، جان آدمی، نفر ششمی را هم
برای این پنج تن آل عبا تمنا می کند.

عبارت های "هذا الخمس" و "كونا سادسَ الخمسِ العبا" را شاید بتوان با تکلف و دشواری توجیه کرد، اما سلیس و فصیح بودن آن، جای شک دارد.

۶۵- إِنْ تَعَلَّقْتُمْ بِهِمْ فَهَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ جَاهِدُوا فِي حَقِّهِمْ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
اگر به آنان، دل ببندید، آن، صراط مستقیم است. در حق آنها بکوشید و خداوند هر کس را بخواهد، هدایت می کند.

جواب شرط در مصراع اول، جمله ی اسمیه است؛ بنابراین باید فاء بر سر آن بیاید.

۶۶- إِنْ طَلَبْتُمْ مِنْهَجَ الْإِرْشَادِ فَقَدْ أُرْشِدْتُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْكِرَامَةَ وَالْهُدَى
اگر به دنبال راه هدایت هستید، شما را راهنمایی کردم و سلام بر کسی که دنباله روی بزرگواری و هدایت باشد!

جواب شرط در مصراع اول، فعل ماضی و همراه با «قد» است؛ بنابراین باید فاء بر سر آن بیاید.

نقد محتوایی و فنی قصیده

این قصیده، شصت و شش بیت دارد که پنجاه و شش بیت از آن به ستایش رسول خدا (ص) و ذکر معجزات وی اختصاص دارد و مابقی به منقبت امام علی (چهار بیت)، حضرت زهرا (دو بیت)، امام حسن و امام حسین (دو بیت) و سلاله ی پاک حضرت رسول (سه بیت پایانی) می پردازد؛ بنابراین عنوان "در نعت امام جعفر صادق (ع)" با محتوای اشعار، هماهنگ و مرتبط نیست و بهتر است به نعت و منقبت رسول الله (ص) تغییر یابد.^۱

جمله ها و نظام جمله ها در این قصیده، ساده و فارغ از پیچیدگی های نحو عربی

۱. ذکر فضایل پیامبر (ص) و خاندان او (ع) برای هر مسلمان معتقدی در سرتاسر قلمرو جهان اسلام، اصالت و شرافت ذاتی دارد و سخن و ستایش از ایشان برای او دلکش است اما نوعاً «شعری که درباره ی مرده، سروده می شود، رثاء» و درباره ی حضرت رسول (ص) "مدیح" نام دارد. گویا تبدیل واژه ی رثاء به مدیح، به زنده بودن پیامبر بزرگ اسلام و شریعت او اشاره دارد. شاید هم بتوان گفت: شعر رثاء، رثا نامیده نمی شود مگر این که پس از مرگ گفته شود، ولی اگر پس از مدت طولانی سروده شود، مدیح است؛ از اینرو حسان بن ثابت در رثای رسول الله (ص) شعر سروده و بوصیری به مدح او پرداخته است» (شیخ أمین، ۱۹۸۶ م. ۲۶۱). شایان ذکر است در ادبیات فارسی معمولاً از به کار بردن واژه ی مدح برای پیامبر (ص) و ائمه ی اطهار (ع) ابا دارند تا ایشان را از صف ممدوحان بر کشند؛ به این دلیل در عنوان قصیده ی حاضر نیز از واژه ی "نعت" به جای مدح و ستایش استفاده شده است.

است. چنان که بسیاری از واژه‌های این قصیده نیز برای مخاطب ایرانی، آشنا و برگرفته از متون دینی و یا ذخیره‌ی واژگانی عربی در فارسی است؛ از این رو تا حدود زیادی، خوش‌خوان و خوش‌فهم است. اصولاً شاعران آیینی از واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌های قرآن کریم و حدیث شریف و دعاها، بسیار بهره می‌گیرند و تلاش می‌کنند آن فضای اصیل را در خلال شعر برای مخاطب، تداعی و تصویر کنند. دست کم در حوزه‌ی شعر متعهد و در نگاه شاعران آیینی، «وقتی در نظر بگیریم که کتاب آسمانی، احادیث، ادعیه و متون اصلی عرفان همه به زبان عربی هستند، آشکار میشود که واژه‌های زبان عربی، در جایگاه زبان دین، در هاله‌ای از تقدس و پرمعنایی قرار گرفته‌اند» (خبازها، ۱۳۹۲: ۱۵۲) علاوه بر آن، این قصیده، سرشار از تلمیحات و اشارات به آیات و قصه‌های قرآن مثل حضرت آدم (بیت بیست و هفت)، حضرت ابراهیم (بیت سی)، حضرت عیسی (بیت سی و دو) و بویژه معجزات حضرت رسول (ص) است. اما بهترین مثال برای نشان دادن بازتاب قرآن کریم در این قصیده، مقایسه‌ی چهار بیت نخست آن با آیه‌ی سی و پنج سوره‌ی نور است.

قصیده‌ی مدحی در ادب عربی، ساختار ویژه‌ی خود را داشته و معمولاً مشتمل بر مقدمه‌ای غزلی، توصیف سختی‌های سفر و موضوع اصلی و سپس چند بیتی در حکمت بوده است. موضوع مثل وصف معشوقه، باده، بهار، باغ، شهرهای سوخته و غیره لاجرم در دوره‌ها و شرایط گوناگون تغییر کرده اما ساختار قصیده‌ی مدحی تا روزگار معاصر به ندرت به هم ریخته است. گفتنی است ابن حسام از همان بیت نخست تا پایان قصیده، صادقانه و از سر شوق به بیان فضایل اهل بیت و معجزات آنها می‌پردازد.

او در بیت یازدهم، حضرت رسول (ص) را "صاحب التاج المنیر" توصیف کرده و در بیت هجدهم برای او دستار و عمامه قائل شده یا از بیت سیزده تا هجده نگاهی غزلوار به پیامبر (ص) داشته است؛ یعنی چهره‌ی او را ماه شب چهارده و دهانش را مروارید و موی ایشان را شب تار و گونه‌اش را گل سرخ و خط صورت را مشک معطر دانسته است. اما شاعر در ادامه، حضرت علی (ع) را قاتل دلیران و دلاورمردان در روز جنگ و شمیر زن با تیغ آهیخته در صف نبرد (بیت ۵۹) توصیف می‌کند. این دوگانگی وصف‌ها نشان

از غلیان عواطف شاعر دارد و گواه شور و صداقت وی است. به عبارت روشن تر ابن حسام در بیان احساسات خویش بی آنکه به چهارچوب معینی پایبند باشد، به بیان عواطفش همّت گماشته است؛ از اینرو عاطفه در این قصیده، راستین و بی شائبه است.

بررسی جوانب شکلی و زبانی قصیده ی ابن حسام

قصاید در سده ی نهم هجری «بر خلاف اشعار ساده و روشن رودکی و فرخی مشحون است به صنایع مختلف و کلمات و ترکیبات مصنوع و هنرنماییهای خاص که بیشتر متوجه ظاهر است تا باطن» (احمدی بیرجندی، ۱۳۵۲: ۳۷۴). صنایع بدیعی مانند مراعات نظیر، لزوم مالا یلزم، انواع جناس، تضاد، ارسال مثل، لف و نشر، ترصیع، توشیح و غیره در قصاید ابن حسام نیز به فراوانی دیده می شود (ابن حسام، ۱۳۶۶: سی و هفت - چهل).

در قصیده ی حاضر نیز گاه احساس می شود، پرداختن به لفظ، معنا را تحت الشعاع قرار داده است. از آن جمله است: نُورُهُ یَسْعَى كَسَاعٍ قَدْ سَعَى بَيْنَ الصَّفا (بیت نخست) إِنْ تَحَبَّبْتُ الْهَوَى فَاْهَوَى الْهَوَى فِی حُبِّهِ/ و الْهَوَى مِنْ غَیْرِهِ لَا بَارَكَ اللهُ الْهَوَى (بیت چهل و چهار)

پاره ای از لغزش های زبانی هم در اشعار عربی وی وجود دارد که از آن جمله، برخی از مبتدا و خبرها، فعل و فاعل ها، ترکیب های وصفی و غیره نیز از لحاظ تذکیر و تأنیث با هم توافق ندارند؛ مثل "مُحِیَّاکَ الْجَمِیلَه"، "شَارِقٌ مُبِیضَه"، "شَعْرُهُ مُسَوَّدَه" و "شَعْلُهُ مِنْ نَارٍ نَوْرِهِ یَنْیِر". مضاف بر آن، ایرانیان، برخی از ترکیب های وصفی را در عربی مانند "الْحُورُ الْعِین" و "الْحَبْلُ الْمَتِین" را به ترکیب اضافی (حُور الْعِین و حَبْلُ الْمَتِین) تبدیل می کنند. ابن حسام هم سه ترکیب وصفی را اضافی به کار برده: "مَسْکُ الْمَعْطَر"، "مَسْجِدُ الْأَقْصَى" و "نَبِیُّ الْمَصْطَفَى". بر عکس، مضاف در پاره ای از ترکیب های اضافی نیز مثل الشَّمْسُ الضَّحَى، الْیَوْمُ الْجَزَاءُ، الْکَرَامُ الرِّسْلُ، الْقُضْبُ اللَّوَا و غیره نیز الف و لام گرفته است.

پیداست که زبان عربی در ایران، مسیر ویژه ی خود را پیموده و با توجه به دور بودن

خراسان از کشورهای عربی در آن، دستکاری‌هایی هم شده است که گاه گریته‌برداری از دستور فارسی چنین در این قصیده نیز بازتاب یافته است: «یا رجاء الخلقِ قد جئنا ببابک راجیا» (بیت پنجاه و یک) و «أَنْتَ كَشَّافُ الْهُمُومِ وَ نَحْنُ مَغْمُومٌ بِهِ» (بیت پنجاه) در این جمله‌ها، "راجین" و "مغمومون" درست است. چنان که عجمه و ایرانی بودن برخی از ترکیبات مانند "عمیقات البلا"، "شده المرضی" و "سادس الخمس العبا" در این قصیده به چشم می‌آید.

در بیت بیست و یک نیز می‌گوید: قاصراتُ الطَّرْفِ عِینِ خادِماتِ روضه
الَّتِی فِیْهَا خَفِی جِسْمُهُ تَحْتَ الشَّرا
همچنین ابن حسام در بیت چهل و هفت، صله را نیاورده است: «إِنْ تَمْسُکْتُمْ بِهِذِینِ
الَّذِینِ [؟] فَتَهْتَدُوا». چند بار هم فاء جزای را بر سر جواب شرط در مواردی که لازم
است، حذف کرده است (بیت ۴۰، ۴۳، ۴۴ و ۶۶). این دست خطاهای نحوی چه گناه
کاتبان و چه کوتاهی ابن حسام باشد، به هر روی، قابل توجیه نیست.
به نظر می‌رسد ابن حسام گاه در بیان مقصود خویش دچار ایجاز مُخِلّ یا اطناب مُمل
می‌گردد. مثلاً شاعر در بیت دوازده می‌گوید: "رَأِیْتُ مِنْ فَتْحِهِ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحٌ" و
مقصود، "فَتْحٌ قَرِیبٌ" است یا منظور از "قَدْ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا" در بیت نخست لابد "قَدْ
سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ" است یا "الْمُنْتَهَى" در بیت بیست و چهار، "سَدْرَةُ الْمُنْتَهَى"
است و یا مای نفی در پایان مصراع "آیَةً مِنْ رُشْدِهِ مَا ضَلَّ صَاحِبُکُمْ وَ مَا" (بیت دوازده)
آمده است که احتمال می‌رود "غوی" مطابق با آیه دوم از سوره ی نجم حذف شده
است.

از نمونه‌های اطناب هم می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

یا نَبِیُّ الْمِصْطَفٰی یُثْنِی عَلَیْکَ اِبْنُ الْحَسامِ

فِی الْغَدَاةِ وَ فِی الْعِشَاءِ وَ فِی الصَّبَاحِ وَ فِی الْمَسَا (بیت ۵۴)

ما یُرِیدُ بِهِ مِنَ الدُّنْیَا نَصِیْبًا وَافِرا

بَلْ یُرِیدُ لِقَاکَ فِی حَشَرٍ عَلٰی وَجْهِ الرِّضَا (بیت ۵۵)

که به نظر، ضروری نیست که سحر و شب و صبح و بعد ظهر را در بیت اولی و عبارت

"علی وجه الرضا" را بیت دومی تصریح نماید بلکه هوش و ذکاوت مخاطب، آن را تصوّر می کند.

لازم است در نوشتن قصیده ی عربی، رسم الخط عربی مثل همزه ی وصل، همزه ی قطع، یاء، الف مقصوره و غیره نیز رعایت شود. اما در این قصیده، بسیاری از واژه هایی که با تای مدوّر ختم می شوند، به همان صورت فارسی با تای مبسوطه نوشته شده اند. از آن جمله: رایه ی، آیه ی، شمه ی، نفحه ی، ورده ی، سطوه ی و غیره است. شایان ذکر است خطوط فارسی رایانه، امکان نوشتن درست تای مدوره و یاء عربی را به مصححان ارجمند نمی دهد. ولی دست کم با گذاشتن کسره قبل از یاء و علامت (ة) تا حدودی مخاطب را در درست خواندن متن کمک کرد.

عربی دانی ابن حسام

به شهادت احمد احمدی بیرجندی (۱۳۵۲: ۳۵۹)، مصحح دیوان ابن حسام، شاعر از جمله بر علوم اسلامی زمان خویش تسلط کافی داشته چنان که «از مطالعه ی دیوان محمد بن حسام و تعمّق در اشعارش چنین بر می آید که وی در صرف و نحو و معانی و بیان، نجوم، تاریخ و بویژه در تفسیر و حدیث و علم رجال و انساب تبخّری فوق العاده داشته است» (ابن حسام، ۱۳۶۶: سیزده) از دیگر قرائن عربی دانی او ترجمه ی منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) در بخشی از دیوان است. مثلاً شاعر در ترجمه ی "جالس الفقراء تزدّد شکرًا". به فارسی گفته:

چون توانگر نشست با درویش بیش دارد سپاس نعمت خویش
(ابن حسام، ۱۳۹۰: ۳۸۸)

یا جمله ی "جُد بما تجِد". را چنین به نظم در آورده است:

جود کن آن قدر که بتوانی کآنچه بدهی زیاده بستانی (همان، ۳۸۷)

ابن حسام بارها خود را به حسان بن ثابت انصاری، شاعر پیامبر (ص) مانند کرده و به آن عنوان مباحثات نموده است.^۱ اساساً *خاوران نامه* به *تازیان نامه* پارسی معروف است که

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ابن حسام، ۱۳۶۶: هفده

در آن به شرح و توصیف جنگ‌های حضرت علی (ع) و یارانش در خاور قلمرو اسلامی می‌پردازد. ابن حسام مدعی است که منشأ و مأخذ منظومه‌اش را از یک منبع تازی گرفته است:

چنین گفت دانای تازی سرای
که چون حیدر آن شاه کشورگشای
یا در جایی دیگر که در آن به سال به پایان رسیدن منظومه خود - سال ۸۳۰ هـ ق - نیز
اشاره دارد، می‌گوید:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی
شد این نامه تازیان پارسی
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۳)
بنابراین طبیعی است که شعر ابن حسان، پر از تلمیحات، نام‌ها، پهلوانان، ضرب‌المثل‌های
عربی و غیره باشد:
مباش ایمن ز بدخواهان اقرب / که اقرب را عرب گفتند: عقرب (ابن حسام، ۱۳۶۶:
سی و هشت)

سرودن ابیات و قصاید عربی نیز از توانایی و چیره‌دستی ابن حسام در آن زبان، نشان‌ها
دارد؛ چه سرودن شعر به زبان دیگر، علاوه بر دانستن، دلبستگی، پختگی و ذوق نیز
می‌خواهد.

تأثیرپذیری شاعر از ادبیات عربی در قصیده

از سقوط بغداد در سال ۶۵۶ تا ۱۲۱۳ هجری، دوره‌ی استیلای ترکان مملوکی و
عثمانی در کشورهای عربی است. این دوره از نظر ادبی، روزگار فترت و سستی و به
اصطلاح "عصر الإنحطاط" به شمار می‌رود. شاعران غالباً حتی در اشعار دینی، رفتار
بازی‌های لفظی و صنایع بدیعی‌اند. این صنعت کاری‌ها در جریان پرشوری موسوم به
"المدائح النبویه" رواج یافت.

به گمان ما بخشی از دل‌باختگی ابن حسام به صنایع لفظی به تأثیر از ادبیات عربی
در دوره‌ی ترکی است. فی‌المثل، ابن حسام از مجموع حروف نخستین هر بیت در

قصیده‌ی "سحریه"^۱ ابیاتی ساخته و پرداخته که یادآور صنعت "تطریز" در ادب عربی است. اصولاً این نوع لفظ پردازی‌ها در سرودن قصایدی بدون نقطه یا با حروف نقطه دار، انواع جناس‌ها، طرد و عکس‌ها، شعر هندسی و غیره از ویژگی‌های سبکی دوره‌ی مذکور به شمار می‌رود.^۲

شرف‌الدین بوصیری (وفات ۶۹۶هـ) پیش‌قراول این جریان بود. او در مصر به دنیا آمد و مشهورترین اثر وی قصیده‌ی "بُرَدَه" در صد و شصت و دو بیت است که بارها تقلید و شرح شده است و به زبان‌های گوناگون مثل هندی، فارسی، ترکی، آلمانی، فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده است. شعرش پرداخته و استوار است و در نعت و منقبت پیامبر (ص) صنایع بدیعی را به نیکویی به کار گرفته است (فاخوری، ۱۳۷۷: ۸۶۵)

قصیده‌ی برده در زبان و ادبیات عربی «با تمام اخبار، روایات و خواب‌های مربوط - چه درست و چه نادرست- توانست در عموم مسلمانان تأثیر بگذارد؛ آن را به خاطر سپردند، نقل کردند و فرزندان‌شان را وادار به حفظ آن نمودند و در غم‌ها و شادی‌ها آن را خواندند. این قصیده همچنین در جریان نویسندگی نقش داشت و شرح و تعلیق بسیاری بر آن نوشته شد. با این قصیده و آثار آن بود که ملاحظات علمی و زبانی ارزشمندی به وجود آمد و در پژوهش‌های تاریخی تأثیرگذار شد. به طوری که نویسندگان در زمینه‌ی تاریخی و دینی به آن اشاره‌ها داشتند و در ادبیات از آن بهره بردند؛ از اینرو تضمین، تخمیس، تسبیح، تعشیر و تقلید از آن زیاد شد و فن جدیدی مشهور به "بدیعیات" به وجود آمد» (شیخ‌آمین، ۱۹۸۶م: ۲۶۷)

در قصیده‌ی ابن حسام، قرائنی وجود دارد که می‌تواند، پژوهشگر این عرصه را به صرافت بیندازد که شاعر این چکامه به ادبیات عربی در دوره‌ی مملوکی و عثمانی گوشه‌ی چشمی داشته است. قصیده‌ی مورد بحث در ستایش از پیامبر (ص)، برتری و یگانگی ایشان، بیان معجزات او بویژه سفر معراج، شفاعت و طلب سلامت و غیره با همتای عربی خویش هم‌پوشانی دارد.

«بوصیری نخست، سروده خود را الکواکب الدریّه فی مدح خیر البریّه نامید.»

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ابن حسام، ۱۳۹۰: ۹۶

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: شیخ‌آمین، ۱۹۸۶م: ۱۶۱-۲۲۴

(مهدوی دامغانی، دانشنامه جهان اسلام، مدخل "برده") شاعر خراسان جنوبی نیز در بیت دوم، "الکوکب الدرّی" را با ظرافت چنین به کار برده است:

ضَوْءُهُ كَالْكُوكَبِ الدَّرِّيِّ مِنْ ضَوْضَائِهِ لَمَعُهُ كَزُجَاجِهِ فِيهَا مَصَابِيحُ الضِّياءِ

این ترکیب علاوه بر کاربرد در آیه ی سی و پنج سوره ی نور، نام کتاب هایی مشهور در زمینه ی فقه، نحو، تصوّف و شرح نویسی در عربی است؛ از آن نمونه، کتاب /الکوکب الدرّی فی مناقب ذی النون المصری از ابن عربی است که اخیراً به همت مسعود انصاری به فارسی هم ترجمه شده است. گفتنی است تلمیح به عنوان کتاب ها از ویژگی های سبکی شعر ادب مملوکی و عثمانی است.^۱

از لحاظ زبانی هم جمله ها و اصطلاحاتی در قصیده ی ابن حسام وجود دارد که با بردیه ی بوصیری مشابهت دارد. مثلاً در بُرده آمده: «أَوْمَضَ الْبَرْقُ فِي الظُّلُمَاءِ مِنْ إِضْمٍ» (بوصیری، ۱۳۹۳هـ: ۲۳) ابن حسام هم گفته: «أَوْمَضَ الْبَرْقُ الَّذِي مِنْ نُورِهِ فِي ظُلْمَةٍ» (ابن حسام، ۱۳۹۰: ۲۱۴) یا هر دو شاعر از شکوه کردن پاهای رسول الله (ص) در بیان سختی های راه و شب زنده داری های ایشان چنین تعبیر کرده اند: «اشتکت قدماه» (بوصیری، ۱۳۹۳هـ: ۲۴)، "رِجلَاهُ اشْتَكَا" (ابن حسام، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

امید به شفاعت نزد هر دو شاعر از دیگر مشترکات لفظی و معنوی دو قصیده است: «تَرْجُو مِنْ شَفَاعَتِكَ الشِّفَا» (همانجا) «هُوَ الْحَبِيبُ الَّذِي تُرْجَى شَفَاعَتُهُ» (بوصیری، ۱۳۹۳هـ: ۲۴) همچنین شاعر خوسف دو قرن بعد از بوصیری در دیوانش گفته: «فَمَا لِقَلْبِكَ لَا تَحْزَنُ بِحُزْنِهِمْ/ وَ مَا لِعَيْنِكَ لَا تَبْكِي وَ هُمْ يَبْكُونَ» (ابن حسام، ۱۳۹۰: ۱۸۷). که قرابت و مشابهت سبکی دو بیت خاصه در آغاز هر چهار مصراع چه از باب توارد و چه از باب تقلید در خور توجه است: «فَمَا لِعَيْنِكَ إِنْ قُلْتَ أَكْفُفَا هَمَّتَا/ وَ مَا لِقَلْبِكَ إِنْ قُلْتَ اسْتَفِقْ يَهُمَّ» (بوصیری، ۱۳۹۳هـ: ۲۵)

علاوه بر آن، ابن حسام به گفته ی خودش کسی است که به شرف ملاقات حضرت رسول (ص) در عالم رؤیا یا معنی نائل شده است و می گوید: در حال زندگیم نمودی لقای خویش/ بعد از وفاتم از تو توقع بود همین (ابن حسام، ۱۳۶۶: چهل و نه).

بوصیری هم فلج بوده و اعتقاد داشته است که پیامبر بزرگوار اسلام به خواب او آمده و شاعر را شفا داده است.

در "بردیه" از واژه‌های تخصصی (Terminology) صرف و نحو نیز استفاده شده است که در بیت صد و دوازده‌ی قصیده، واژه‌هایی چون "خفض"، "إضافة"، "رفع" و "مفرد عَلَم" از آن قبیل اند:

خَفِضَتْ كُلَّ مَقَامٍ بِالْإِضَافَةِ إِذْ / تُودِيَتْ بِالرَّفْعِ مِثْلَ الْمُفْرَدِ الْعَلَمِ (بوصیری، ۱۳۹۳ هـ: ۲۸)
با اضافه کردن [به آنچه پیشینیان آوردند،] هر مقامی را خوار کردی، همچون علم مفرد که در هنگام ندا مرفوع می‌شود.

ابن حسام «برای بیان مقاصد خود و گاه برای هنرنمایی، حتی از اصطلاحات صرف و نحو نیز بهره برده است چنان که در قصیده‌ای می‌گوید: چو کسره زیرنشین تا ز بر فرازی فتح/ که جرّ و نفع جهان رفع و ضمّ نمی‌ارزد

در غزلی نیز گفته است: مرا که صاحب حالم بمعرفت بشناس/ چرا که معرفه باید بواجبی ذوالحال

و نیز: تا لَوای دولت مفتوح او منصوب گشت/ رایت مرفوع ایمان برتر از اوج سماست (ابن حسام، ۱۳۶۶: سی و هفت)

در پایان باید افزود که «قرن نهم هجری دوره‌ی شکفتگی شعر فارسی و بالأخص شعر مذهبی بوده است» (ابن حسام، ۱۳۶۶: ده) و «نظم قصاید غرّا در مناقب حضرت علی (ع) و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و امامان شیعه، درین زمان رائج گردید و شاعرانی همچون ابن حسام خوسفی و کاتبی و فغانی و لسانی در مناقب حضرت علی (ع) و اولاد بزرگوارش قصاید بلندی سرودند» (همانجا)؛ بنابراین پیگیری قصاید مشهوری مثل "برده" و "همزیه" در شعر ابن حسام تنها یکی از آبشخورهای شاعر را ثابت می‌کند و گرنه نوع روایت و نگاه خاص شاعر متعهد به شخصیت پیامبر (ص) و خاندانش (ع)، قواعد و الگوهای معین در بیان شمایل ایشان و همچنین خصوصیات سبکی هر دوره، در هم تنیدگی بخشی از این قصیده را با متون دینی پیش از خود، طبیعی می‌نماید.

نتیجه

ابن حسام از شاعران دو زبانه است و مانند بسیاری از شاعران فارسی زبان پیش از خود به عربی هم شعر سروده است. قدر مسلم، مخاطب سروده‌های عربی او در دل شعر فارسی خواه به عنوان ملّعات و خواه معدود قصاید عربی، عرب‌زبانان نبوده‌اند، بلکه شاعران ایران، این ابیات را به اقتضای فضای فرهنگی و بر حسب سنت شعر فارسی، تقدس زبان عربی، مهارت و غیره به آن زبان سروده‌اند؛ بنابراین این دست سروده‌ها علاوه بر اهمیت لغوی و ادبی به لایه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران نقب می‌زند. پیش بردن قصیده به زبان عربی آن هم در خراسان جنوبی به هر روی دشوار است و وجود برخی لغزش‌های زبانی، طبیعی است؛ از این رو مقایسه‌ی فصاحت و بلاغت این اشعار در محیط ادبی خراسان با اشعار فاخر عرب اصولاً بی‌اساس می‌نماید اما وجود پاره‌ای از لغزش‌های زبانی با عنایت به قواعد ثابت و مدوّن زبان عربی قابل توجیه نیست؛ بنابراین برشمردن آن نباید موجب رنجش خاطر مخاطب علاقمند به ابن حسام شود؛ چه نقد نکردن این قبیل سروده‌ها، پاک کردن صورت سؤال هم هست.

زبان و ادبیات عربی بویژه در دوره‌ی مملوکی و عثمانی از آبشخورهای شعر ابن حسام به شمار می‌رود؛ مؤید این مسأله، دلایل و عواملی چون آیینی بودن محتوای قصیده، به کارگیری صنایع بدیعی، وجود پاره‌ای از مضامین و الگوهای نحوی مشترک، عربی بودن قصیده، توانایی شاعر در زبان و ادبیات عربی و شهرت فراگیر قصیده در تمام جهان اسلام است.

به هر حال، عربی سروده‌های ابن حسام در قرن نهم هجری در سیر ملّع‌گویی و عربی‌سرایی ایران و خراسان اهمّیت زاید الوصفی دارد. از ملّعات ابن حسام و بویژه این قصیده‌ی ساده می‌توان در مراسم دینی و گروه‌های تواشیح بهره جست؛ چه این قبیل سروده‌ها به ذائقه بومی نزدیک‌تر است و بسیاری از واژه‌ها و عبارات‌های آن در زبان مردم هنوز مستعمل است. در پایان، پیشنهاد می‌گردد در چاپ‌های بعدی، ملّعات و ابیات عربی ابن حسام، بازنگری و ویرایش شود و برای مزید استفاده‌ی مخاطب در آخر دیوان، ترجمه گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حُسام، محمد بن حُسام الدین (۱۳۶۶). دیوان. مُحمَّد بن حُسام خوسفی، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره ی کل حج و اوقاف و امور خیریه ی استان خراسان.
- ----- (۱۳۸۲). تازیان نامه ی پارسی: خلاصه ی خاوران نامه. تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ----- (۱۳۹۰). دیوان مولانا محمد بن حُسام خوسفی، به اهتمام مرادعلی واعظی. تهران: فکر بکر.
- احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۵۲). "ابن حُسام خوسفی و برخی از آثارش". مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال نهم، ش ۲ (پاییز): ۳۵۰-۳۸۶.
- باخرزی، علی بن حسن (۱۴۱۴هـ). دمیه القصر و عصره اهل العصر. بیروت: دار الجیل.
- بوسیری، شرف الدین (۱۳۹۳هـ). الدیوان. تحقیق محمد سید کیلانی. القاهرة: مکتبه مصطفی البابی الحلبی.
- ثعالبی النیسابوری، عبدالملک (۱۴۰۳هـ). تتمه ی یتیمه ی الدهر فی محاسن اهل العصر. بیروت: دار الکتب العربیه.
- خبازها، رضا (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی غزل های ملمع جامی با غزل های ملمع سعدی و حافظ". فصلنامه ی تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، ش ۱ (بهار): ۱۴۹-۱۷۰.
- شیخ آمین، بکری (۱۹۸۶م). مُطالعات فی الشعر المملوکی و العثماني. بیروت: دارالعلم للملایین.
- فاخوری، حنا (۱۳۷۷). تاریخ الأدب العربی. تهران: توس.
- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۷۵). دانشنامه ی جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

A Study on Effective Social Factors on Religious Participation among Students of Birjand University

Mohamad Bagher Akhondi ¹

Maryam Mahalatian Babaki ²

Abstract

Religious participation is the most important constituent of social capital and one of the key concepts of religion sociology. In Iran whose majority of population are Muslims and Shiita, religious participation is very desirable and worthwhile and Quranic verses emphasize it too. But despite Islamic orders, research and public sentiment indicate that religious participation of Iranian people has reduced in recent decades in contrary to early years of Iran Revolution, and this can be seen more in young people than other parts of society.

This question arises in the mind of the investigator: why, despite the fact that our youth become familiar with religious participation from childhood and it is considered in educational centers, mass media and family, do they not care about some forms of religious participation, and their adherence to religious participation is not as expected?

Therefore, the aim of this study is to investigate the social factors influencing religious participation of the youth, especially students of Birjand University. The method of research is quantitative and the instrument of data collection is a researcher-developed questionnaire. Statistical population of this study consist of the students of Birjand University in the academic year of 94-95. This population includes 9564 people from which a sample of 312 people,

1. Ph.D in Sociology, Assistant Professor of Birjand University.
Akhondi@birjand.ac.ir.

2. MA in Muslims' Social Knowledge of Birjand University. Responsible Writer.
Mahalatianm@gmail.com.

according to Cochran formula and using a proportionate stratified random sampling, was selected. The proposed relationships between variables were examined by using the analytical methods of correlation coefficient of Spearman, Chi- square, Multiple regression (Enter method) and path analysis. The results show that the dependent variable, which is religious participation, has a significant relationship with religious values variable, using the mass media variable, social-economic status of the family variable, social trust variable and type of school variable. Also, the multivariate analysis shows that the variables of religious values, social trust, social-economic status of the family and using the mass media have the greatest effect on the dependent variable. The results of this study are similar to the views of Inglehart, Norris and Putnam.

Keywords: Religious Participation, University Students, Religious Values.

Strategic Planning for Tourism Development in Qaenat Based on SWOT Analysis

Maryamsadat Taghizadeh ¹

Nazar Dahmardeh ²

Abstract

Qaenat, having an ancient historical background, strategic location, sample tourism area of Bouzarjomehr, historic and beautiful caves, natural and moderate climate and strategic agricultural products, has ahead numerous opportunities to attract tourists. This research was conducted with the purpose of recognizing internal factors (strength and weakness), external factors (opportunities and threats) and planning tourism strategy of Qaenat. Research method is descriptive-analytic-developmental, namely at first Qaenat's characteristics and tourism attractions were described. Then, internal and external factors of development were analyzed by the use of SWOT analysis. Finally appropriate strategy of recognition and tourism developmental strategies were provided using QSPM matrix. In the results of this research, specific time of harvesting saffron and barberry with average rating of 3.2 and weighted rating of 0.22 as the most important strength; The variable of inappropriate and inadequate accommodation and welfare centers in the city with the average rating of 4 and weighted rating of 0.24 as the most important weakness; The golden opportunity of eliminating the sanctions and presence of foreign tourists with the average rating of 2.83 and weighted rating of 0.23 as the most important opportunity, and the variable of lack of preparation of administrative organizations and people for using the cultural-economic chance of foreign tourist presence with the

1. MA Student in MBA (Administrative Management) of Azad University of Zahedan. maryamstaghizadeh@gmail.com.

2. Faculty member of Sistan and Baluchestan University. Nazar@hamoon.usb.ac.ir

average rating of 2.27 and weighted rating of 0.16 as the most important threat, were selected. At the end, offensive strategies were recognized as the most appropriate strategy for Qaenat ' s tourism development.

Key words: Tourism Strategy, SWOT Analysis, Qaenat, QSPM matrix.

A Comparative Study of the Attitudes of Men and Women Members of Social Councils of Mashhad City Localities on Selected Indices of Social Capital

Seyd Hadi Zarghani ¹

Mohsen Hejazi Joshaghani ²

Abstract

Establishment of social council of localities is one of the most effective factors of citizens' intervention in Mashhad's urban management. Obviously a fair and equal opportunity of participation should be provided for women and men, but unequal number of men versus women councilors signifies insufficient use of women, that the most important reason for it can be mayoralty's distrust on women's operation and capabilities. In this study, two indices of social capital, including councilors' trust in each other and their trust in the effectiveness of the council, and also two indices of councilors' tendency to participation and a sense of belonging to the locality was studied among members of 12 Social Councils of Mashhad's district 9. The research method is descriptive and documents and questionnaires were used for data collection. The population of study consists of all members of social councils of localities of Mashhad's district 9. Statistical sample of the survey includes all the members of social councils of localities of aforementioned district. To analyze and produce information needed descriptive statistics and frequency command, and to compare means Mann-Whitney test was used. Data analysis revealed no significant difference in men and women attitudes toward selected indices. Thus, according to the survey results lack of sufficient trust in membership of women in social councils of localities has no acceptable justification and it is obvious that since

1. Associate professor of political geography of Ferdowsi university of Mashhad. zarghani@um.ac.ir

2. MS in geography and urban planning of Ferdowsi university of Mashhad. Mohsen_hj2006@yahoo.com

women are more present in the locality and more aware of locality' shortages than men, their membership in councils will bring about positive results for the efficiency of the Councils.

Keywords: Comparative Study of Women and Men, Social Capital, Social Council of Localities, Mashhad City.

**Investigating Citizens' perception of administrative corruption and
Demographic Variables Affecting It
(Case of Study: Birjand City)**

Ali seyfzadeh ¹

Abstract

Administrative health is the most important capital for the advancement of any organization, and its counterpoint is administrative corruption which impedes progress. Corruption has two procedures. One procedure is the perception that exists in the society towards corruption, namely believes that society has towards the existence of corruption and its scope. The other procedure contains assessment and evaluation of corruption and determining indices for it. The general purpose of this research is to investigate Birjand citizens' perception of administrative corruption and demographic variables affecting it. This study contains a survey in which a questionnaire is used. The population of study consists of all 18 year old citizens and older ones. The combined random-cluster sampling method was used and the sample size was 197 people. For assessment content validity and for reliability measurement Cronbach's alpha test was used. The results were extracted using SPSS software in two descriptive and analytical levels.

The results show that: 1) there is a significant difference between the gender of respondents and their perception of administrative corruption, namely the perception of administrative corruption is more in women respondents than men respondents. 2) There is a significant difference between respondents' level of education and their perception of administrative corruption. 3) Perception of administrative corruption in respondents with average socio-economic status is more than other respondents. 4)

1. Ph.D student of Sociology of Social Problems of Islamic Azad University of Dehaghan. seyfzadehali@yahoo.com Contact Number

There is no significant relationship between age of respondents and their perception of administrative corruption.

Keywords: Administrative Corruption, Corruption Perception, Demographic variables, Birjand City.

Sociological Study of Social Well-being Feeling Criteria of Mashhad's Citizenry

Mohammad Hassan Sharbatian¹

Pooya Tavafi²

Abstract

The current research paper seeks to comparatively study the social well-being indices of Mashhad citizens in 2015. Research theoretical framework has been studied emphasizing Keyes ideas. The research, which contains a survey, is descriptive. Taking Cochran's sample size formula as its basis for determining the size of the population under study. The research selects 660 people of 16-64 year-old Mashhad citizens living in low, middle and upper class districts of the city through cluster sampling. The required data was gathered administering Keyes standardized questionnaire and the obtained Cronbach's alpha was 0.78. Part of results indicates that the amount of feeling of enjoying social well-being is equal to %48.2. Moreover, the highest score of mean dependent variable among the citizens domiciled in upper-class city districts (Districts 1, 9, 11) was for social acceptance (%91.3) and for social prosperity (%87.3). The highest score of mean dependent variable among the citizens domiciled in lower-class city districts (Districts 5, 6, 3) was for social participation (%21.4) and for social coherence (12.4) and the highest score reported for those living in middle-class districts (Districts 8, 10, 2) was for social conformity (11.4). The results indicate that the average index of social welfare varies among the citizens. Besides, a significant difference was observed between gender and the feeling of social welfare, but there was not such significance difference between being married and the feeling of social welfare. The

1. Ph.D in Sociology of Payame Noor University. Responsible Writer.
sharbatian@pnu.ac.ir

2. MA in Sociology of Payame Noor University of Tehran. tavafi8997@gmail.com

results also show that there is a significant relationship between age, the economic and social status of the citizens and their feeling of social well-being.

Key Words: Social well-being, Economic and social Status, Mashhad, Urban districts

Description and Criticism of Ibn Hosam Khusfi's Arabic OdeMohammadreza Azizi ¹**Abstract**

There are some Arabic Mollammaat (macaronic verse) and poems among Mohammad Ibn Hosam-adin Khusfi (died in 875 AH)'s poetries. These poems follow a literary tradition which has begun to appear since the fourth century in Shahid Balkhi's poetry and has shown Iranian's talent and thought over centuries. Among Ibn Hosam's Arabic poems, there is an ode (qasida), with sixty-six lines, which describes and praises the prophet Mohammad and it is not decoded and contains some spelling errors and typos in his published collections of poetry. This research at first seeks to record and translate those lines and describes and analyzes their technical elements in linguistic, emotional and imaginary aspects and then it studies their relationship with Arabic literary trends in Mamlook period especially "Bordah" ode. Existence of such poems in Ibn Hosam Khusfi's collection of poetry demonstrates another dimension of his personality and capacity and it is valuable in tracking the trend of saying poems and Mollammas in Arabic among Iranian poets.

Keywords: Ibn Hosam Khusfi, Arabic Qasida, Arabic Literature, Bordah.

1. Assistant professor of Birjand university, Mohammadrazizi@birjand.ac.ir.

Table of Content

A Study on Effective Social Factors on Religious Participation among Students of Birjand University

Akhondi, Mohammad Bagher/ Mahalatian Babaki, Maryam 7

Strategic Planning for Tourism Development in Qaenat Based on SWOT Analysis

Taghizadeh, Maryamsadat/ Dahmardeh, Nazar 39

A Comparative Study of the Attitudes of Men and Women Members of Social Councils of Mashhad City Localities on Selected Indices of Social Capital

Zarghani, Seyd Hadi/ Hejazi Joshaghani, Mohsen 65

Investigating Citizens' perception of administrative corruption and Demographic Variables Affecting It (Case of Study: Birjand City)

Seyfzadeh, Ali 93

Sociological Study of Social Well-being Feeling Criteria of Mashhad's Citizenry

Sharbatian, Mohammad Hassan/ Tavafi, Pooya 115

Description and Criticism of Ibn Hosam Khusfi's Arabic Ode

Azizi, MohammadReza 139

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Akhondi, Mohammad Bagher, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
2. Ayati, Mohsen, Ph.D, Associate Professor of The University of Birjand
3. Asghari, Bibi Aghdass, Ph.D, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad
4. Skandari Sani, Mohammad, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
5. Poorshafeie, Hadi, Ph.D, Associate Professor of The University of Birjand
6. Asgari, Ali, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
7. Ghorbani, Kolsoom, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
8. Mekaniki, Javad, Ph.D, Associate Professor of The University of Birjand
9. Noroozi, Hamed, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand

In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 40

ISBN 1735-8256

Vol. 10 No. 4. Summer 2016

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Bahari, Abbasali

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Mohammadi, Hamide

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Press: mehrang

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056 32323393

Fax: 056 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ
ریال طی فیش شماره به حساب ۰۱۰۹۶۶۱۶۰۰۰۷
بانک صادرات - شعبه ۱۵ خرداد - به نام‌های احمد محبی و عباسعلی بهاری بابت اشتراک
فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا
واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>